

روشنای مرموعمارتی ایرانی و اسلامی

فصلنامه پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی

Journal of Iranian and Islamic Architecture and Restoration Research

سال سوم، شماره ششم و هفتم،
بهار و تابستان ۱۳۹۹

۱ | آسایش مسافران در کاروانسراهای مناطق کویری با تدابیر معمارانه

مریم سید حمزه، بهمن سلطان احمدی

۱۷ | بررسی تأثیر رنگ بر معماری مهدهای کودک در جهت ارتقاء خلاقیت کودکان و افزایش کیفیت فضاهای آموزشی

محمد بهزادپور، زهرا شعربافی، سیدحسن حسینی

۲۹ | احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان

میلاذ فتحی، محمد مهدی رئوف

۴۹ | بازتاب نقش اسلام (مذهب شیعه) در شکل‌گیری تزئینات مسجد جامع دوره صفویه در شهر اصفهان (تزئینات مسجد جامع اصفهان)

میشم خانجان

۵۵ | بررسی نقوش و تزئینات کاشیکاری مسجد کبود گنبد کلات نادری

عطیه کلاتی

۶۷ | بازاندیشی معماری مدرسه شمسیه یزد

داوود امامی مینیدی



روشنایی مرمت و معماری ایرانی و اسلامی

فصلنامه پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی
Journal of Iranian and Islamic Architecture and Restoration Research

سال سوم، شماره ششم و هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۹

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: نوید جهدی

سرمدین: فاطمه علیمیرزایی

مدیر داخلی: میلاد فتحی

اعضای شورای سیاستگذاری فصلنامه:

نوید جهدی، میلاد فتحی، مرضیه صمدی، نیما جهدی، منیژه ملایی،
فاطمه علیمیرزایی.

اعضای شورای علمی فصلنامه:

شبیم اکبری نامدار (دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز)، تیلان صغرزاده منصوری
(دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز)، شوکا خوشبخت بهرمانی (دانشگاه آزاد
اسلامی واحد تهران مرکز)، مزین دهباشی شریف (دانشگاه آزاد اسلامی واحد
تهران مرکز)، داود رضائی (دانشگاه زنجان)، رضا بایرام‌زاده (دانشگاه ارومیه)،
روح‌الله رحیمی (دانشگاه مازندران)، سیدعباس رجائی (دانشگاه تهران)،
مصطفی قلی‌پورگشنیانی (دانشگاه مازندران)، مهسا فرامرزی (دانشگاه
آزاد اسلامی واحد تبریز)، وحید قبادیان (دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران
مرکز)، ناصر ثبات ثانی (دانشگاه ارومیه)، حبیب شاه‌حسینی (دانشگاه آزاد
اسلامی واحد تبریز)، سولماز امیرراشد (دانشگاه محقق اردبیلی)، محمد
علی‌آبادی (دانشگاه شیراز)، رحیم هاشم‌پور (دانشگاه بین‌المللی امام
خمینی)، سجاد اکبری (دانشگاه ارومیه)، شروین میرشاهزاده (دانشگاه آزاد
اسلامی واحد تهران مرکز)

نویسندگان این شماره:

مریم سید حمزه، بهمن سلطان احمدی، محمد بهزادپور، زهرا شعربافی،
سیدحسن حسینی، میلاد فتحی، محمد مهدی رئوف، میثم خانجانی،
عطیه کلاتی، داود امامی میبدی.

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری، کوچه شهید سبحانی، پلاک ۴۸،
واحد ۴

تلفن: ۰۲۱۳۳۲۰۲۴۸۷

فکس: ۰۲۱۴۳۸۵۷۱۲۴

maremat-mag.ir

انتشارات هنر و علوم دانشگاهی

تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸، پلاک ۲۹۳

تلفن: ۰۲۱۳۳۸۴۰۷۹۲

فهرست مطالب:

- ۱ | آسایش مسافران در کاروانسراهای مناطق کویری با تدابیر معمارانه
مریم سید حمزه، بهمن سلطان احمدی
- ۱۷ | بررسی تأثیر رنگ بر معماری مهدهای کودک در جهت ارتقاء خلاقیت کودکان و افزایش کیفیت فضاهای آموزشی
محمد بهزادپور، زهرا شعرافانی، سیدحسن حسینی
- ۲۹ | احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی رئوف
- ۴۹ | بازتاب نقش اسلام (مذهب شیعه) در شکل‌گیری تزئینات مسجد جامع دوره صفویه در شهر اصفهان (تزئینات مسجد جامع اصفهان)
میثم خانجانی
- ۵۵ | بررسی نقوش و تزئینات کاشیکاری مسجد کبود گنبد کلات نادری
عطیه کلاتی
- ۶۷ | بازاندیشی معماری مدرسه شمسویه یزد
داوود امامی میبدی

سخن سردبیر



این روزها همه جا صحبت از کرونا و چالش‌های آن است. کرونا تبدیل به بحرانی شده که دیگر در یک نقطه نیست، و همه جهان بحران زده است و مردم جهان متأثر از شرایط کرونایی، از کمبود امکانات، مشکلات اقتصادی و معیشتی، کمبود وسایل بهداشتی، مشکلات آموزشی و... رنج می‌برند. این مسئله بیش از پیش مسائل و کمبودهای کیفی و کمی در کالبد جوامع پیرامونمان را پدیدار ساخته است.

همچنین به دلیل اثرپذیری گسترده شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از کرونا، نمی‌توان منکر تأثیر دوسویه این شرایط بر عرصه‌های علمی و هنری، از جمله معماری شد. اساتید و صاحب‌نظران حوزه معماری این روزها درباره چالش‌های به وجود آمده در این زمینه در ارتباط با معماری، تأثیر معماری بر مدیریت شرایط بحران کرونا و آینده معماری پساکرونا بسیار صحبت کرده‌اند؛ اما سؤال اینجاست که آیا ویروسی به نام کووید ۱۹ معماری ما را به چالش کشیده است؟

با کمی بررسی و مرور یادداشت‌های اخیر متخصصین معماری در این مدت به این نتیجه می‌رسیم که شاید نتوان گفت که کووید ۱۹ معماری ما را به چالش کشیده، بلکه آنچه چالش برانگیز شده است کیفیت زندگی و محیط‌مان به عنوان واسطه بین این دو است. چالش‌های بهداشتی همواره و در دوره‌های مختلف به اشکال گوناگون بروز کرده است. ما انسان‌ها با اشتباهات خطرناکی که در طراحی شهری و معماری بناها مرتکب شده‌ایم، به سبب محدودیت‌های فضاهای زندگی خانوادگی و زندگی اجتماعی و در نظر نگرفتن مسئله ایجاد ارتباط پویا و امن، در مقابل این چالش‌ها به نوعی در جایگاه خود ضعیف عمل کرده‌ایم. این بار هم کووید ۱۹ موجب شد تا دست‌اندرکاران حوزه‌های مختلف، دانشمندان و متخصصین معماری و دیگر دست‌اندرکاران، با عوامل مهمی که در اصول اساسی و ساختار جامعه پایدار زیر پا گذاشته‌ایم مواجه شویم و به اهمیت آن پی ببریم.

به امید روزی که از اشتباهاتمان درس بگیریم و بیش از پیش تلاش خود را معطوف به تعالی و ارزش‌گذاری به انسانیت و ارتقاء کیفی و کمی زندگی فردی و اجتماعی و همه جانبه‌نگری در طراحی و ساخت وسازه‌هایمان کنیم.

باز هم به حکم وظیفه و علاقه به طرح موضوعات مهم و تأثیرگذار در زندگی جمعی انسان‌ها و در جستجوی مشکلات امروز و آینده معماری ایران و راه‌حل‌های آن‌ها، بدین وسیله ضمن انتشار مقالات تخصصی حاضر، از کلیه اندیشمندان و متخصصان عزیز دعوت می‌نمایم تا مشکلات جهان‌شمول حوزه معماری را برای رسیدن به راه‌حل‌های اندیشمندانه در پژوهش‌های آتی خود مورد توجه ویژه قرار دهند. امید است با اقبال اهل علم به محتویات علمی مندرج در این نشریه، شاهد رشد روزافزون علمی و اخلاقی همه اهالی علم و فرهنگ باشیم.



آسایش مسافران در کاروانسراهای مناطق کویری با تدابیر معمارانه

مریم سید حمزه^۱، بهمن سلطان احمدی^۲

۱. کارشناس پایگاه مطالعاتی راه ابریشم، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری،

Maryam.s.hamzeh@gmail.com

۲. کارشناس ارشد مهندسی معماری اسلامی، پژوهشگر حوزه راه های تاریخی ایران،

Bahman.s.ahmadi@gmail.com

چکیده:

اقلیم یکی از مهم ترین عوامل محیطی مؤثر در طراحی و شکل گیری در معماری است. طراحی براساس اقلیم همواره بر فرم و نحوه استفاده از بنا تأثیر گذاشته است. اقلیم گرم و خشک به عنوان وسیع ترین اقلیم ایران، در ایام مختلف سال، ساکنین خود را به دلایل شرایط آب و هوایی ویژه دچار چالش می کند. ایرانیان همواره برای فراهم آوردن بیشترین حد آسایش برای زیستن به کمک راهکارهای گوناگون به زندگی مسالمت آمیز در کنار طبیعت روی آورده اند. یکی از این مکان های زیست کاروانسراها هستند. کاروانسراها با ماهیت اسکان برای مسافران و به دلیل قرارگیری در حاشیه کویر همواره در معرض آسیب های اقلیمی می باشند. در کاروانسرا موضوع امنیت و آسایش برای مسافران و حیوانات باربر از اهمیت ویژه برخوردار است. یکی از دلایل تنوع در طرح و الگو کاروانسرا ناشی از همین خصوصیات اقلیمی و جغرافیایی هر منطقه می باشد. در مناطق گرم و خشک برای تأمین این آسایش از الگو و عناصری همچون حیاط مرکزی، استفاده از مصالح آجر، پوشش گنبدی شکل فضاها، قرارگیری اصطبل حیوانات پیرامون دیوار بیرونی، عایق بندی بام، بادگیر، استفاده از ایوان به عنوان فضاهایی نیمه باز و ساماندهی فضایی براساس شرایط اقلیمی و... می باشند. این تدابیر معمارانه در شیوه ساخت و طراحی کمک به آسایش مسافران در مناطق کویری کرده است؛ که حتی امروزه نیز می توان از کاروانسرا با همان کاربری سابق در تمام طول سال برای گردشگران قابل بهره برداری باشد. این مقاله براساس بررسی های میدانی از کاروانسراهای مناطق گرم و خشک به تحلیل فضاهای کاروانسرا پرداخته است و همچنین براساس مطالعات کتابخانه ای حاصل گردیده است. این مقاله می تواند پایه پژوهشی برای تحلیل دقیق شاخص های کمی اقلیمی کاروانسراها براساس نرم افزارهای اقلیمی باشد.

کلمات کلیدی: اقلیم، آسایش، کویر، گرم و خشک، کاروانسرا.

آسایش مسافران در کاروانسراهای مناطق
کویری با تدابیر معمارانه
مریم سید حمزه، بهمن سلطان احمدی
صص ۱-۱۶

مقدمه

سفر مستلزم وجود بناهایی برای تأمین آسایش و امنیت در طول مسیر است، این بناهای میان راهی در ایران به شکل رباط، خان، کاربات و کاروانسرا برای مسافران ساخته شده است. تأسیسات میان راهی علاوه بر فراهم آوردن امنیت در بیابان‌ها برای ایجاد آسایش در برابر آب و هوای نامطلوب می‌باشند زیرا همواره مناطق بیابانی در تابستان گرمای طاقت‌فرسا و طوفان همراه با شن و در زمستان با سرمای زیاد و خشک مواجه است.

ایران از نظر اقلیم به دو منطقه بزرگ مرطوب و خشک تقسیم می‌شود. مناطق مرطوب به سرزمینی گفته می‌شود که مقدار متوسط بارش سالانه آن بیش از تبخیر و تعرق سالانه‌اش باشد و مناطق خشک برعکس آن است. مناطق خشک را از نظر مقدار بارش و میزان تبخیر و تعرق می‌توان به سه ناحیه تقسیم کرد: نواحی نیمه خشک، نواحی خشک و نواحی بیابانی یا بیش از حد خشک که قسمت اعظم از سرزمین ایران یا به عبارت دیگر بیش از ۳/۲ از وسعت خاک کشور که فلات مرکزی ایران را تشکیل می‌دهد. اقلیم این ناحیه که شامل کلیه سرزمین‌های داخل فلات اعم از چاله‌ها و دشت می‌باشد خشک و بیابانی است. از ویژگی‌های کلی آب و هوای آن یکی طولانی بودن مدت گرمای خشک که گاهی بیش از ۷ ماه در سال است، دیگری کم بودن باران که مقدار ریزش آن در سال از ۳۰ تا ۲۵۰ میلی‌متر تجاوز نمی‌کند.

اقلیم بیابانی که ظاهری خشن و خشک و گرم دارد ولی در ورای این خشونت، آرامش، سکوت و راز و رمزی شگرف در دل خود جا داده است. سکوت در کویر معنا پیدا می‌کند و آدمی با قدم گذاشتن و همسفر شدن و دل دادن به سکوت و طی کردن رمل‌ها همچون پیچش موی، به شگرف بودن این پدیده منحصر به فرد پی می‌برد. ساکنان کویر مردمانی صبور و آرام که این آرامش را از طبیعت پیرامون خود کسب کرده‌اند و توانستند با سخت‌کوشی و درایت خود بر طبیعت خشن و سخت پیرامونشان غلبه کنند و راهی برای تعامل با آن بیابند. آموختند تعامل کنند بجای گریختن. از این رو دست به روش‌های مبتکرانه در محل زیست خود برای ایجاد همزیستی با طبیعت و ایجاد آسایش زده‌اند که در این مقاله به بررسی هر چه بیشتر این روش‌ها در بنای کاروانسراهای مناطق کویری ایران می‌پردازیم.

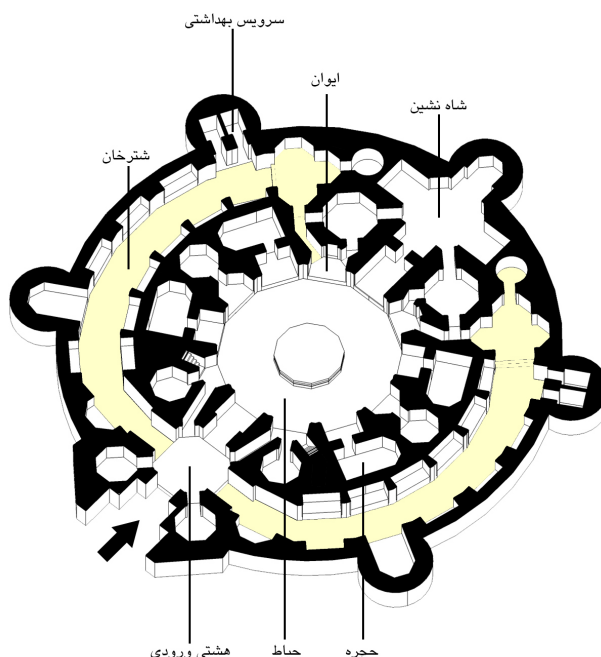
اندام‌های کاروانسرا

کاروان سرا با داشتن فضاهایی برای مسافران و حیوانات خسته از راه انتظار پذیری از آنان را می‌کشد. شیوه کلی ساختمان و معماری کاروانسراها، از روزگار کهن تا به امروز دگرگونی چندانی نیافته و در هر منطقه جغرافیایی در طرح و خصوصیات هر کدام ویژگی‌هایی به چشم می‌خورد (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۵). شرایط اقلیمی و جغرافیای موجب تنوع در طرح و نقشه کاروانسراها شده است. فضاهای کاروانسرا براساس شرایط اقلیمی به گونه‌های مختلفی در کنار یکدیگر ساماندهی شده است. کاروانسراها براساس شرایط اقلیمی به دسته‌های مختلف تقسیم می‌شوند؛ گونه شناسی کالبدی کاروانسراها براساس شرایط اقلیمی شامل: کاروانسراهای مناطق کوهستانی که دارای فضاهای کوچک با ارتفاع کم و بدون حیاط مرکزی می‌باشند. کرانه پست خلیج فارس و حیاط دار فلات مرکزی ایران که هریک از این کاروانسراها با نقشه‌های مدور، چندضلعی، دو ایوانی، چهار ایوانی و کاروانسراهایی با تالارستون دار هستند. همچنین کاروانسراهایی با پلان متفرقه که نقشه و معماری آن‌ها با سایر گروه‌های دیگر متفاوت

آسایش مسافران در کاروانسراهای مناطق
کویری با تدابیر معمارانه
مریم سید حمزه، بهمن سلطان احمدی
صص ۱-۱۶

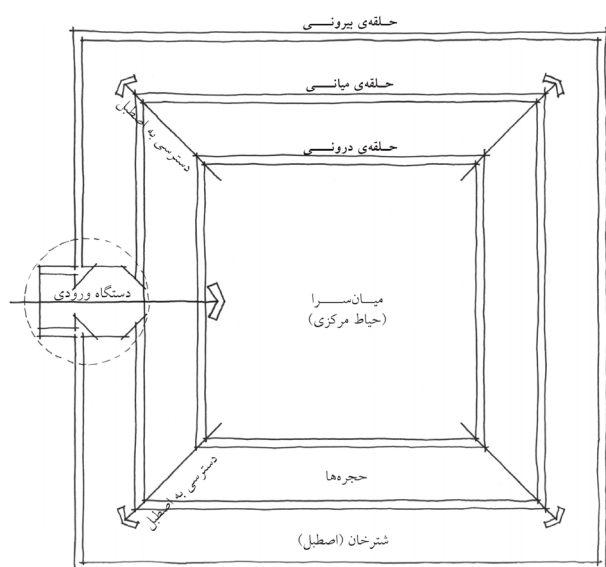
است (سیرو، ۱۳۵۷: ۲۰). با توجه به اینکه مساحت زیادی از ایران دارای آب و هوای گرم و خشک است وجود کاروانسراهایی که طرح و نقشه آن‌ها از الگوی اقلیمی مناطق فلات مرکزی تبعیت کند، بسیار فراوان می‌باشد. از همین روی به دلیل گستردگی مناطق کویری، کاروانسراهای این منطقه جغرافیایی را مورد بررسی قرار خواهیم داد. ساختمان کاروانسراها معمولاً دارای حصار است که در گوشه و گاهی در میان اضلاع و دیوارهای آن برج‌هایی قرار گرفته، به طوری که دروازه میان دو برج یا شبه ستون جای دارد و دارای سردری است. بیشتر کاروانسراها درآیگاه و سردری بلند و نیز چند صفه درکنار درآیگاه دارند، صفه‌ها سکوهایی سرپوشیده بودند که مسافرانی که نمی‌خواستند زمان چندانی لنگراندازند و قصد ماندن نداشتند از همین سکوه‌ها بهره‌گیری می‌کردند و به درون نمی‌رفتند؛ گاهی هم کاروانسرا پرمی‌شد و درون جا نبود و از این سکوه‌ها بهره‌گیری می‌شد به جز سردر دیگر نماهای کاروانسرا ساده بود (معماریان، ۱۳۹۲: ۳۲۰). در داخل کاروانسراها اتاق‌های مسافران پیرامون حیاط جای دارد، اتاق‌ها در نداشتند و معمولاً پرده‌ای برابرایوانچه مقابل اتاق آویزان می‌کردند و کارهایی همچون آشپزی در ایوانچه انجام می‌شد. اتاق مسافران معمولاً چند پله بالاتر از حیاط بوده تا هم از ورود آب و گل به درون اتاق جلوگیری شود و هم از گرد و خاک کف حیاط قدری دورتر باشد (قبادیان، ۱۳۷۸: ۳۴۷). در پس اتاق‌ها فضای اصطبل گرداگرد کاروانسرا ساخته می‌شد. درب ورودی اصطبل‌ها در چهار گوشه حیاط یا در مجاور ایوان‌های کاروانسرا قرار داشته است. اصطبل در کاروانسراهای خارج شهر بخش عمده‌ای از زیربنای کاروانسرا را شامل می‌شده. تا جاییکه گاهی وسیع‌تر از مساحت کل اتاق‌های مسافران بوده (همان: ۳۵۱). کاروانسراهایی که در دشت‌های مرکزی ساخته شده‌اند عموماً یک طبقه هستند و در برخی از آن‌ها بر روی دروازه ورودی و یا بر روی ایوان جبهه مقابل ورودی (شاه‌نشین)، اتاق یا اتاق‌هایی که محل اقامت نگهبان، کاروانسرادار، مهمانان خاص یا مأمورین بوده، ساخته می‌شده است (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۵). لازم به یادآوری است در بعضی از کاروانسراها، حمام، آشپزخانه، مسجد، نانوا، قصابی، آسیاب و تعدادی دکان جهت خرید و فروش کالاهای مایحتاج کاروان وجود داشته است.

شکل ۱: اجزاء اصلی تشکیل دهنده
کاروانسرای زین الدین (مأخذ: نگارندگان)

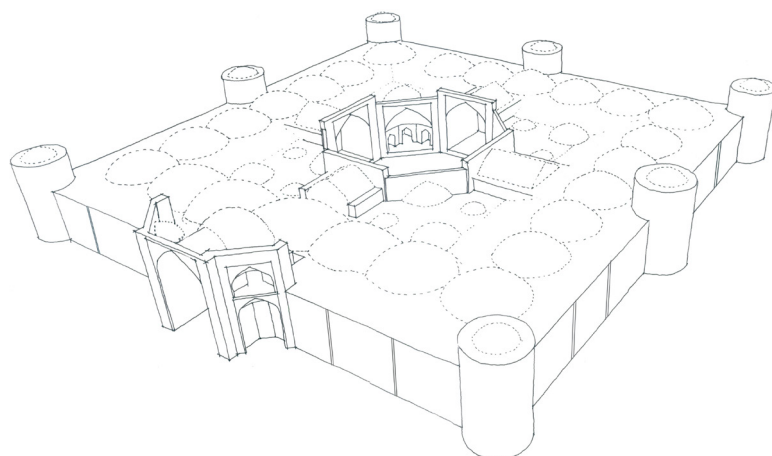
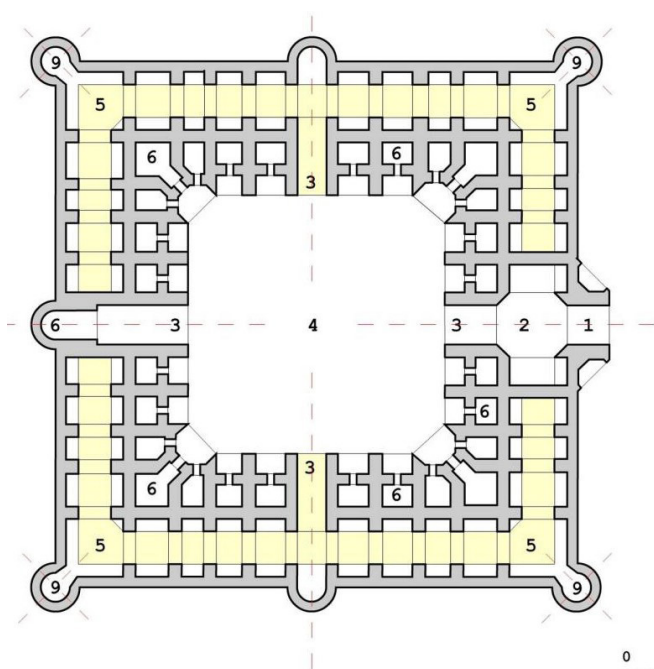


۱- این الگوی قرارگیری اصطبل از دوره ایلخانی به بعد در ساخت کاروانسراها رایج گردید. پیش از این حیوانات باربر بیرون کاروانسرا یا در فضایی محدود داخل کاروانسرا نگهداری می‌شدند.

آسایش مسافران در کاروانسراهای مناطق
کویری با تدابیر معمارانه
مریم سید حمزه، بهمن سلطان احمدی
صص ۱-۱۶



شکل ۲: طرح شماتیک از فرم کلی
کاروانسرا (مأخذ: نگارندگان)



اثر اقلیم گرم و خشک بر معماری و ساخت کاروانسرا

مورفولوژی زمین و رشته‌کوه‌های ایران موجب شکل‌گیری پهنه‌های وسیعی از مناطق کویری و بیابانی شده است. در طول تاریخ جوامع بشری در حاشیه این کویرها سکنی گزیده‌اند. وجود شهرها در حاشیه کویر نشانه‌ای از وجود قدرت خلاق در برابر سختی خصمانه کویر است. مردمان مانند در اینجا را برگزیده‌اند؛ جایی که زنده ماندن را هم نشدنی می‌نمود، چه رسد به اینکه بزرگ منشانه کسانی را تحمل کند که گستاخی کرده‌اند و در کنارش آرام گرفته‌اند (بیزلی و هارورسن، ۱۳۹۲: ۲۲). ایرانیان در این مناطق هیچگاه بدنبال مقابله با محیط خود نبودند و برای ایجاد آسایش و آرامش راهکارهای متنوعی در محل اقامتشان یافتند. به عنوان مثال باد گرم در کویر توسط بادگیر برای خنک شدن فضا هدایت می‌شود و یا استفاده از خشت و آجر در جهت تنظیم دمای فضای زیست در فصول مختلف و ... که با چنین راهکارهایی معماری پایدار را رقم زده‌اند.

هدف اصلی طراحی پایدار، کاستن و یا تحت کنترل در آوردن شرایط نامطلوب اقلیمی برای رساندن محیط به شرایط احساس آسایش حرارتی است. لذا هدف این نیست که این عوامل نامطلوب را به طور کل ریشه‌کن کنیم. مهم است بدانیم که تأثیر نامطلوبی که دمای بالا و بازتاب حرارت از سطوح در برهم زدن آسایش حرارتی دارند، یکسان است (کاک نیلسن، ۱۳۸۹: ۵۸). راهکار تحت کنترل قرار دادن دمای مطلوب محیط براساس شرایط اقلیمی در کاروانسرا استفاده از شیوه غیرفعال می‌باشد. روند طراحی غیرفعال روندی است که در آن طراحی با تکیه بر روش‌هایی که نیازمند مصرف انرژی نیستند، صورت می‌پذیرد؛ مانند انرژی باد، انتخاب فرم و پوسته مناسب برای ساختمان و ...؛ این طراحی مانند هر طراحی موفق دیگری، بایستی منجر به ایجاد محیطی راحت و دلپذیر برای ساکنین آن شود (همان: ۱۳). شاخص محیط دلپذیر و راحت، دمای هوای محیط می‌باشد. دمای آسایش در محدوده ۱۸ تا ۲۵ درجه سانتی‌گراد است.

تحقیقات نشان می‌دهد که در شرایط خاص مناطق گرم و خشک خرد اقلیم‌هایی پدیدارند و از اهمیت زیادی برخوردارند. در این میان دانش و استادی انسان در ساخت و پردازش محیط (طبیعی و مصنوع) پدیده‌های طبیعی را که در قالب معماری به ظهور رسیده، آن‌ها را به مکانی طبیعی و فرهنگی در گستره کویرها مبدل کرده است (تقوایی، ۱۳۸۶: ۱۳). این دانش در بنای کاروانسرا به دلیل قرارگیری در میان حاشیه کویر که در برابر آسیب‌های محیطی همواره مورد تهدید است بیشتر نمود پیدا می‌کند. کاروانسرا می‌بایست شرایط ایده‌آل اقلیمی داشته باشند تا مسافرانی که از پیمودن مسیر در طی روز خسته‌اند را در خود پذیرایی کنند. برای ایجاد چنین فضایی مطلوبی از روش‌هایی بهره‌جسته‌اند. در زیر به بررسی هریک از این شیوه‌ها در فضاها و عناصر تشکیل‌دهنده کاروانسراهای مناطق گرم و خشک می‌پردازیم.

آسایش مسافران در کاروانسراهای مناطق
کویری با تدابیر معمارانه
مریم سید حمزه، بهمن سلطان احمدی
صص ۱-۱۶

نوع اقلیم	اقلیم		
شدت تابش	زیاد و خیلی زیاد	۱	تابش
باد توأم با گردوغبار	تابستان	۲	باد و باران
کج باران	ندارد		
بارندگی ماهانه بیش از ۲۰۰ میلی‌متر	ندارد		
پدیده ذوب و انجماد	۱ تا ۲ ماه	۳	دمای کم و یخبندان
دمای زیر صفر درجه	گاهی شب‌ها		
دمای زیر ۵ درجه	۳ تا ۴ ماه در شب‌ها		
پوسیدگی چوب	ندارد	۴	رطوبت
میعان	۲ تا ۳ ماه احتمالاً		
شرجی	ندارد		

جدول شماره ۱: شرایط اقلیمی مناطق گرم و خشک (طاهباز، ۱۳۸۷: ۹۶)

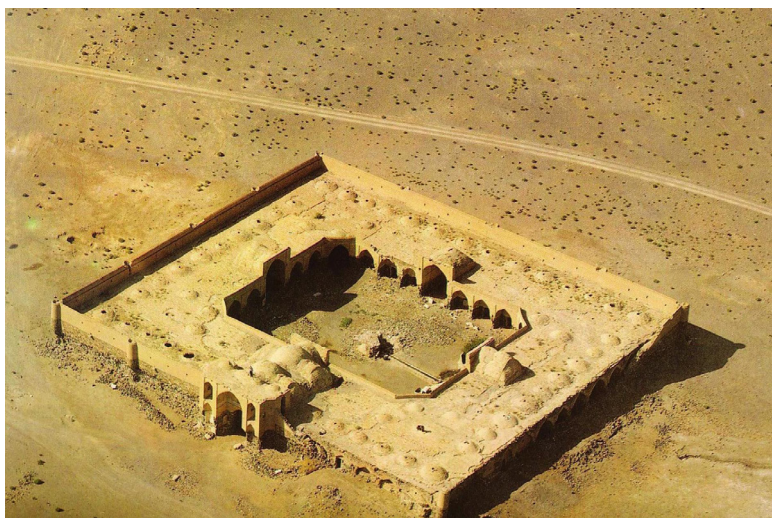
۱- فرم کلی

قابلیت ذخیره‌سازی و رهاسازی حرارت داخل ساختمان، بستگی به حجم آن دارد اما میزان حرارت دریافتی و یا منعکس شده از ساختمان به مساحت سطوح آن وابسته است. ارتباطی که بین نسبت سطح و حجم ساختمان‌ها وجود دارد تعیین‌کننده میزان گرم شدن آن در روز و خنک شدن آن در طول شب می‌باشد. (کاک نیلسن، ۱۳۸۹: ۶۶)

برای کاهش تبادل حرارتی از جداره‌های خارجی کاروانسراها، باید سطوح این جداره‌ها به حداقل ممکن کاهش یابند. این کار از طریق انتخاب احجامی که با داشتن حجم و سطح زیربنای مساوی، سطح جانبی کمتری دارند، امکان‌پذیر است. می‌بایست در درجه اول فضاهایی با پلان دایره و سقف محدب و در درجه دوم فضاهایی به شکل مکعب مربع که ارتفاع آن معادل نصف ضلع مربع باشد (طاهباز، ۱۳۸۷: ۱۲۰). تناسبات فضاهای شکل گرفته، تأثیر بسزایی در میزان شکل دهی به جریان هوا در محدوده بنا و فضاهای داخلی و متعاقباً در مصرف انرژی خواهد داشت. در مناطق گرم و خشک، فرم ساختمان با توجه به شرایط زمستانی این مناطق می‌تواند در محور غربی-شرقی گسترش یابد، ولی با توجه به شرایط تابستانی ساختمان‌ها، باید فشرده و مکعبی شکل باشند (کسمایی، ۱۳۸۲: ۱۲۳). به همین دلیل است که بیشتر کاروانسراهای مناطق گرم و خشک فرمی مربع شکل دارند؛ به گونه‌ای که تناسبات کل بنا (طول و عرض) نزدیک به یکدیگر در نظر گرفته شده است و همواره عنصر حیاط مرکزی برای پرهیز از هوای گرم تابستان مورد استفاده قرار گرفته است.

از شاخصه‌های دیگر معماری در مناطق گرم و خشک ایران فرم درون‌گرا و محصور آن است. این ویژگی که در کاروانسراهای این مناطق نیز دیده می‌شود به عنوان مزیتی اقلیمی به حساب می‌آید. تمامی سطوح کاروانسرا در معرض تبادل حرارتی با محیط پیرامون خود است. چون کاروانسراهای برون‌شهری در فضای باز و به شکل بنایی منفرد ساخته شده‌اند و پیرامون خود بافت فشرده‌ای ندارند. به جزء دیوار ورودی، تمام پوسته خارجی کاروانسرا از دیوارهای یکپارچه و بدون روزن تشکیل شده است. این دیوار یکپارچه علاوه بر ایجاد امنیت بیشتر، فضای داخلی ساختمان را نیز در مقابل طوفان شن، بادهای کویر و شرایط نامساعد اقلیمی محافظت می‌کند. پلان ساختمان‌ها تا حد امکان متراکم و فشرده است و تلاش شده سطح خارجی ساختمان نسبت به حجم آن کم باشد. این تراکم و فشرده‌گی پلان، از میزان تبادل حرارت از طریق جداره‌های خارجی ساختمان در تابستان و اتلاف آن در زمستان جلوگیری کند (کسمایی، ۱۳۸۲: ۸۸).

آسایش مسافران در کاروانسراهای مناطق
کویری با تدابیر معمارانه
مریم سید حمزه، بهمن سلطان احمدی
صص ۱-۱۶



شکل ۳: کاروانسرا با فرم مربع مستطیل
(کاروانسرای خرگوشی) و دایره با حیاط
مرکزی (ربا زین الدین)



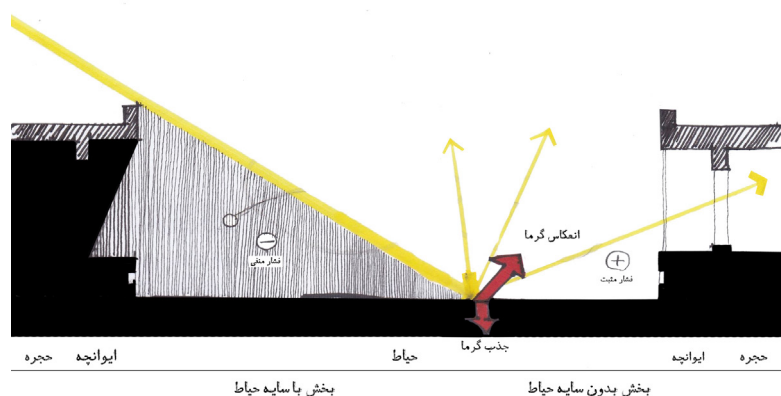
۲- حیاط مرکزی

الگوی حیاط مرکزی به عنوان یکی از کهن‌ترین الگوهای معماری ایران به شدت تحت تأثیر شرایط اقلیمی گرم و خشک فلات مرکزی ایران بوده است. تفاوت در حیاط‌های مرکزی عموماً به دلیل شرایط اقلیمی گوناگون است؛ این تفاوت در اندازه، تناسبات، سازمان دهی جداره‌ها، مصالح و شفافیت جداره‌ها نمود پیدا می‌نماید. حیاط نه تنها فضای طبیعی و تنفسگاهی مناسبی برای ساختمان‌های درون‌گرا ایجاد می‌کند بلکه ارتباط فضاهای را نیز از این طریق تأمین می‌سازد و نتیجه تلفیق فضای ارتباطی با حیاط، فضاهای ارتباطی به حداقل می‌رسد که در معماری پایدار ارزش تلقی می‌شوند (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

حیاط مرکزی، راه مناسبی برای تعدیل شرایط نامطلوب اقلیمی برای کاروانسرا است. اینگونه که حیاط با ایجاد دیوارهای بلند، سایه را در سطح نسبتاً بزرگی از فضاهای درونی کاروانسرا ایجاد می‌نماید، در داخل حیاط کاروانسراها اغلب یک حوض آب و گاهی چند درخت بوده که به مرطوب و خنک نمودن فضای داخل حیاط کمک می‌کرده است (قبادیان، ۱۳۷۸: ۳۵۰). این هوای خنکی که در سطح نما و کف حیاط وجود دارد، حرارت را از فضاهای داخلی گرفته و در طول شب آن را به سوی آسمان منعکس می‌کند (کاک نیلسن، ۱۳۸۹: ۷۵). تمام درگاه‌ها در این نوع بناها رو به

حیاط می‌باشد؛ که این عمل حداکثر استفاده و کارآمدی از جداره‌های حیاط مرکزی را ایجاد می‌نماید و نسبت سطح ساختمانی واجد نور طبیعی به سطح زمین بهینه شود که این خود اصل دیگری از معماری پایدار است. همانطور که پیش‌تر گفته شد ورود نور به فضاهای داخلی از جداره بیرونی کاروانسرا امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین نور فضاهای پیرامون حیاط مرکزی کاروانسرا از تأمین می‌شود. در صورت وجود سایبانی یا ایوانی در مقابل فضاهای پیرامون حیاط، نور می‌تواند قبل از ورود به فضاها تعدیل شود. حیاط مرکزی برای کاروانسراها علاوه بر ایجاد شرایط اقلیمی مناسب برای فضاها، در مقابل طوفان‌های کویری به خوبی محافظت کند.

در طول روز، حیاط مرکزی نسبت به ساختمان اطراف آن با سرعت بیشتری گرمای خورشید را به خود جذب می‌کند. این امر سبب ایجاد اثر دودکشی در ساختمان می‌شود چرا که در اثر وجود اختلاف دما و فشار، هوای گرم تمایل پیدا می‌کند که به سمت بالا حرکت کرده و از فضا خارج شود. خروج هوای گرم، هوای خنک‌تر را به فضاهای داخلی کشانده و موجب وزش نسیم ملایمی در آن‌ها می‌شود. در طول شب حیاط مانند یک مرداب عمل می‌کند و هوای خنکی که از بالا به آن وارد می‌شود را در خود انباشته می‌کند. این هوای خنک با عبور از دریچه‌های ورودی ساختمان که مشرف به حیاط هستند تصفیه شده و سپس وارد فضای داخل می‌شود (کاک نیلسن، ۱۳۸۹: ۷۶). از مزایای دیگر حیاط مرکزی ورود مستمر نسیم‌های ملایم، بدون تأثیرپذیری از جهت وزش باد در فضاهای کاروانسرا می‌باشد. این نسیم‌ها با وزیدن از بالای ساختمان فشار هوا را در بالای ساختمان و نیز در حیاط کاهش می‌دهند و این کاهش فشار موجب به چرخش درآمدن هوا از فضای داخلی و حرکت آن‌ها به سمت بیرون و ایجاد تهویه می‌شود.



شکل ۴: ایجاد اختلاف فشار در حیاط کاروانسرا و ورود نور غیرمستقیم خورشید به فضاهای پیرامونی حیاط (ترسیم از نگارندگان)

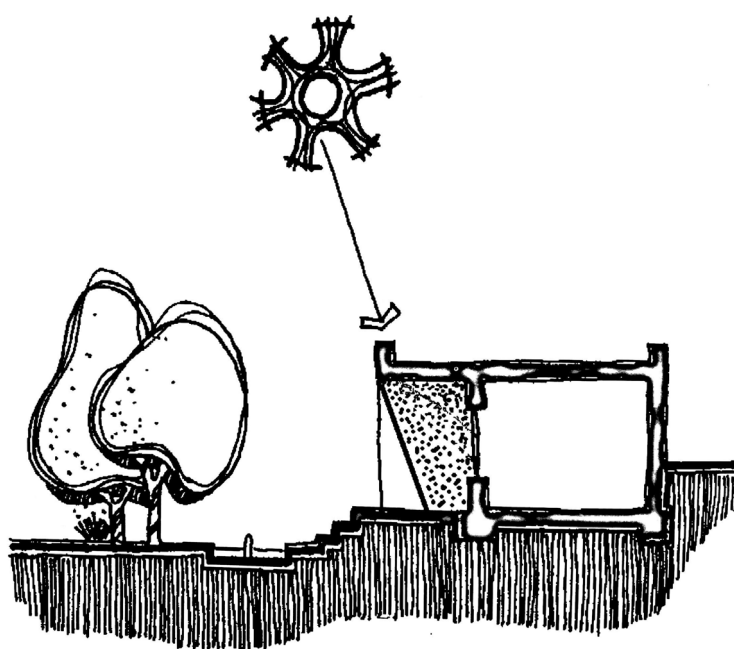
۳- فضای نیمه‌باز (ایوان و ایوانچه)

در اقلیم گرم و خشک به دلیل شرایط اقلیمی، استفاده از فضاهای نیمه‌باز مانند ایوان متداول است. ایوان امکان برقراری جریان هوا را همزمان با محافظت از تابش آفتاب و ایجاد سایه را فراهم می‌کند. هدف از احداث ایوان‌ها ایجاد فضایی پرسایه است که با توجه به ابعاد آن یعنی عمق و ارتفاع می‌توانند به‌طور متناوب سرمایش و گرمایش در فصل گرم و سرد و یا تنها جهت سرمایش در تمام فصول به کار روند. در مناطق گرم ایوان با استفاده از تهویه مستقیم و ایجاد کوران، به دلیل ایجاد مناطق با فشارهای هوایی متفاوت به واسطه فضاهای خالی و پر (ایوان و فضاهای مجاورش) سبب کاهش دما می‌شود. علاوه بر این در ایوان‌های مرتفع، تهویه دودکشی نیز در سرمایش

آسایش مسافران در کاروانسراهای مناطق
کویری با تدابیر معمارانه
مریم سید حمزه، بهمن سلطان احمدی
صص ۱-۱۶

فضا مؤثر است (وکیلی نژاد، ۱۳۹۱).

فضاهای نیمه باز در این اقلیم به دو صورت ساخته می‌شوند: ۱- مستقل، تحت عناوینی مانند تالار، ایوان، غرفه ۲- ارتباط دهنده، فضاهای باز را به فضاهای بسته متصل می‌سازند. فضاهای نیمه باز مستقل معمولاً دارای ابعاد و تناسباتی مانند فضاهای بسته هستند و برای مقاصد مشابه مورد استفاده قرار می‌گیرند. در کاروانسراها این فضا در قالب چهارپایا دویوان کاروانسرا و محلی برای اقامت دیده می‌شود، اما پیش فضاهای نیمه باز، افزون بر نقش واسطه‌ای خود، نقش سایبان افقی را نیز برای پنجره‌ها و دیواره‌های پشت خود ایفا می‌کنند. بدین لحاظ این فضاها شکل و ابعاد مشخصی ندارند (طاهباز، ۱۳۸۷: ۱۲۴) وجود ایوانچه‌ها در مقابل حجره‌ها نقش پیش فضا را ایفا می‌کنند.



شکل ۵: بالا: نقش ایوانچه‌ها در ایجاد سایه (طاهباز، ۱۳۸۷: ۱۲۵) پایین: سایه‌اندازی بخشی از ایوانچه‌های مقابل حجره‌ها، کاروانسرای دیرگچین (مأخذ: نگارندگان)



۴- حجره‌ها

مهم‌ترین فضای در کاروانسراهای برون شهری بدون شک حجره‌ها برای اقامت و استراحت مسافران هستند. حجره‌ها همواره در حدود ۶۰ الی ۱۵۰ سانتی متر بالاتراز کف حیاط قرار گرفته‌اند. حجره‌ها (واحد‌های مسکونی) مشتمل بر دو فضای، ایوانی

آسایش مسافران در کاروانسراهای مناطق
کویری با تدابیر معمارانه
مریم سید حمزه، بهمن سلطان احمدی
صص ۱-۱۶

سریوشیده که کاملاً رو به حیاط است و حجره‌ای پشت ایوان که با ورودی می‌توان به آن دسترسی یافت. در کاروانسراهای مجهزتر هر یک از حجره‌ها یک بخاری دیواری نیز دارند (پوپ، ۱۳۷۸: ۱۴۳۹). استاد محمد کریم پیرنیا نقل کرده‌اند که این اتاق‌ها در نداشته‌اند و در تابستان بازشوی آن توسط پارچه و در زمستان توسط زیلو پوشیده می‌شده است. در اکثر اتاق‌ها بخاری دیواری برای گرم کردن فضای اتاق و پخت و پز وجود داشته است (قبادیان، ۱۳۷۸: ۳۴۷).



شکل ۶: بالا: کاروانسرای لاسجر سمنان، داخل حجره، وجود بخاری دیواری با سقف کوتاه تاقی شکل / پایین: حجره‌ها پیرامون حیاط و با داشتن حداقل روزن که از سطح زمین بالاتر می‌باشند. (مأخذ: نگارندگان)

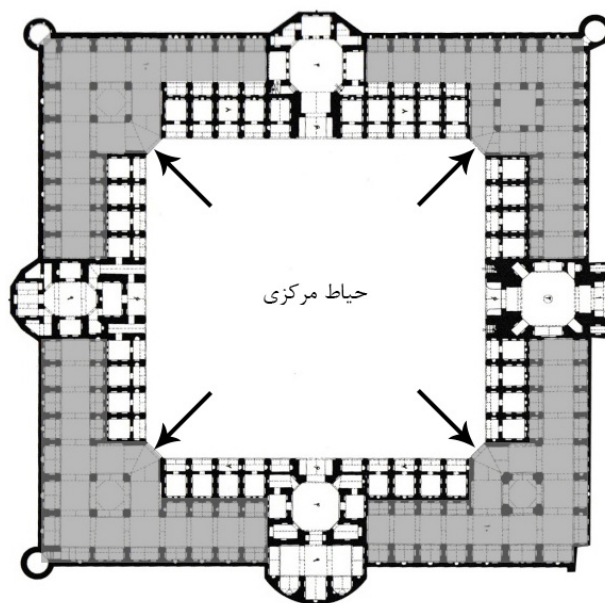


۵- اصطبل

سفر بدون وسیله امکان‌پذیر نیست این وسیله سفر برای جابجایی کالا و انسان، شتر، اسب و گاهی گاو است. در کاروانسرا به این حیوانات به منظور استراحت و تیمار شدن فضایی اختصاص یافته است. این فضا مشتمل بر واحدهایی هم مرکز که در بیرونی‌ترین قسمت نسبت به مرکز کاروانسرا که همان حیاط است، قرار دارد. اصطبل فضایی خنک و کم‌نور برای چهارپایان است تا آزار مگس‌ها و دیگر حشرات را به حداقل برسانند و دسترسی به آن از طریق ورودی‌هایی که به خوبی مهار شده‌اند صورت می‌گیرد و ضمن مشکل کردن دستبرد سارقان، از اینکه در چهارپایان ترس و وحشت پدید آید جلوگیری می‌کند (پوپ، ۱۳۷۸: ۱۴۳۸). این فضا که به طور سراسری

آسایش مسافران در کاروانسراهای مناطق
کویری با تدابیر معمارانه
مریم سید حمزه، بهمن سلطان احمدی
صص ۱-۱۶

پیرامون حجره‌ها را در برگرفته است؛ به عنوان محافظ حرارتی از یکسودر مقابل عوامل جوی برای حجره‌ها عمل می‌کند؛ هم برای منزل کردن به راحتی اتاق‌ها می‌شوند. اغلب مسافران در زمستان بیشتر میل به اقامت در این فضا را دارند به جهت اینکه گرم است (قبادیان، ۱۳۷۸: ۳۴۸).



شکل ۷: بالا: محل قرارگیری فضای
اصطبل در دیوار بیرونی کاروانسرا / پایین:
اصطبل، فضای کم‌نور و خنک، کاروانسرای
میاندشت (مأخذ: نگارندگان)



شکل ۸: طرحی از اوژن فلاندن داخل یک
اصطبل که مسافران در حال استراحت
هستند

آسایش مسافران در کاروانسراهای مناطق
کویری با تدابیر معمارانه
مریم سید حمزه، بهمن سلطان احمدی
صص ۱-۱۶

۶- مصالح

مناطق کویری بدلیل نبود رطوبت و ابر در آسمان شب، هوای گرم نزدیک زمین به سرعت صعود کرده و موجب اختلاف دمای زیاد مابین روز و شب می‌شود. این نوسان دمایی سبب می‌شود تا نقش عامل ظرفیت حرارتی مصالح به کار رفته برای آسایش حرارتی در کاروانسراها اهمیت پیدا کند. تأثیر تابش آفتاب در حرارت داخلی ساختمان، به ویژگی مصالح به کار رفته در دیوارهای خارجی آن بستگی دارد. مصالح به کار رفته در بخش بیرونی نما و سقف باید به گونه‌ای باشند که بتوانند میزان جذب حرارت را به حداقل برسانند (کاک نیلسن، ۱۳۸۹: ۱۳) و نوع مصالح به کار رفته در ساختمان تأثیر زیادی در تأمین آسایش ساکنین آن دارد (کسمایی، ۱۳۸۲: ۳۲). کالبد ضخیم کاروانسراها که با مصالح بنایی مانند خشت و آجر و سنگ ساخته می‌شده، مانند یک مخزن حرارتی در تعدیل دمای ساختمان در طی شبانه‌روز بسیار مؤثر بوده است (قبادیان، ۱۳۷۸: ۳۵۰). دلیل این تعدیل ظرفیت حرارتی بالایی که خشت و آجر دارد، می‌باشد.

هرچه ظرفیت حرارتی دیوار بیشتر باشد، حرارت با سرعت کمتری از خارج به طرف داخل انتقال می‌یابد. در نتیجه سطوح داخلی با تأخیر بیشتری به حداکثر دمای خود نسبت به سطوح خارجی می‌رسند (کسمایی، ۱۳۸۲: ۳۴). در شب هنگام که هوا خنک است سرما تا حدودی در دیوار نفوذ می‌کند اما به لایه‌های نزدیک به سطح داخل دیوار نمی‌رسد، در روز هنگامی که آفتاب بر دیوارها می‌تابد دیوارها کم‌کم گرم می‌شوند و گرما به لایه‌های سطحی دیوار رسیده و موجب سرد شدن سطح داخلی دیوار می‌شود. این روند تا عصر که آفتاب بر دیوارها نمی‌تابد ادامه دارد. در این هنگام گرما به سطح داخلی تر دیوارها می‌رسد و موجب می‌شود در شب دیوارها گرم شوند که به علت سرمای شب موجب ایجاد آسایش برای ساکنین خانه می‌شود (بزدانی، ۱۳۸۲: ۴).



شکل ۹: استفاده از خشت و آجر در جرز و تاق‌های کاروانسرا، راست: رباط زین الدین، یزد / چپ: رباط بیاض، کرمان (مأخذ: نگارندگان)

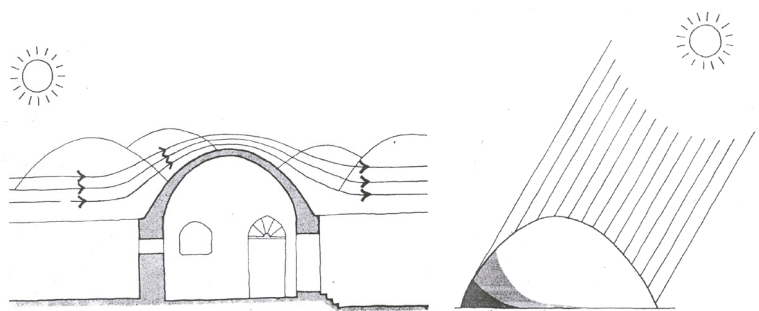
۷- پوشش

مهم‌ترین بخش هر ساختمان و به خصوص کاروانسرا برای حفاظت حرارتی، پوشش سقف آن می‌باشد، چرا که پوشش کاروانسرا مستقیماً تحت تأثیر عوامل جوی و تابش خورشید قرار دارد و حفاظت آن در مقابل این تابش نسبت به بخش‌های دیگر، دشوارتر است. عملکرد بام بستگی به فرم، ساختار و مصالح به کار رفته در آن دارد (کاک نیلسن، ۱۳۸۹: ۹۴). بام کاروانسراهای مناطق کویری غالباً براساس فن آوری ساخت آن‌ها به صورت گنبدی شکل اجرا می‌شود، این موضوع خود در بهبود شرایط هوای داخل از حیث هدایت گرما به سمت بالا تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد.

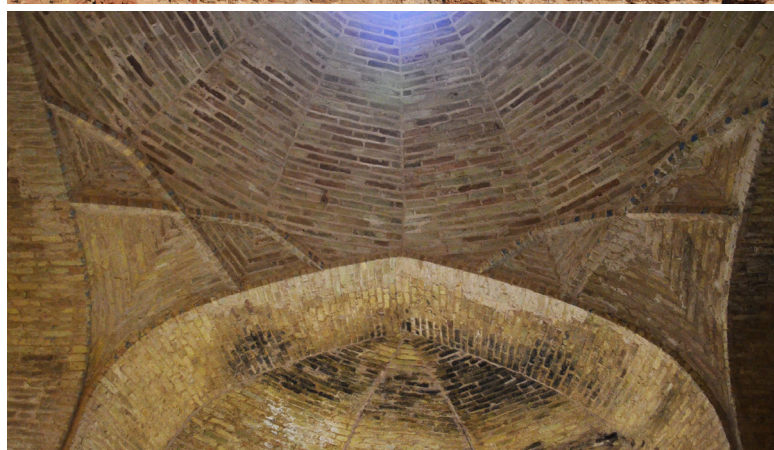
آسایش مسافران در کاروانسراهای مناطق
کویری با تدابیر معمارانه
مریم سید حمزه، بهمن سلطان احمدی
صص ۱-۱۶

به کارگیری سطوح تاقی و یا گنبدی شکل و عایق کردن بام‌ها در کاهش میزان جذب حرارت توسط آن‌ها مؤثر است. همچنین در سطوح غیرمسطح برخلاف سطوح مسطح، همواره قسمتی از سطح در سایه قرار می‌گیرد. قسمتی از سقف که تحت تابش قرار می‌گیرد، حرارت را جذب کرده و آن را به فضای داخل انتقال می‌دهد، فضای داخل نیز این گرما را مجدداً به قسمت خنک‌تری از سقف که در سایه واقع شده منتقل می‌کند. لذا گرمای سقف به نحو مطلوبی هدایت و دفع می‌شود. سطوح گنبدی همچنین باعث می‌شود که مساحت سطح افزایش یابد و این افزایش مساحت، در روند انتقال گرما، تبادل حرارت و از دست دادن تدریجی حرارت تأثیر مثبت گذاشته و موجب کاهش گرمای دریافتی در روز و افزایش بازپس دادن حرارت در شب می‌شود (کاک نیلسن، ۱۳۸۹: ۹۷). همچنین پوشش گنبدی شکل، به علت برجستگی خود، همواره در معرض وزش نسیم قرار می‌گیرند. این در کم کردن گرمایی که بام در اثر تابش شدید آفتاب می‌گیرد مؤثر است. (توسلی، ۱۳۸۲: ۷۷).

شکل ۱۰: راست: متفاوت میزان جذب گرمای خورشید در سطوح گنبد / چپ: تماس بیشتر باد بر سطوح منحنی (توسلی، ۱۳۸۲: ۷۷)



شکل ۱۱: پوشش گنبدی کاروانسراها؛ بالا: پوشش گنبدی کاروانسرای دیرگچین، قم / پایین: فضا پوشیده شده با گنبد در رباط زین الدین، یزد (مأخذ: نگارندگان)



آسایش مسافران در کاروانسراهای مناطق
کویری با تدابیر معمارانه
مریم سید حمزه، بهمن سلطان احمدی
صص ۱-۱۶

یکی از شیوه‌های پیشگیری از رخنه گرما، سرما و آفتاب آزاددهنده به درون فضا، عایق بندی سقف می باشد که به آن پنام می گویند. یکی از شیوه‌های پنام در پوشش، اجرای گنوبندی (صندوقچه چینی) می باشد. گنوبندی با ایجاد یک فضای میان تهی مابین دو پوشش بام موجب عایق حرارتی می شود. گنوبندی به این شکل که هوای میان دولایه مانع تبادل گرما و سرما از فضای خارج به درون می گردد. گنوتاق کوچکی بود که روی آسمانه تاقی یا گنبدی، فرورفتگی و گرده میان دو تاق یا گنبد کنار هم را می پوشاند و کار را تخت می کرد. از این روی یک فضای تهی در آسمانه پدید می آورد که می توانست پنام باشد (معماریان، ۱۳۹۲: ۲۰۱). همانطور که بیان شد پوشش فضا در کاروانسراهای مناطق گرم و خشک گنبدی شکل می باشند. برای مسطح کردن بام کاروانسرا به منظور استراحت، فضایی را مابین پوشش تاقی و پوشش نهایی ایجاد می کرده اند. به این ترتیب علاوه بر اینکه از نفوذ گرمای تابشی به داخل جلوگیری می شد و بام مسطح موقعیت خوبی برای خواب در شب های خنک تابستان می باشد، در ضمن بام با وزن کمتری روی دیوارها فشار می آورد (توسلی، ۱۳۸۲: ۷۷). نحوه پنام کردن با ایجاد فضایی مجوف در بین دو پوشش به وسیله گنوبندی صورت می گرفت. گنوتاق کوچکی بود که روی یک آسمانه تاقی یا گنبدی، فرورفتگی و گرده میان دو تاق یا دو گنبد کنار هم را می پوشاند و کار را تخت می کرد. از گنوبندی برای تخت کردن یک آسمانه خمیده تاقی و گنبدی و درست کردن کف اشکوب دوم هم بهره گیری می شد و یا می توانستند رویه بام های تاقی و گنبدی را تخت کنند (معماریان، ۱۳۷۸: ۱۴۰).



شکل ۱۲: گنبدهای بام کاروانسرای
میاندشت پیش از کونه بندی، سمنان
(مأخذ: میراث استان سمنان)



شکل ۱۳: پنام کاری سقف کاروانسرا و
مسطح نمودن بام توسط مجوف کردن آن،
بام کاروانسرای میاندشت، سمنان (مأخذ:
میراث استان سمنان)

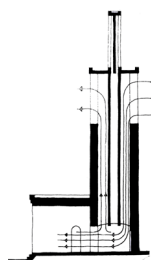
۸- بادگیر

در نخستین اثر تألیفی در مورد بادگیر، کتاب بادخان نوشته مک کارتی، براساس عملکرد، بادگیر را تعریف نموده است (مک کارتی، ۱۳۸۱). وی تعاریف را براساس اجزاء و شاخه های بادگیر ارائه می دهد و آنجا که بادگیرها نقش مکش هوا از داخل ساختمان دارند آن را بادخان و زمانی که نقش دمیدن هوا به داخل دارند آن را بادخور می نامد و ترکیب بادخان و بادخور را بادگیر قلمداد می کند. روش کار بادگیر بر این پایه نهاده شده که از وزش باد برای کشاندن هوای خوش به درون ساختمان و از واکنش نیروی آن یعنی مکش، برای راندن هوای گرم و آلوده بهره گیری می شود. بادگیر

آسایش مسافران در کاروانسراهای مناطق
کویری با تدابیر معمارانه
مریم سید حمزه، بهمن سلطان احمدی
صص ۱-۱۶

از یک طرف باد مطبوع را می‌گیرد و به داخل فضا منتقل می‌کند و فضای زیر بادگیر را خنک تهویه می‌شود؛ از سوی دیگر به علت کمی فشار هوا یک حالت معکوس ایجاد می‌شود، یعنی هوا (هوای گرم و نامطبوع) به خارج مکیده می‌شود (توسلی، ۱۳۸۱: ۹۳). بادگیرها در کاروانسراها برای ایفای این نقش خود به طور عموم بر روی فضای شاه‌نشین که عموماً این فضا در مقابل سردر ورودی جای دارد.

در بادگیرهای سنتی دمای هوای ورودی به ساختمان از طریق بادگیر، تقریباً برابر با دمای محیط می‌باشد. مثلاً در ساعت ۳ بعد از ظهر یک روز گرم تابستانی که دمای محیط برابر با ۳۷ درجه سانتی‌گراد است، دمای هوای ورودی به داخل ساختمان در حدود همین درجه حرارت است. این دما نمی‌تواند آسایش حرارتی را برای ساکنان داخل ساختمان تأمین نماید. تنها عامل مؤثر پایین آوردن دمای هوا در بادگیر، پایین بودن دمای هوا در شب و تشعشع حرارتی دیواره‌های خارجی ساختمان بادگیر به آسمان است که از طریق ذخیره‌سازی انرژی برودتی در جرم ساختمانی بادگیر صورت گرفته و در روز آینده مورد استفاده قرار می‌گیرد. به علت محدود بودن جرم مصالح ساختمانی بادگیر، این ذخیره‌سازی انرژی دارای محدودیت است و به علت سطح انتقال حرارت زیاد و جریان جرمی زیاد هوا، این ذخیره انرژی پس از مدت کوتاهی به مصرف می‌رسد و بعد از بالا رفتن دمای هوای محیط و تشعشع خورشید در ساعات اولیه روز، دمای جرم ساختمان افزایش می‌یابد و بنابراین در اغلب ساعات شبانه روز نمی‌توانیم دمای هوای خنک‌تری از دمای محیط داشته باشیم (مزیدی، ۱۳۸۷). از آنجایی که در مناطق گرم و خشک برای به دام انداختن باد در ارتفاع بیشتر نسبت به مناطق دیگر لذا می‌بایست ارتفاع بادگیر در کاروانسرا که در این اقلیم بلند باشد که این ارتفاع بادگیر همچون میل راهنمایی برای کاروان‌ها تا بتوانند مسیر را از راه دور تشخیص دهند. در کاروانسراهای مناطق کویری علاوه بر بادگیر که به عنوان عنصر خنک‌کننده فضاهای کاروانسرا شناخته می‌شود، اتاق‌هایی که روی جلوخان ورودی ساخته می‌شد و بالاخانه نام داشت نیز بسیار بادگیر و برای اقامت شبانه مناسب بودند.



شکل ۱۴: راست: بادگیر کاروانسرای ابوالقاسم رشتی عقدا (مأخذ: نگارندگان) /
چپ: طرحی از نحوه عملکرد بادگیر کاروانسرای ابوالقاسم رشتی عقدا (مأخذ: توسلی، ۱۳۸۱: ۹۳)



شکل ۱۵: بادگیر بروی فضای شاه‌نشین، کاروانسرای رباط خراسان جنوبی (مأخذ: نگارندگان)

نتیجه

کاروانسراها به عنوان فضاهای اقامتی مسافرانی که به قصد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و گاه برای شناخت می‌پیمودند، ایجاد شده است. معماران کاروانسراها برای آسایش و رفاه این مسافران تدابیری را با توجه به شرایط اقلیمی اندیشه کرده‌اند. معماران با شناخت مناسب از شرایط اقلیمی مناطق کویری شیوه‌هایی در طراحی کاروانسراها مدنظر قرار داده‌اند که فضاهای کاروانسراها را مطابق با شرایط اقلیمی مناسب برای مسافران ایجاد کرده‌اند تا به راحتی به سفر خود در مسیرهای طولانی ادامه دهند. راه‌هایی که معماران در نظر گرفته‌اند از شیوه غیرفعال در طراحی بهره‌جسته‌اند. طراحی غیرفعال در طراحی کاروانسراهای مناطق گرم و خشک را می‌توان در قالب سه دسته کلی فرم کلی بنا، مصالح ساخت، نحوه چیدمان فضا در کنار یکدیگر و پوشش این فضاها تقسیم نمود. جدول زیر نتیجه راهکارهای برای مقابله با شرایط اقلیمی در کاروانسراهای مناطق کویری می‌باشد.

ردیف	مشخصات کاروانسرا	راهکارها در کاروانسراهای مناطق کویری	توضیحات
۱	فرم کلی	مربع مستطیل - چندوجهی	فشرده‌گی و یکپارچگی در حجم با کم نمودن تناسب سطح خارجی نسبت به حجم کلی بنا
۲	مصالح	آجر - خشت	بهره‌گیری از ظرفیت حرارتی بالای مصالح برای کم کردن تبادل دما از خارج به داخل و بالعکس
۳	پوشش	گنبدی (قوسی)	سایه‌اندازی بیشتر نسبت به پوشش‌های مسطح
۴	پنাম	کنوبندی	ایجاد فضای مجوف بین سطوح به منظور عایق حرارتی
۵	حیاط مرکزی	درونگرایی	ایجاد جریان هوا در حیاط با اختلاف دما توسط سایه‌اندازی قسمتی از حیاط در تمام طول روز
۶	ایوان	ایجاد سایه بان	محافظت در برابر تابش گرما به جداره‌ها و درون فضا
۷	بادگیر	خنک کردن فضا	تهویه و تصفیه با جریان سازی هوا
۸	اصطبل (شترخان)	حفاظ حرارتی	ایجاد کمربندی عایق حرارتی، پیرامون حجره‌های کاروانسرا و همچنین ایجاد فضای خنک و جلوگیری از ورود حشرات برای حیوانات

منابع

۱. یزدانی، بهزاد. (۱۳۸۲). «ایجاد آسایش در خانه‌های قدیمی ایران»، مجله تهویه مطبوع، شماره ۱۰، صفحه ۸۴-۹۰.
۲. قبادیان، وحید. (۱۳۷۸). «بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران»، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳. پوپ، آرتور. (۱۳۷۸). «سیری در هنر ایران»، ج ۴، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۴. تقوائی، حسن. (۱۳۸۶). «واحه، جنبه‌های بوم‌شناختی و پایداری در پردازش محیط و منظر»، مجله صفا، شماره ۴۵، صفحه ۶-۲۳.
۵. توسلی، محمود. (۱۳۸۱). «ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران»، انتشارات پیام، تهران.
۶. طاهباز، منصوره. (۱۳۸۷). «اصول طراحی معماری همساز با اقلیم در ایران»، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۷. احمدی، فرهاد. (۱۳۸۴). «حیاط مرکزی در معماری ایران»، مجله صفا، شماره ۴۱، صفحه ۹۰-۱۱۳.
۸. معاریان، غلامحسین. (۱۳۷۸). «معماری ایرانی»، انتشارات سروش دانش، تهران.
۹. معاریان، غلامحسین. (۱۳۹۲). «آشنایی با معماری اسلامی ایران»، نشر نغمه نواندیش، تهران.
۱۰. کاک نیلسن، هالگر. (۱۳۸۹). «معماری همساز با اقلیم»، ترجمه فرزانه سفلائی، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
۱۱. بیزلی، الیزابت. هارورسن، مایکل. (۱۳۹۲). «معماری و آبادانی بیابان»، ترجمه: مهدی گلچین عارفی، نگار صبور، انتشارات روزنه، تهران.
۱۲. مک‌کارتی، بتل. (۱۳۸۵). «بادخان»، ترجمه: محمد احمدی نژاد، انتشارات خاک، تهران.
۱۳. شاطریان، رضا. (۱۳۹۲). «اقلیم و معماری ایران»، انتشارات سیمای دانش، تهران.
۱۴. سیرو، ماکسیم. (۱۳۵۷). «راه‌های باستانی ناحیه اصفهان»، ترجمه مهدی مشایخی، انتشارات فرانسه، تهران.
۱۵. کسمایی، مرتضی. (۱۳۸۲). «اقلیم و معماری»، انتشارات خاک، تهران.
۱۶. کیانی، محمد یوسف. کلایس، ولفرام. (۱۳۷۳). «کاروانسراهای ایران»، تهران: سازمان حفاظت آثار تاریخی ایران.
۱۷. وکیلی‌نژاد، رزا و همکاران. (۱۳۹۲). «اصول سامانه‌های سرمایش ایستا در عناصر معماری سنتی»، مجله انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، صفحه ۱۴۷-۱۵۹.
۱۸. مزیدی، محسن. مزیدی، محمد. (۱۳۸۷). «تحلیل عددی یادگیرها به عنوان سیستم‌های سرمایش انفعالی در مناطق گرم و خشک»، مجله انرژی ایران، صفحه ۳۹-۴۶.

بررسی تأثیر رنگ بر معماری مهدهای کودک
در جهت ارتقاء خلاقیت کودکان و افزایش
کیفیت فضاهای آموزشی
محمد بهزادپور، زهرا شعربافی، سیدحسن
حسینی
صص ۱۷-۲۸



بررسی تأثیر رنگ بر معماری مهدهای کودک در جهت ارتقاء خلاقیت کودکان و افزایش کیفیت فضاهای آموزشی

محمد بهزادپور^۱، زهرا شعربافی^۲، سید حسن حسینی^۳

۱. استادیار و عضو هیئت علمی تمام وقت گروه معماری دانشگاه فنی مهندسی واحد هشتگرد دانشگاه آزاد اسلامی، هشتگرد، البرز، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه رجاء قزوین، قزوین، ایران. نویسنده مسئول.
Zohreh.sherbafi@gmail.com

۳. مربی و عضو هیئت علمی گروه عمران دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه رجاء قزوین، ایران

چکیده:

رنگ در محیط زندگی انسان از اهمیت بسزایی برخوردار است و یکی از مؤثرترین عوامل بر کیفیت زندگی مان است. رنگ‌ها خواه به‌طور جداگانه و خواه در ترکیب با یکدیگر، تأثیرات متفاوتی بر روح و روان آدمی باقی می‌گذارد. در واقع تأثیرات رنگ‌ها و احساساتی که در اثر مشاهده آن‌ها در انسان ظاهر می‌شود، آنچنان است که امروزه رنگ در واکاوی اشخاص به‌ویژه کودکان در حکم یکی از عوامل اساسی تلقی می‌شود. رنگ و تصویر بیش از هر عامل دیگری ذهن کودک را به خود جلب می‌کند. با رنگ تکنیک یادگیری به مراتب افزایش می‌یابد رنگ از عوامل محیطی مهمی است که در بروز خلاقیت، رشد و تکوین شخصیت کودک نقش بسیار بسزایی دارد مطالعه آنچه که تأثیر رنگ‌ها را بر رشد و یادگیری کودکان افزایش می‌دهد بسیار مهم است. در این پژوهش تلاش می‌شود که علی‌رغم خصوصیات گوناگون رنگ به شناخت رنگ‌ها و بهره‌گیری مناسب از قواعد آن برای طراحی محیط آموزشی اطراف کودک به‌گونه‌ای که رنگ در فضای آن به ارتقاء خلاقیت و سطح آموزش کمک کند در این پژوهش به روش توصیفی، گردآوری کتابخانه‌ای و استفاده از مقالات و کتاب‌ها به این نتیجه رسیده‌ایم که کودک برای رشد قبل از هر چیزی به ارضاء عاطفی و احساس پیوندها با محیط فیزیکی و آموزشی خود نیازمند است؛ بنابراین یک مشخصه محیط مناسب، وجود محرک‌ها و انگیزه‌های لازم و منطبق با توانایی شناختی و ادراکی کودکان است. با رعایت اصول و عوامل محیطی رنگی در طراحی مهدهای کودک می‌توان کاری کرد که بین کودک با دنیای رنگارنگ پیرامون او نوعی تعامل ایجاد شود و در سایه این دوستی و شیفتگی امریادگیری و بروز خلاقیت به سهولت و با لذت انجام گیرد.

کلمات کلیدی: رنگ، کودک، فضاهای آموزشی، خلاقیت کودکان.

بررسی تأثیر رنگ بر معماری مهدهای کودک
در جهت ارتقاء خلاقیت کودکان و افزایش
کیفیت فضاهای آموزشی
محمد بهزادپور، زهرا شعربافی، سیدحسن
حسینی
صص ۱۷-۲۸

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین دوران زندگی انسان‌ها دوران کودکی آن‌ها است؛ این دوران، دورانی است که اگر با آگاهی به همه ابعاد وجودی، شخصیتی، اجتماعی و عاطفی آن توجه شود تأثیر بسزایی در شکوفایی استعداد و خلاقیت کودکان در آینده خواهد داشت. ظرفیت‌های وجودی در هر کودکی برای به فعلیت درآمدن، نیازمند عوامل محیطی مناسب، آموزش و تجربه است که رنگ از آن جمله عوامل محیطی مهم و مؤثری است که بر شکوفایی، خلاقیت کودکان و همچنین درصد یادگیری آنان تأثیر مستقیم دارد؛ در حقیقت عامل رنگ می‌تواند بخشی از رفتار روزمره کودکان را نسبت به محیط اطرافشان تعیین کند. شکوفای و خلاقیت و نوآوری سه عامل ارزشمند و قابل توجه در آموزش امروز به شمار می‌رود. رشد و ظهور و ظهور خلاقیت بستگی به عواملی جز هوش و استعداد دارد. در دهه‌های اخیر به دلیل اهمیت رنگ برای کودکان و تأثیر آن بر تربیت، رشد و تکوین شخصیت آن‌ها ترجیح رنگ و نوع به کارگیری آن در روانشناسی محیط مورد توجه بسیار قرار گرفته و کاربردهای زیادی پیدا کرده است از آنجایی که بیشتر کودکان در زندگی امروز به دلیل مشغله‌های کاری پدران و مادران خود بیشترین زمان روز را در سنین مهم (۳ تا ۶ سال) در مهدهای کودک سپری می‌کنند، می‌بایست با اعمال تغییراتی جزئی در مبلمان، تزیینات و خصوصاً رنگ، به طور غیرمستقیم با یک واسطه (محیط) بر رفتار کودکان تأثیرات مثبتی را ایجاد نمود. کلاس‌های درس تنها وسیله آموزش کودک نیست، بلکه یادگیری اصلی او نتیجه اکتشافات از محیط پیرامونی، تعامل و بازی با همسالان خود است در این پژوهش تلاش می‌شود با بررسی روانشناسی رنگ‌ها و امان‌های رنگی در محیط‌های آموزشی متعلق به کودکان، فضایی مناسب در جهت ارتقا و سطح رشد و یادگیری کودکانمان برای آینده خود و جامعه داشته باشیم در این پژوهش نتایج به روش توصیفی، گردآوری کتابخانه‌ای و استفاده از مقالات و کتاب‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- پیشینه تحقیق

عنوان	نویسنده	سال انتشار	نتیجه‌گیری
کتاب روانشناسی رنگ‌ها	لوشر	۱۳۸۹	رنگ تأثیر فراوانی بر روحیه و رفتار کاربران فضاها دارد و حالات روانی و عاطفی آن‌ها را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد.
جدول ۱: پیشینه تحقیق (مأخذ: نگارنده)	بررسی نقش رنگ بر کالبد مهدکودک و تأثیر آن از بعد روانشناسی محیط	جلیلی و همکاران	۱۳۹۵
کتاب روانشناسی کودک	پیازه	۱۳۷۱	اگر رنگ زمینه ساز شادی و نشاط کودکان گردد باعث ایجاد حس تعلق به محیط نیز باشد.

۳- اهمیت و ویژگی نیاز کودک در طراحی محیط آموزشی

در زمینه روانشناسی فضاهای آموزشی مطالعات گسترده‌ای در زمینه‌های متفاوت و بعضاً با گرایش‌های خاص پژوهشگران به چشم می‌خورد که بیشترین دنبال مشخص کردن بخشی از تأثیریک عامل خاص در این گونه فضاهاست؛ بنابراین می‌توان گفت مدرسه علاوه بر ایجاد فضاهای فرهنگی باید با ایجاد جذابیت‌های متفاوت برای

بررسی تأثیر رنگ بر معماری مهدهای کودک
در جهت ارتقاء خلافت کودکان و افزایش
کیفیت فضاهای آموزشی
محمد بهزادپور، زهرا شعربافی، سیدحسن
حسینی
صص ۱۷-۲۸

دانش آموزان، مانع از خستگی و سرکوبی نیازهای کودکان آنان باشد، آن‌ها را در جهت علاقه به یادگیری سوق دهد، استعدادهای آنان را شکوفا سازد، همچنین محیطی را سازماندهی کند که در آن کودکان نحوه شرکت در اجتماع برای زندگی آینده خود را بیاموزند و از این مجرا، اثرات فرهنگی اجتماعی بیشتری بر جامعه خود بگذارد (کامل نیا، ۱۳۸۵). طراحی فضای منطبق با شرایط کودکان به طور قطع بستگی به شناخت کافی از ویژگی‌های رشد آنان دارد. خصوصیات جسمی و روانی کودکان در مراحل مختلف رشد اساس برنامه‌ریزی فضا و طراحی برای آن‌ها است. در طراحی فضاهای مهدکودک باید ملاحظات زیبایی‌شناسی و ساختاری در کنار خلق فضاهایی که کودک را قادر می‌سازد به توسعه توانایی‌های فکری، خلاقانه جسمی و روحی خود اقدام نماید توجه نمود. این امر به خصوص زمانی مهم می‌شود که محیط فیزیکی را یک فضای منفعل در نظر نگرفته بلکه آن را با قدرت‌های ویژه برای مهار کردن رفتار و تحت تأثیر قرار دادن روابط و دوستی‌های کودک دانست. فضاهای مکان‌هایی که کودک در آن تجربه زندگی کردن دارد به آن‌ها در ایجاد خاطرات ابدی کمک می‌کند. (کامل نیا، ۱۳۸۸) فضاهای آموزشی به دلیل محدودیت‌های خاص، استعدادهای فراوانی برای خشک شدن و بی‌روح شدن دارند اما باید تمام تلاش‌ها را به کار بست تا از وقوع این اتفاق جلوگیری کرد. مهم‌ترین نیازهای کودکان در فضاهای آموزشی به چند بخش مهم تقسیم نمود: ۱- نیاز به امنیت، اطمینان و برتری فضا ۲- نیاز به فعالیت‌های فیزیکی و ذهنی و محصور شدن در میان عوامل و محرک‌های مختلف محیطی نیاز به رابطه عاطفی با فضاهای محصور شده و محلی برای خلوت و تنهایی در پاره‌ای از مواقع (مرتضوی، ۱۳۷۶) کیفیت محیط فیزیکی بر موفقیت کودک تأثیر فراوانی دارد و بهتراست در فضاهای خاص آنان به جای محیط‌های عملکرد گرا به فضاهایی جذاب برای کودکان توجه نمود. (لوشر، ۱۳۸۹) از عوامل لذت بخش برای هر کودک تأمین وضوح و خوانایی فضا است (Scott, 2010) محیط‌های آموزشی به دلیل محدودیت‌های فضایی و جغرافیایی، استفاده فراوانی برای خشک و بی‌روح شدن دارند اما باید تلاش‌ها را در راستای جلوگیری از وقوع این اتفاق به کار گرفت. اهمیت دادن به فضاهای آموزشی و رعایت اصول و استانداردهای مربوط به آن در طراحی این مراکز منجر به خلق محیطی متناسب با خواسته‌های روانی کودکان می‌گردد. (حسین پوریان، ۱۳۹۰) عوامل متعددی مانند نور، تهویه، آلودگی‌های صوتی و ترکیب فضاهای باز و بسته و انعطاف‌پذیری فضا، مبلمان مهم‌تر از همه عنصر رنگ در آموزش و علاقه‌مندی‌های کودکان مؤثر است. به عقیده روانشناسان رنگ اشیاء فضا و لباس افراد تأثیر مستقیمی در برقراری ارتباط شخصی با آن‌ها دارد. ازین رو کودک تا زمانی که نتواند خود را با رنگ فضای کلاس، اشیاء درون آن لباس مربی و مانند آن تطبیق دهند، نمی‌توانند از حضور در کلاس لذت ببرند و در فضاهای آن احساس آرامش کنند. (مرتضوی، ۱۳۷۶)

۴- کودک و خلافت

طبق تعریف فرهنگ فارسی معین کودک به معنای صغیر و فرزند است که به حد بلوغ نرسیده (پسریا دختر) یا طفل آورده شده است (معین، ۱۳۶۲) کودک شهوند نابالغی است که دوران رشد خود را می‌گذراند و استمرار بخش حیات بشر محسوب می‌شود. موجودی است که پاک به دنیا می‌آید و چنانچه محیط برای رشد فکری و جسمی سالم او مهیا باشد نهالی تنومند می‌شود که به بار می‌نشیند و اگر محیط چنین دستاوردی را برای او فراهم نکند جز خزان چیزی در پی نخواهد داشت (شیعه، ۱۳۸۵)

بررسی تأثیر رنگ بر معماری مهدهای کودک
در جهت ارتقاء خلاقیت کودکان و افزایش
کیفیت فضاهای آموزشی

محمد بهزادپور، زهرا شعربافی، سیدحسن
حسینی
صص ۱۷-۲۸

شکوفایی خلاقیت و نوآوری از مباحث مهم و با اهمیت دنیای امروز است و توسعه جوامع به خصوص در قشر مهم و حساس کودک به این عامل بسیار بستگی دارد و از آنجا که تقویت خلاقیت در دوران کودکی در تمام دوران زندگی شخص مؤثر است. باید آن را بسیار مورد توجه قرار داد. گاردنر معتقد است که تصور و تخیلی که در دوران کودکی شکل می‌گیرد و مبنای خلاقیت در دوران بلوغ است و آغاز پرورش قدرت تخیل و خلاقیت نیز در دوره کودکی شکل می‌گیرد. از نظر فروید، خلاقیت را باید در تجربیات دوره کودکی فرد یافت (شریعتمداری، ۱۳۴۴)

۳ سالگی	آغاز تخیل	آغاز تشکیل شخصیت
۴ سالگی	آغاز رشد اراده	استدلال و منطق
۵ سالگی	آغاز رشد ادراک	رشد قابلیت ادراکی و شناختی
۵ و ۶ سالگی	کنجکاوی‌های شدید	تخیل و خیال‌پردازی

جدول شماره ۲: جدول رشد و ادراک
(مأخذ: پیاز ۱۳۸۹)

۴-۱ عوامل محیطی و نقش آن بر خلاقیت

فضا در معماری، همان چیزی است که انسان را از عوامل طبیعی محافظت می‌کند و کلیه فعالیت‌های فردی و اجتماعی فرد را در بر می‌گیرد. جوهر اصلی معماری فضا هست و در فضای معماری انسان حرکت و زندگی می‌کند. برنارد چومی معمار برجسته معاصر می‌گوید: جوهر فضا بعد توصیفی فضا و موضوعی برای مباحث فلسفی، ریاضی و فیزیک است. فضا جوهر معماری و شهرسازی است. محیط به صورت‌های مختلفی بر کودک و شخصیت او و بر افزایش خلاقیت او تأثیر می‌گذارد. گفته می‌شود از طریق اثر متقابل با محیط فیزیکی و اجتماعی، کودکان دانش و فهمیدن را می‌آموزند. (2006: 11: Tai) خلاقیت یا آفرینندگی یا آفرینشگری یا خلاقیت، مهم‌ترین و اساسی‌ترین قابلیت و توانایی انسان و بنیادی‌ترین عامل ایجاد ارزش و از والاترین ویژگی‌های انسان است. مهم‌ترین عامل در خلاقیت، انگیزه برای انجام کارهای خلاق است. به همین سبب بایستی با ایجاد محیط‌هایی که تخیل کودکان را تحریک و سبب کنکاش و خلاقیت آنان می‌گردد، زمینه را برای رشد خلاقیت آنان فراهم نمود (امابلی، ۱۳۷۵)

۵- ویژگی‌های مؤثر در رشد خلاقیت:

۵-۱ تخیل

در الگوی بوهم دو فعالیت ذهن که با هم مرتبط و از هم متأثر هستند، مورد نظر قرار می‌گیرند: بصیرت (بینش) تخیلی و تعلقی، پندار (توهم) تخیلی و تعلقی. در جریان بینش تخیلی، فرد گویا قادر به دریافت نقش‌ها و تصاویری با جوهره بدیع و خلاقانه می‌شود (بوهم، ۱۳۸۱: ۱۷)

۵-۲ کنجکاوی

کنجکاوی که از محرک‌های مهم در امر یادگیری است (ایزدپناه جهرمی، ۱۳۸۳: ۴۷) و یکی از عوامل مهمی است که با توجه به آن می‌توان خلاقیت را در فرد تقویت کرد. برخی نظریه‌پردازان هم پیشنهاد می‌دهند گاهی اوقات محیط باید پیچیده و تحریک‌کننده باشد و هیجان را بازآفرینی کند و به افراد احساس کشف کردن محیط را بدهد (et al, Bell, 108: 2001)

۳-۵ بازی

تحقیقات نشان می‌دهد بازی نیز در ارتقاء خلاقیت کودکان مؤثر است (شفایی، ۱۳۸۹:۲۱۵) گفته می‌شود بازی برای آموزش محیط بیرونی کودکان یک امر اصلی است. این یک مکانیزم اصلی است که از طریق آن کودکان با محیطشان آشنا می‌شوند. (aziz&said, 205:2012)

بررسی تأثیر رنگ بر معماری مهدهای کودک
در جهت ارتقاء خلاقیت کودکان و افزایش
کیفیت فضاهای آموزشی
محمد بهزادپور، زهرا شعریفی، سیدحسن
حسینی
صص ۱۷-۲۸

ویژگی‌های مؤثر بر خلاقیت کودک	پیچیدگی	تحریک‌کنندگی	انعطاف‌پذیری	ایجاد تعاملات بیشتر	بازی‌سازی
تخیل	*	-	*	-	*
کنجکاوی	*	*	*	*	*
بازی	-	*	*	*	*

جدول ۳: ارتباط عوامل مؤثر بر خلاقیت کودک با خصوصیات ساخته شده. مأخذ: طباطبایان و همکاران.

۶-اهمیت رنگ در شکوفایی خلاقیت

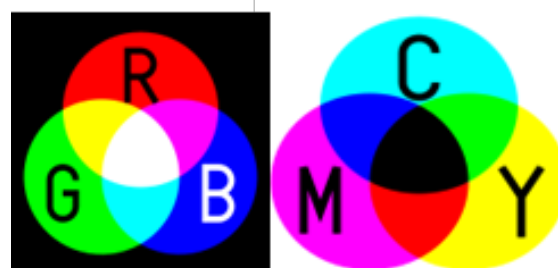
۱-۶ رنگ

یک دایره رنگ ابتدایی که در آن رنگ‌های قرمز و زرد و آبی وجود دارند، در واقع دایره رنگ سنتی در هنرهای سنتی به شمار می‌آید. سرآیزاک نیوتن در سال ۱۳۶۶ اولین نمودار رنگ را به وجود آورد.



شکل ۱: چرخه رنگ گوته، (مأخذ گوته، سال ۱۸۱۰)

در تئوری رنگ سنتی، قرمز، زرد و آبی رنگ‌های اصلی هستند زیرا دانه‌های رنگی تشکیل دهنده آن‌ها از ترکیب هیچ رنگ دیگری به وجود نیامده و تمام رنگ‌های دیگر از ترکیبات مختلف این سه رنگ با یکدیگر به دست می‌آیند، بنفش و زرد و فیروزه ای رنگ‌های هستند که از ترکیب رنگ‌های اصلی با یکدیگر حاصل می‌شوند. (ویکی‌پدیا، ۱۳۹۹)



شکل ۲: چرخه رنگ افزایشی مأخذ: سایت <https://fa.wikipedia.org/wiki>

۷-روانشناسی رنگ

وجود رنگ‌های مختلف در طبیعت و محیط زندگی انسان دارای تأثیرات زیادی در فرد و زندگی فردی و حتی اجتماعی می‌باشد و در قرآن کریم و روایات اهل بیت نیز به این قضیه توجه شده است. طبق تحقیقات جامعه‌شناسی، رنگ‌ها، نه تنها افراد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند بلکه منجر به پیشرفت و یا رکود یک جامعه نیز می‌شوند.

بررسی تأثیر رنگ بر معماری مهدهای کودک
در جهت ارتقاء خلاقیت کودکان و افزایش
کیفیت فضاهای آموزشی

محمد بهزادپور، زهرا شعربافی، سیدحسن

حسینی

صص ۱۷-۲۸

با عدم جای‌گزینی تصحیح رنگ در مکان خاص خود و به کارگیری نادرست آن در محیط‌های انسانی، صدمات روحی شدیدی بر انسان وارد خواهد.

۷-۱ هماهنگی (هارمونی) رنگ

هماهنگی یا هارمونی به معنای "چیدمان مطبوع اجزاء یک کل" است و وجود آن در تمام مظاهر زندگی از موسیقی، شعر، رنگ یا حتی یک کیک زیبا، جلوه می‌کند. مغز انسان هر چیزی نامتعادلی را که قابلیت سازماندهی نداشته و نامفهوم باشد، پس می‌زند. برای اینکه تصاویر رنگ‌ها در شخصیت انسان‌ها به خصوص کودکان تأثیر بسزایی داشته، باعث ایجاد تجربه‌های هیجانی از قبیل شادی، خنده، غم، اندوه، آرامش، تحریک‌پذیری، سکون و هیجان می‌شود. در کودکان این خصیصه شدت می‌یابد آنان به سبب روح پاک و بی‌آلایش و شاد و پرطراوت خویش رنگ‌های زنده و مرکب که در ترکیبی مناسب با هم قرار گرفته باشند را ترجیح می‌دهند. این موضوعی است که در طراحی و تزئین و رنگ‌های آمیزی فضاهای داخلی و ترکیبات مناسب رنگی فضاهای طبیعی باید مورد توجه قرار گیرد با رنگ‌های مختلف می‌توان اندازه و وزن یک شی معین را کوچک یا بزرگ، سبک یا سنگین جلوه داد.

۷-۲ اثرات رنگ بر فضا

اثر فضایی رنگ‌ها دارای عوامل گوناگونی است. نیرو و قدرت رنگ‌ها در مورد عمق آن‌ها در خود رنگ نهفته است. این خصوصیات در تاریکی و روشنی، سردی و گرمی، درجه اشباع و یا میزان وسعت سطوح رنگ‌ها موجود است. بین رنگ‌های سرد و گرم اگر دورنگ را با درخششی یکنواخت در نظربگیریم اغلب رنگ‌های گرم بظرف جلو و رنگ‌های سرد بظرف عقب حرکت می‌کنند و هنگامی که کنتراست به آن‌ها اضافه شود، شدت عمق افزون می‌گردد و از بین می‌رود. اثرات فضایی رنگ‌ها در تضاد کیفیت مؤثر است مثلاً، یک رنگ خالص نسبت به رنگ دیگری با همان درجه روشنی بیشتر به جلو می‌آید و به محض آن که کنتراست و یا تضاد سرد و گرم به میان آید همه چیز تغییر می‌کند. تصور دنیای بدون رنگ، تصور زیبایی نیست. نکته جالب در مورد رنگ‌ها این است که در واقع رنگ وجود ندارد. از نظر علم فیزیک چیزی وجود دارد که دارای جسم و یا ماده باشد و بتوان به آن شکل داد و آن را لمس کرد. شید رنگی را می‌توان لمس کرد و یا به آن شکل داد، اما این خود آن شی است که موجودیت خارجی دارد نه رنگ آن. رنگ تنها ظاهر دارد چیزی که به صورت لحظه‌ای دیده می‌شود. (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۵، ۳۰۸) آزمایش‌ها نشان می‌دهد که تشخیص موقعیت در فضا و بازشناسی اجسام، فرم نقش مهم‌تری از رنگ دارد، اگرچه این قاعده نیز تعمیم‌پذیر نیست. مثلاً برای بچه‌ها در سنین معینی رنگ مهم‌تر از فرم است. همچنین شخصیت فردی و وضع روانی افراد مورد آزمایش نیز در این امر مؤثر است: کسانی که سرحال بودند بیشتر توجه به رنگ داشتند و کسانی که دچار افسردگی بودند به فرم. توجه افرادی با شخصیت برون‌گرا بیشتر به رنگ بوده است و کسانی که درون‌گرا بوده‌اند بیشتر به فرم اهمیت داده‌اند. (گروتز، ۱۳۹۳: ۱۳۹۱)

۷-۳ رنگ و تأثیرات آن بر فضای کودک

برای طراحی محیطی امن و آرام برای کودک به وسیله رنگ‌ها باید به همه عناصر موجود در اتاق توجه کرد. رنگ‌های متشابه یعنی رنگ‌هایی که در چرخه رنگ در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند ایجاد آرامش می‌کنند (کاسابیان، ۱۳۸۶)، آزمایشی که روی کودکان سنین مختلف انجام شده نشان داد که کودکان ۱۵ روزه با حرکت سربین رنگ‌های سرخ و

بررسی تأثیر رنگ بر معماری مهدهای کودک
در جهت ارتقاء خلافت کودکان و افزایش
کیفیت فضاهای آموزشی
محمد بهزادپور، زهرا شعربافی، سیدحسن
حسینی
صص ۱۷-۲۸

زرد و سبز فرق گذاشتند. کودکان ۳ ماهه به کاغذ رنگی بیشتر از کاغذ خاکستری خیره شده و سعی می‌کردند آن را به دست آورند. کودکان بزرگ تر به ترتیب رنگ‌های سرخ، زرد سبز فرق گذاشتند. کودکان ۳ ماهه به کاغذ رنگی بیشتر از کاغذ خاکستری خیره شده و سعی می‌کردند آن را به دست آورند. کودکان بزرگ تر به ترتیب رنگ‌های سرخ، زرد، آبی و سبز را دوست داشتند. در سن ۶ سالگی رنگ آبی میان کودکان ارجحیت دارد.

جدول شماره ۴: تأثیرات رنگ بر فضای کودک. (مأخذ: <https://etude.design>)

رنگ‌ها	تأثیرات بر روان کودک
کلیه رنگ‌های گرم	رنگ‌های گرم، نارنجی، زرد، قرمز و صورتی هستند. این رنگ‌ها غالباً کودک را پرنرژی و ذهن را فعال می‌کنند. به صورت اغراق شده‌ای فضا را بزرگ‌تر نمایش می‌دهند. به کودکان به خصوص در فضای بسته یا هنگامی که تنها هستند، احساس امنیت می‌دهند افراط در استفاده از این رنگ‌ها ممکن است باعث اختلال در خواب کودکان شود.
نارنجی	تقویت ارتباطات اجتماعی کودک، توصیه شده برای کودکان تنها یا منزوی. برای مهدکودک‌ها و کلاس‌های درس گزینه مناسبی خواهد بود به هیچ وجه در پرده‌ها و به طور وسیع در اتاق استفاده نشود. برای افزایش اشتها و تشویق به خوردن کاربردی مناسبی دارد بهتر است با رنگ‌های سرد ترکیب و به صورت ملایم و لکه‌ای در اتاق به کار رود.
زرد	افزایش میزان شادی و سرزندگی در فضای کودک. از رنگ زرد پرنرگ و یا لیمویی در روانشناسی برای افزایش تمرکز کودک استفاده می‌شود. رنگ‌ها و دکوراسیون به رنگ زرد کم رنگ و ملایم، عملکرد حافظه را بهتر می‌کند.
قرمز	به هیچ وجه برای فضای اتاق برای کودک توصیه نمی‌شود، خصوصاً در سنین و ماه‌های پایین این رنگ حتی به حالت لکه‌های بزرگ و دکوراسیون عمده نباید در اتاق کودک استفاده شود، ممکن است باعث سردرد و درد چشم گردد.
صورتی	دکوراسیون تمام صورتی در نگاه اول زیبا، اما به مرور زمان به شدت خسته‌کننده می‌شود. به دلیل انرژی بالا، از دکوراسیون عمدتاً صورتی پرهیز کنید. میزان زیاد صورتی تیره، باعث افزایش عصبانیت و هیجان کاذب می‌شود.
رنگ‌های سرد	مانند رنگ‌های آبی، سبز، بنفش، سفید، سیاه، قهوه‌ای ایجاد یک فضای آرام و ساکت پایین آوردن هیجانات کودکان پیش فعال استفاده به میزان زیاد ممکن است موجب ایجاد حس افسردگی و دل‌تنگی شود. در فضاهایی مانند مهدکودک‌ها که کودکان از مادران و خانواده خود دور هستند، به طور گسترده استفاده نشود.
آبی	رنگ آرامش و آرام بودن است، این رنگ در روانشناسی و دکوراسیون برای فضاهایی که نیاز به آرامش دارند استفاده می‌شود.
سبز	القا احساس خوب و آرامش بخش طبیعت و سلامتی موجب بالا رفتن دقت و تمرکز روی یک موضوع می‌شود. تمایل به یادگیری و خواندن را افزایش می‌دهد
بنفش	به نسبت تمایل به آبی و قرمز خصوصیات آن را انتقال می‌دهد. القاء حس رویایی و فضای جادویی بنفش تیره فضای اتاق رو لوکس و تجملی نشان می‌دهد ولی به دلیل ویژگی‌های روانشناختی و انرژی بسیار بالا برای اتاق کودکان توصیه نمی‌شود. بنفش روشن و یاسی حس آرامش به انسان القاء می‌کند.
سفید	رنگ سفید به تنهایی، فضایی روحانی و درعین حال دل‌باز به نمایش می‌گذارد. استفاده از رنگ سفید به تنهایی و پس از مدتی خسته‌کننده می‌شود و فضا را یکنواخت می‌سازد. بهترین گزینه برای فضای کودک، تلفیق سفید با رنگ‌های در دکوراسیون و وسایل بازی اتاق وی است.
طوسی	ایجاد حس آرامش و تمرکز یکی از ویژگی‌های این رنگ است رنگ طوسی ذهن را به فکر کردن تشویق می‌کند و تمرکز بر روی موضوعات را افزایش می‌دهد. بهتر است برای اتاق خردسالان و کودکان زیر دبستان به هیچ وجه استفاده نشود.
سیاه	خفه کردن نور و تیره به نظر رسیدن فضا از ویژگی‌های این رنگ است. گزینه بسیار نامناسب برای اتاق کودک و اصولاً طراحی اتاق خواب به شمار می‌رود. بهتر است حتی برای مبلمان‌های کوچک به این رنگ برای اتاق کودک استفاده نشود.
قهوه‌ای	رنگ سرد ولی آرام و مهربان، می‌تواند با سبز که هم خانواده او و از جنس طبیعت است

بررسی تأثیر رنگ بر معماری مهدهای کودک
در جهت ارتقاء خلاقیت کودکان و افزایش
کیفیت فضاهای آموزشی

محمد بهزادپور، زهرا شعربافی، سیدحسن

حسینی

صص ۱۷-۲۸

۴-۷ رنگ و آموزش

به گفته یوهانس ایتن رنگ زندگی است، زیرا زندگی بدون رنگ همچون مرده است. رنگ در فرایند یادگیری بسیار تأثیرگذار می‌باشد، به این دلیل که یادگیری دارای سبک‌های گوناگونی چون شناختی، عاطفی و فیزیولوژیکی است یک معلم توانا می‌تواند با بهره‌گیری از این سبک‌ها و پیوند آن‌ها با یادگیری، این فرآیند را کارآمدتر سازد تا حافظه بلندمدت فعال گردد. پس این امکان برای معلم و در کل کادر اجرایی مدرسه وجود دارد که با استفاده درست از رنگ‌ها و مدیریت حساب شده، حالت‌ها و شرایط مناسبی برای یادگیری فراهم شود. طی مطالعاتی که در مرکز روانشناسی آلسن آلمان به عمل آمده نشان می‌دهد که شاخص‌ترین رنگ‌های مورد علاقه کودکان چهار رنگ: قرمز، نارنجی، زرد و آبی است به همین دلیل کارخانجات اسباب بازی براساس سفارش روانشناسان وسایل بازی کودکان را اغلب در چهار رنگ مذکور تهیه و تولید می‌کنند. از طرفی رنگ‌های خاکستری، سیاه، قهوه‌ای و سفید مورد علاقه کودکان نمی‌باشد و اغلب آن‌ها را مینجاند. مسئولان و مربیان مهدکودک‌ها و کودکانستان‌ها باید به مبانی اولیه علم روانشناسی رنگ‌ها آشنا شوند تا در انتخاب رنگ محیط آموزشی و نیز در لباس‌های خود و کودکان، آگاهانه دقت بیشتری به کار برند؛ بنابراین با توجه به اینکه رنگ‌ها اثرات عمیقی بر سلسله اعصاب و روان کودکان به جا می‌گذارد نباید از رنگ‌هایی مانند سیاه و قهوه‌ای و یا سفید یک دست در محیط آموزشی استفاده کرد، زیرا نوعی اختلالات عصبی، خستگی روحی و بی‌قراری در کودکان ایجاد می‌کند و به بی‌علاقگی و گاهی احساس نفرت به مربیان و معلمانی که از این رنگ‌ها به صورت یک دست استفاده کنند می‌انجامد (شاهچراغی و بندرآبادی، ۱۳۹۵: ۳۱۱) هنراتل تأثیرهای رنگ محیطی مدرسه‌ای را مطالعه نمود. رنگ‌های اصلی، با تأثیرهای مثبت تر ذهنی همراه بود. در مطالعه هنراتل رنگ‌های زرد، سبز، پرتقالی و آبی روشن بیشتر مورد علاقه دانش آموزان بود. وقتی این رنگ‌ها در رنگ‌آمیزی کلاس‌ها مورد استفاده قرار گرفت، نمره بهره‌هوشی دانش آموزان تا ۱۲ نمره افزایش یافت. درحالی‌که محیط‌های سفید، قهوه‌ای و سیاه نمره‌های دانش آموزان کاهش پیدا کرد (قربانی، ۱۳۸۳) در محیط آموزشی رنگ تأثیرروانی زیادی بر کودکان دارد. نحوه رنگ‌آمیزی محیط آموزشی در تحقیقات زیادی بررسی شده است. استفاده از رنگ‌های مناسب در محیط آموزشی باعث کاهش غیبت‌های مکرر دانش آموزان افزایش دلبستگی و دلبستگی آنان به محیط و کاهش خستگی چشم و بدن شده و ناخودآگاه در آنان شوق و علاقه بیشتری به وجود می‌آورد. (رحمتی‌زاده، ۱۳۹۱)

۸- تأثیر رنگ‌ها بر روی خلاقیت در فضای آموزشی

رنگ‌ها الهام‌بخش خلاقیت و ابتکار هستند و باعث می‌شوند دانش آموزان و دانشجویان ایده‌های نو و جدیدی به نظرشان برسد. استفاده از رنگ‌ها نه تنها به پروژه‌های هنری کمک می‌کند بلکه حس خلاقیت و نوآوری برای نوشتن داستان را نیز در آن‌ها تحریک می‌کند و به آن‌ها کمک می‌کند که راحت‌تر به سؤالات پاسخ دهند و مورد ارزیابی قرار گیرند. براساس مطالعات نظری پیرامون مناسب‌ترین رنگ برای فضاهای آموزشی به سه رنگ زرد، سبز و آبی رسیدیم که طبق مطالعات انجام صورت گرفته رنگ زرد مناسب‌ترین رنگ برای فضاهای آموزشی بوده که یادگیری و میل و رغبت در روند یادگیری را به سبب اثرات روانی به استفاده کننده از فضا انتقال می‌داد و همچنین تأثیر رنگ آبی به سبب آرامش بیشتر در روند یادگیری کودکان بسیار نزدیک به رنگ زرد بود. (بدری، ۱۳۹۶)

۹- بررسی تأثیر رنگ در مصادیق معماری

۹-۱ موزه کودکان Dupage

کودکان Dupage که در سال ۱۹۸۷ به منظور آموزش خانواده‌ها و کودکان تأسیس شده. در رنگ آمیزی این موزه از ۲۰ رنگ مختلف استفاده شده است. این رنگ‌ها حس تحرک و پویایی جدیدی به ساختمان داده‌اند. کودکان در این موزه راهشان را به آسانی پیدا می‌کنند. همچنین دیدهای وسیع و فراگیری به قسمت‌های مختلف موزه وجود دارد که این امکان را برای والدین فراهم می‌آورد تا درادور مراقب فرزندان خود باشند. در ورودی ساختمان کفپوش راه‌های وجود دارد که توجه کودکان را به فضاهای ویژه فعالیت و تفریح جلب می‌کند. هر، در قرمز رنگ، در ساختمان، دری برای خوشامدگویی است، دعوتی برای کشف و تجربه چیزهای جدید، اما پشت یک در آبی رنگ ممکن است فضای مخفی و پوشیده‌ای مثل یک انبار یا فضای مخصوص کارمندان وجود داشته باشد.



تصویر ۱- نمای بیرونی مهدکودک
(مأخذ: سایت تخصصی معماری ۹۸، ۱۳۹۹)



تصویر ۲- نمای بیرونی مهدکودک
(مأخذ: سایت تخصصی معماری ۹۸، ۱۳۹۹)

۹-۲ مهدکودک KEKEC در اسلونی ۲۰۱۰

این مهدکودک یکی از اولین مهدکودک‌های اسلونی که از چوب و الوار از پیش ساخته شده، می‌باشد که یک گام مهم به سوی ساخت وساز پایدار بوسیله مواد طبیعی ساختمان می‌باشد. طراح این مهد دفتر معماری جوکوتنیک است.

بررسی تأثیر رنگ بر معماری مهدهای کودک
در جهت ارتقاء خلافت کودکان و افزایش
کیفیت فضاهای آموزشی
محمد بهزادپور، زهرا شعربافی، سیدحسن
حسینی
صص ۱۷-۲۸

بررسی تأثیر رنگ بر معماری مهدهای کودک
در جهت ارتقاء خلاقیت کودکان و افزایش
کیفیت فضاهای آموزشی

محمد بهزادپور، زهرا شعربافی، سیدحسن
حسینی
صص ۱۷-۲۸



تصویر ۳- نمای بیرونی (مأخذ: سایت
آموزک، ۱۳۹۹)



تصویر ۴- نمای بیرونی (مأخذ: سایت
آموزک، ۱۳۹۹)

مهدکودک kekec محیطی شاد و پویا دارای فضاهای بازی مناسب برای کودکان است. نمای ساختمان مهدکودک kekec از اسلایدهایی تشکیل شده است که یک طرف آن‌ها رنگی و طرف دیگر چوب است. این اسلایدها از ۹ رنگ روشن و شاد تشکیل شده است که خود کودکان به راحتی می‌توانند قسمت رنگی و چوبی را انتخاب کنند. اغلب مشکلی که در محیط مدرسه‌ها وجود دارد عدم وجود زمین بازی و وسایل بازی می‌باشد.

معماران مهدکودک kekec برای برطرف کردن این مشکل سه طرف بنای ساختمان را به صورت اسلایدهای رنگی درست کرده‌اند که کاربردهای زیادی برای کودکان دارد که شامل قسمت‌های زیر می‌شود: به کودکان اجازه می‌دهد اسلایدها را بچرخانند و نمای مدرسه را تغییر دهند. کمک می‌کند رنگ‌ها را یاد بگیرند و متریال چوبی را تجربه کنند. امکان بازی برای کودکان را ایجاد می‌کند مانند هماهنگ کردن رنگ‌ها، شمردن و حدس زدن رنگ‌ها. هماهنگی بین چشم و دست و بالا بردن ضریب هوشی آن‌ها. نمای ساختمان مهدکودک kekec مانند یک آفتاب پرست عمل می‌کند، اجازه می‌دهد ساختمان به عنوان یک طیف رنگی متفاوت و پرجنب‌وجوش نمایش داده شود و همچنین به عنوان یک هدایت کننده نور و گرما به داخل ساختمان نیز می‌باشد. همچنین اسلایدهای نیمه بسته نما، رنگین‌کمانی را داخل اتاق منعکس می‌کنند.

بررسی تأثیر رنگ بر معماری مهدهای کودک
در جهت ارتقاء خلاقیت کودکان و افزایش
کیفیت فضاهای آموزشی
محمد بهزادپور، زهرا شعربافی، سیدحسن
حسینی
صص ۱۷-۲۸

تصویر شماره ۵ (مأخذ: سایت آموزک،
۱۳۹۹)



تصویر شماره ۶ (مأخذ: سایت
آموزک، ۱۳۹۹)



نتیجه‌گیری

رنگ به عنوان سمبلی مشخص همواره از دیرباز مورد توجه بوده است و به عنوان متغیری در خلاقیت و یادگیری کودکان نقش بسزایی دارد. با توجه به اینکه محیط اطراف کودک باید مطابق با فعل و انفعالات درون وی باشد و حواس و حس کنجکاوی او را برانگیزد ازین رو بهترین فضاها برای کودکان باید مطابق با نیازهای او رنگارنگ و با نشاط باشد. کودکان با رنگ مکان را حس می‌کنند. در طراحی فضاهای مهدکودک باید به ساختارهای زیبایی‌شناسی و عملکردی که انگیزه و میل رودر کودک برای پیشرفت و تکامل در توانایی‌های فکری، خلاقانه، جسمی و روحی برمی‌انگیزد توجه نمود. به کارگیری رنگ فقط یکی از عوامل تکاملی و پیشرفت تکاملی فکری کودک نیست بلکه به عوامل عاطفی نیز مربوط می‌شود. کودکان برای رشد و بروز خلاقیت نیاز به محیط آموزشی پویا و رنگارنگ همراه با ایجاد محیطی گرم و صمیمی دارند. بنابراین با استفاده از رنگ‌ها و المان‌های رنگی و عوامل محیطی مؤثر محیط آموزشی مناسبی را برای رشد و خلاقیت کودکان خلق می‌کنیم.

بررسی تأثیر رنگ بر معماری مهدهای کودک در جهت ارتقاء خلاقیت کودکان و افزایش کیفیت فضاهای آموزشی

محمد بهزادپور، زهرا شعربافی، سیدحسن
حسینی
صص ۱۷-۲۸

منابع

- امابلی، ترزا، ترجمه قاسم‌زاده، حسن، عظیمی، پروین، (۱۳۷۵)، شکوفایی خلاقیت کودکان، انتشارات نیلوفر.
- ایزدپناه جهرمی، آیدا. (۱۳۸۳)، کودک، بازی و شهر، فرایند، اصول و معیارهای برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای بازی کودکان. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- بوه، دیوید. (۱۳۸۱)، درباره خلاقیت. ت: محمدعلی حسین نژاد. تهران: نشر ساقی.
- پیازه. ژ. اینهلدر، ب. (۱۳۷۱). روانشناسی کودک، ترجمه زینب توفیق، نشر نی. تهران.
- پیازه، ژان (۱۳۸۰)، دیدگاه پیازه محمود منصور و پیریخ دادستان. تهران انتشارات دانشگاه تهران
- پوریان، محمود. (۱۳۸۶) تأثیر بازی و اسباب‌بازی در پرورش ذهن و خلاقیت کودکان، مجله کودک، ش ۳۱.
- جلیلی، ت، جهانپانی پور، پ. جهان‌نژاد. ع، بهشتی اصل، ی (۱۳۹۵) بررسی نقش رنگ بر کالبد مهدکودک و تأثیر آن از بعد روانشناسی محیط، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری، مدیریت شهری و محیط زیست در هزاره سوم، رشت، شرکت پیشگامان پژوهش‌های نوین.
- رحمتی‌زاده، ع. (۱۳۹۱) موزه کودک گیلان با رویکرد روانشناسی کودک، رساله کارشناسی ارشد معماری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
- شفایی، مینو و مدنی، رامین. (۱۳۸۹). اصول طراحی فضاهای آموزشی کودکان براساس مدل خلاقیت کودک. نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، (۴۳) ۲۲۲-۲۱۵.
- شریعتمداری، علی، (۱۳۴۴)، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ ۴۴.
- شیعه، اسماعیل، (۱۳۸۵)، آماده‌سازی شهر برای کودکان، انتشارات شهر، تهران، چاپ دوم.
- ضیا بخش، ن، بهرامی‌پور. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر رنگ بدنه کلاس بر رفتار و سطح هوش خلاقیت و یادگیری کودکان در مهدکودک. دومین همایش ملی معماری، عمران و محیط زیست شهری. همدان. دبیرخانه دائمی همایش، دانشکده شهید مفتح.
- طباطباییان، مریم. عباسعلی‌زاده، ساناز. کلایی، رضا. (۱۳۹۴). تحلیلی بر تأثیر محیط‌های ساخته شده بر خلاقیت کودک (بررسی ویژگی‌های محیطی بر خلاقیت کودک در مراکز کودک تهران)، مجله علمی-پژوهشی هنر، معماری و شهرسازی نظر، ش ۴۳، دی ۹۵.
- قربانی، بیژن (۱۳۸۳). تأثیر رنگ در فعالیت‌های آموزشی دانش‌آموزان. فصلنامه آموزه. ۳۱-۲۳، ۳۳.
- کامل‌نیا، ح. (۱۳۸۸) دستور زبان طراحی محیط‌های یادگیری. چاپ دوم، انتشارات نور، تهران.
- کاسایان، آنا. گیل، مارتا (۱۳۸۶) رنگ‌های دکوراتیو (پالت‌های رنگ در طراحی داخلی) آبتین گلکار. نشر هنر و معماری قرن تهران.
- گروتیورگ کورت، زیبایی‌شناسی در معماری، مترجم: جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون (۱۳۹۳). تهران. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لوش، م. (۱۳۸۹). روانشناسی رنگ‌ها، ترجمه ویدا ابی‌زاده، نشر درس، تهران.
- لنگ، جان (۱۳۸۳) آفرینش نظریه‌های معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه: علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران.
- مرتضوی. ش. (۱۳۷۶). فضاهای آموزشی از دیدگاه روانشناسی محیط، سازمان نوسازی مدارس کشور، تهران.
- معین، محمد، (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی، تهران: سازمان زیباسازی شهر تهران.
- Scott.s(۲۰۱۰) Architecture for children peress.australian council for educational reseanl.t.t.l.australian.
- 23-N.F.& said.I.(2012).The Trends and Influential factors Children.Use of outdoor Environments.A Review journal of social and behavioural sciences,(38):204-212.
- Aziz Bell.p..A..et al.(2001).Environmental psychology.London:Lawrence Erlbaum Associates.-
- https://www.amoozak.org/content
- https://www.etude.design
- www.memari98.com
- https://fa.wikipedia.org/wiki

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاد فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸



احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان

میلاد فتحی^۱، محمد مهدی رئوف^۲

۱- دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، لرستان، ایران
ri.ihtafdalim@ofni

۲- کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات زنجان، زنجان، ایران

چکیده:

ابنیه مذهبی به‌ویژه مساجد به‌عنوان عنصر هویت بخش و قلب تپنده شهر همواره نقش محوری در شهرهای اسلامی داشته است. هویت شهرهای ایران با ورود مظاهر شهرسازی مدرن در قرن حاضر دچار تغییرات بیرونی و درونی بسیاری شده است. بدیهی است که با چنین تحولاتی در شهرها، بافت تاریخی شهر و ساختارهای ارزشمند آنکه زمانی به‌عنوان یک کلیت شهری، حیاتی کارآمد داشت در وجوه کالبدی و کاربردی دچار دگرگونی شد. به دنبال این تحولات در فضاهای شهری بافت تاریخی، شکاف بین این بافت و شهر معاصر بیش از پیش افزایش یافته و منجر به بروز مشکلاتی در ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شهرهای تاریخی شده است که نمی‌توان به راحتی از کنار آن عبور کرد. هدف این مقاله شناسایی عوامل بروز این گسست به‌ویژه در ابعاد اجتماعی و فرهنگی در بافت‌های تاریخی شهرهای ایران و ارائه راهکارهایی جهت تقویت نقش مراکز مذهبی به منظور رجوع به مفاهیم عمیق شهرسازی اسلامی ایران است. برای این اساس محله پشت گنبد به‌عنوان یکی از محلات تاریخی در شهر اصفهان به‌عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است. روش مورد استفاده در این مطالعه توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و میدانی صورت پذیرفته است.

کلمات کلیدی: بافت تاریخی، مراکز مذهبی، هویت فرهنگی، محله پشت گنبد اصفهان.

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

۱- مقدمه

در سنت شرقی، شهرنشینی و شهرهای اسلامی در طول چهارده قرن پیش تاکنون بر پهنه بسیار وسیعی گسترده شده و در نواحی مختلف جهان بسط یافته است و در اجزای بسیاری از تمدن‌ها و ایدئولوژی‌ها نقش چشمگیری داشته است. در تمام این دوران، شهرهای اسلامی به حیات، خلاقیت، توانمندی و بازسازی خویش ادامه دادند و بر بجران‌های مختلف فائق آمدند. این شهرها بر فراسوی شعاعی گسترده از طریق بنیادهای جدید احیاء شدند و بروز آن‌ها از طریق سیستم‌های جدید شهری تحقق یافت. حضور فرهنگ اسلامی در اقلیم‌ها و سرزمین‌های مختلف و نیز امکانات نامحدود ترکیب و تلفیق فرهنگ بومی با فرهنگ اسلامی، به عرضه نوعی وحدت در بسیاری از مفاهیم و مظاهر شهری در آن‌ها منجر شده است. از سوی دیگر تاریخ، موقعیت جغرافیایی و تنوع قومی، اختلافاتی را نیز در این پدیده‌های شهری به وجود آورده است، چه برخی از این فرهنگ‌ها به سنت‌های شهرنشینی دوران باستان نیز مجهز بودند که این خود تأمل برانگیز است. (دانش، ۱۳۹۰: ۵۹۰)

بافت تاریخی شهرها دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی است که آن را از بافت‌ها و پهنه‌های پیرامونی و بلافصل و نیز سایر قسمت‌های شهر متمایز می‌کند. وجود و استقرار عناصر، راسته‌ها، گره‌های ارزشمند تاریخی، فرهنگی، سیاسی و تجاری به همراه تفاوت قدمت و عمر بناها، ظرفیت گردشگری و نقش آن‌ها در تقویت هویت فرهنگی و تاریخی، ضرورت نگاه متمایز مدیریتی به این مناطق را نسبت به سایر مناطق شهری ایجاب می‌کند. (طاهرخانی و متوسلی، ۱۳۸۵: ۹۷) شهرهای ایران که دارای ویژگی‌های تکامل یافته در قرون متمادی بودند، در عرض چند دهه دچار تحولی عظیم شدند. آنچه را که این شهرها به عنوان خصوصیات کالبدی خود داشتند، فضاها و عناصر ارزشمندی منبعث از فرهنگ حاکم بر زندگی شهروندان بودند. هر فضا یا عنصر معماری-شهری، طبق نیازهای روزمره ساکنان شهرها و در پاسخ به رشد و دگرگونی جامعه شهری طی زمان شکل گرفته و تکامل یافته بود. بافت‌های قدیمی به همراه عناصر و فضاها، شهرهای درون خود، مانند شبکه معابر، بازارها و آب‌انبارها، مساجد و کاروان‌سراها و... علاوه بر شکل فیزیکی قابل توجه و خصوصیات کالبدی، ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی ویژه‌ای را در خود نهفته داشتند. (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶)

با گذشت زمان، اگر شهرها بتوانند، کماکان اصول و ارزش‌های مورد قبول و هویت‌ساز خود را به ناظر و جامعه القا کنند، می‌توانند به نقش ارزشمند هویتی خویش تداوم ببخشند؛ اما اگر نتوانند نقش مورد نظر و مورد نیاز جامعه را ایفا کنند، به مرور مهجور و مضمحل خواهند شد و نقش هویتی خویش را از دست خواهند داد. علاوه بر اصول و ارزش‌ها، اگر شهرها و عناصر شهری بتوانند خود را به عنوان یک الگوی برتر و پایدار و پردوام که از نمونه‌های بیگانه خود برتر و زیباتر و شاخص‌تر باشند مطرح کنند نیز، همچنان به عنوان عامل هویتی جامعه ظاهر خواهند شد. به ویژه اگر آثار در دوره ایجاد خود واجد برتری‌های هنری و تکنیکی و علمی باشند، نقش هویتی‌شان تقویت و تثبیت خواهد شد. در واقع، نکته مهم، اصول و ارزش‌هایی هستند که این عوامل هویت‌ساز، به آن‌ها اشاره می‌کنند. از این رو، شناسایی اصول و ارزش‌هایی که زمینه‌ساز شکل‌گیری عوامل هویت‌ساز، بوده‌اند، از اهمیت و جایگاه درخور توجهی برخوردار هستند. لذا این پژوهش تلاشی است در جهت شناساندن گوشه‌هایی از اصول و ارزش‌های حاکم بر منظر شهرهای ایرانی-اسلامی و اینکه چگونه می‌توان این الگوهای سنتی را در شکلی

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاد فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

نویسن ارائه داد و در توسعه مکان‌های شهری از آن‌ها بهره جست.

یکی از مسائل مبتلا به جوامع امروزی، جدایی انسان از مبانی معنوی و تمرکز بر جنبه‌های مادی حیات است؛ از جمله در مقوله معماری و شهرسازی نه تنها عبارات، محیط و فضا پیام و معنایی معنوی و روحانی را القا نمی‌نماید، بلکه انسان‌ها نیز غالباً در پی ایجاد محیط‌ها و فضاهای کیفی، معنادار و روحانی که تجلی آرمان‌های معنوی حیات باشند نیستند. معماری و شهرمسلمین که روزگاری سرشار از معانی و رموز و اسرار و حافظ تعادل حیات بود در دنیاگرایی، به دنبال روی از غرب پرداخته است که شهرهای ایرانی نیز از این بلیه بی‌نصیب نمانده و به ویژه در چند دهه اخیر به ملغمه‌ای نارس از شیوه‌های گوناگون معماری غربی تبدیل شده‌اند.

بناهای مذهبی اعم از مساجد، حسینیه‌ها، خانقاه‌ها، مزارات و غیره به دلایل مختلف از جمله؛ «معنویت حاکم بر آن‌ها»، «سابقه تاریخی»، «شیوه معماری» و «کارکرد فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی» در بین مردم از گذشته تا به حال از اهمیت خاصی برخوردار بوده و جنبه «تقدس» یافته‌اند. بناهای مذکور، پویایی معنوی و کالبدی خود را در طول زمان حفظ کرده و به ندرت متروکه و رها شده‌اند. این مظاهر هنر معنوی (بناهای کالبدی، فرهنگی) همگام با ورود جامعه جهانی به عصر «فرانوگرایی» و «اطلاعات و ارتباطات» اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند، زیرا «انقلاب انفورماتیک» باعث کمرنگ شدن اقتصاد مادی و توسعه اقتصادی متکی بر تولیدات فرهنگی شده است. توجه به پدیده‌های کالبدی و بناهای میراثی / تاریخی بویژه شهرهای تاریخی و اماکن مقدسه و متبرکه به لحاظ تنوع کارکردها و منافع مادی و معنوی حاصل از آن‌ها افزایش یافته و به دلیل سهم فراوانی که در تأمین منافع ملی دارند در کانون توجه مسائل «اقتصاد فرهنگی» قرار گرفته‌اند. چشم‌انداز «اقتصاد قرن بیست و یکم» روشنایی بخش غلبه «اقتصاد فرهنگی» بر سایر جنبه‌های اقتصادی در تأمین زندگی مردم است. در چارچوب همین بینش فکری، مسئله «شهرهای تاریخی» و بناهای با کارکرد «فرهنگی-اجتماعی» موجود در شهرها اهمیت بسزایی یافته و کانون مطالعه و توجه نظریه‌پردازان «اقتصاد فرهنگی» و شهرپژوهان قرار گرفته است.

بافت‌های تاریخی و فرهنگی شهرها آثار گران‌بهای هستند که نشانه فرهنگ و دانش معماری و شهرسازی بومی‌اند و به عنوان جزئی از هویت اجتماعی هر قوم و کشوری تلقی می‌شوند. این بافت‌ها در شهرهای ما، در بردارنده ظرافت و زیبایی و نیز روح خلاق مردمی است که طی سالیان دراز آن‌ها را بر طبق سنن، فرهنگ و نوع معیشت خود به وجود آورده‌اند. بافت‌های تاریخی و فرهنگی به عنوان هسته قدیمی و تاریخی دارای قابلیت‌های بالفعل و بالقوه‌اند که در صورت عدم پیش‌بینی تمهیدات لازم، موجب آسیب‌های جبران‌ناپذیر و اتلاف سرمایه‌های فرهنگی می‌شود. (قربی و مدیری، ۱۳۸۷: ۷)

۲- ادبیات پژوهش

رشد سریع و ناهنجار مراکز شهری، افزایش جمعیت شهرها و همچنین گسترش ساخت‌وسازهای نامتناسب شهری، منجر به زیان بیش‌تر به بافت‌های تاریخی و بی‌هویتی شهر و تأثیر منفی بر ساکنان شهر می‌شود؛ بنابراین، حفظ بافت تاریخی به عنوان هویتی ضروری برای ادامه حیات شهرها مطرح می‌گردد. اهمیت و ضرورت حفظ آثار کهن نه به عنوان پدیده‌های نمادین، بلکه به دلیل شناخت سیر تحول و تکامل تاریخ شهرسازی و تمدن شهرنشینی، حفظ هویت و اصالت شهری و تبیین حیات شهری بر اساس شواهد و مدارک علمی همواره مورد توجه بوده است. (کیانی

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاد فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۲) گسست تاریخی روزگار معاصر از سیر تکامل دستاوردهای پیشکسوتان معماری، موجب تولید فضایی ناخوانا در شهرهای امروز گردیده است تا جایی که رابطه‌ای منطقی بین معماری معاصر ایران و معماری تاریخی آن وجود ندارد از میان بردن این گسست نیاز به شناخت و درک ساختارهای موجود در معماری گذشته و به‌کارگیری این ساختارها به شکل جدید در معماری معاصر می‌باشد.

بافت‌های تاریخی با توجه به حفظ بخشی از کالبد خود و پذیرش نقش‌های اجتماعی جدید مهم‌ترین بخش‌ها برای احیا مفاهیم شهر ایرانی اسلامی هستند از سوی دیگر همواره باید در نظر داشت شهرها شکل گرفته مردمان و انسان‌ها محصول فرهنگ جامعه هستند. شکل‌گیری شهرهای سنتی ایرانی و اسلامی در واقع محصول فرهنگ پیشرو دوران اوج تمدن اسلامی بوده است. از این رو توجه به این مبانی در طرح‌های مرمت و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی اجتماعی موجود در احیای کیفیات شهری گذشته ضروری به نظر می‌رسد. این احیا خود نیازمند نگاهی چندبعدی است که علاوه بر تأمین نیازهای روز یک ایرانی مسلمان، کیفیات معنوی و متعالی شهری نیز در آن متبلور شود. هدف این نوشته نیز تبیین اهمیت موضوع فرهنگ در شکل‌گیری شهرهای ایرانی و ضرورت توجه به آن در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری با رویکرد احیای مبانی شکل‌گیری بافت‌های تاریخی است. با توجه به این مسئله که در شهرهای ایرانی اسلامی همواره مساجد و مراکز مذهبی نقشی حیاتی در بافت شهری در ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایفا می‌کردند توجه به این نوشته به نقش این مراکز در طرح‌های مرمت بوده و نسبت به ارائه راهبردهای احیای مراکز مذهبی و تأثیرات فرهنگی اجتماعی آن‌ها در محله تاریخی پشت گنبد اصفهان به عنوان محدوده مطالعه اقدام نموده است.

۳- ساختار و هویت شهر اسلامی

شهرسازی ایرانی در پی تحقق بخشیدن به اصلی است که جهان بر آن قرار دارد، یعنی اصل تعادل تا از طریق ایجاد تعادل فضایی و توازن کالبدی به وحدت دست یابد. همه عناصر به منزله یک ترکیب هنری و کلامی برای بیان این اصل به کار گرفته می‌شوند. آهنگ، تکرار، انقطاع، تداوم، یکسانی، بازگشت به آهنگ و بازآمدن به تباین و... مقدمه و مؤخره، پیش‌درآمد، اوج، فرود و... در ماهرانه‌ترین ترکیب فضایی و بیان کالبدی چهره می‌نمایند. (نوریان، ۱۳۹۰: ۸۲۱) نحوه شکل‌گیری اصول طراحی شهر سنتی اسلامی عمدتاً به ارزش‌ها و اعتقادهای فرهنگی اسلام وابسته است. این موضوع قاعدتاً در ماهیت احکام اسلامی ریشه دارد، به طوری که کلیه جنبه‌های زندگی مسلمانان را تحت شعاع قرار داده است. به همین خاطر است که دین اسلام بیش از ایمان معنوی، به عنوان شیوه زندگی شناخته شده و از سکونتگاه‌های آن نیز به عنوان کتاب تمدن یاد می‌شود. (علیزاده و حبیبی، ۱۳۹۰: ۷۶) در شکل‌گیری شهرهای اسلامی عوامل مختلفی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به چند دسته کلی زیر تقسیم‌بندی نمود: عوامل طبیعی: منظور از این دسته، مواردی است که در شکل‌گیری هر شهری از جمله شهرهای اسلامی می‌تواند دخیل و تأثیرگذار باشد که از آن جمله می‌توان به اقلیم، توپوگرافی منطقه، مواد و مصالح ساختمانی موجود و قابل استفاده و... اشاره نمود. طبیعی است در غالب موارد، تشابهات عوامل طبیعی نتایج مشابهی را در شکل دادن به شهرهای اسلامی به لحاظ ریخت‌شناسی موجب شده است.

عوامل مصنوعی: این عوامل، عواملی است غیر از عوامل طبیعی که خود به دودسته قابل تقسیم است؛ عوامل مؤثر در فیزیک و صورت شهر، عوامل تأثیرگذار در بنیاد و باطن

شهر اسلامی.

منظور از عوامل مؤثر در فیزیک و صورت شهر، عواملی چون تکنیک‌های ساخت و ساز ابنیه و شهرها و قواعد و اسلوب آن و نیز قوانین منبعث از شریعت و فقه اسلامی است که می‌تواند حاوی دستورالعمل‌هایی برای ساخت ابنیه شهری باشد؛ اما آنچه به باطن و بنیان شهر اسلامی، صبغه اسلامیّت می‌بخشد، صرفاً رعایت برخی نکات فقهی نیست، بلکه مفاهیمی چون نظم و سلسله مراتب شهری، وحدت بافت شهری، عدم تمایز اجتماعی و... است که به تفصیل بدان پرداخته می‌شود. عوامل مذکور را می‌توان به طریقه دیگری نیز دسته‌بندی نمود تا در آن مفهوم دین به صورت جدی‌تری مورد بحث قرار گیرد:

عوامل برون دینی مؤثر در شکل‌گیری شهر: در این دسته عوامل طبیعی و برخی عوامل مصنوعی همچون تکنیک‌ها و اسلوب ساخت و ساز قرار می‌گیرد. این قواعد امری و رای پیام و فحوای ادیان و مذاهب الهی است که از طریق آموزش و تجربه قابل فراگیری و انتقال است و منحصر در چارچوب فرهنگی خاصی نیست.

عوامل درون دینی مؤثر در شکل‌گیری شهر: منظور عوامل مرتبط با شرایع و حقایق دینی است که به طور مستقیم می‌تواند در کالبد و معنای شهر اسلامی تأثیرگذار باشد. برای بنیان و ساکنان شهر اسلامی، شهر به منزله انعکاس ارزش‌های اسلامی است. گذشته از تمام گوناگونی‌های متأثر از عوامل طبیعی، شهر در اسلام غرق در ایمانی واحد است و در حالی که معیارها و قوانین زندگی بر آن حاکم و مسلط است، شکل مشخصی از معماری را ارائه می‌دهد. در این شرایط عوامل و اصول منبعث از فرهنگ دینی، شبکه قدرتمندی را ایجاد می‌کند که در صورت تعارض با عوامل بیرونی، به طرد و حذف آن پرداخته، جایگزین دیگری را برای آن می‌طلبد و یا آنکه در صورت امکان آن را جذب و تعدیل می‌کند.

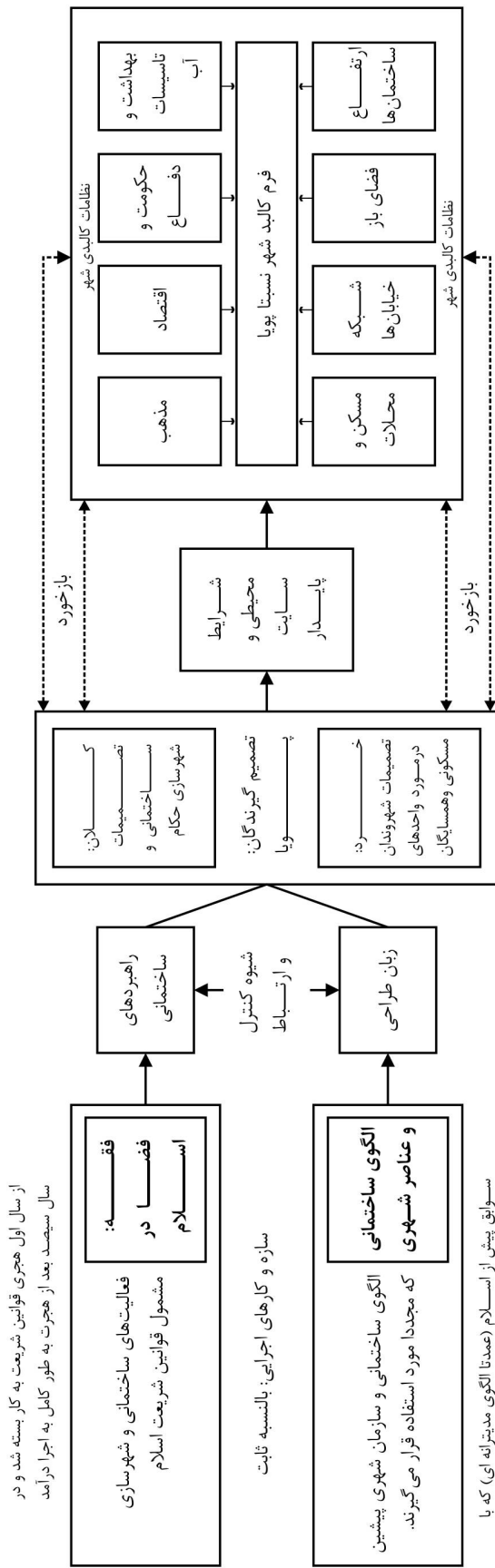
دین اسلام از قلب سرزمین عربستان با سنن بسیار قوی عربی در سطوح مختلف حیات اجتماعی از جمله امور ساختمانی ظهور یافت. بسیاری از این سنن که در انطباق با ارزش‌های اسلامی قرار نداشتند، ممنوع و مابقی با برخی تعدیلات جذب تمدن اسلامی شدند. جوانب مختلف امور ساختمانی قبل از اسلام نیز در فرهنگ اسلامی جذب و تعدیل شد و سپس با خصوصیات اسلامی متمایز ظاهر گشت. (حکیم، ۱۳۸۱: ۲۱) ریشه‌های نظم و یکپارچگی موجود در اکثر شهرهای جهان اسلام عمدتاً به ارتباط بخش‌ها و ترکیب نظام‌مند ناشی از آن قابل استناد است که به واسطه مجموعه‌ای از راهبردها و اصول ساختمانی، به وجود آمده و حفظ می‌شوند. این مجموعه، محصول فقه می‌باشد: سازوکاری که نظام ارزشی شریعت را در چهارچوب فرآیند ساخت و ساز و توسعه شهری تفسیر نموده و به کار می‌بندد. از اینرو تمامی شهرهای جهان عرب و اسلام که عمده ساکنان آن‌ها مسلمان بوده‌اند، دارای هویت اسلامی مشترکی هستند که به طور مستقیم از کاربست ارزش‌های شریعت در فرآیند شهرسازی حاصل آمده است. (همان: ۳۶۱)

شهر اسلامی در ابتدا با نفوذ در پوسته تمدن‌های دیگر و با استفاده از جلوه‌های تجلی آن، نمود می‌یابد تا نیازهای ابتدایی جوامع تازه مسلمان را پاسخگو باشد. پس از آن با نضج و استحکام یافتن فرهنگ اسلامی و گسترش حیطه آن، نیاز به ساخت مستحقات جدید افزایش یافته، شهرهای گذشته گسترش می‌یابند و شهرهای جدید در نواحی مختلف برپا می‌شوند. با پراکنده شدن نوای وحدت‌گرایی این آیین، شهر نیز جلوه‌ای حقیقی و معنوی می‌یابد و با رعایت اصولی همچون سلسله مراتب، حریم

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاد فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاد فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

نمودار ۱: الگوی ارائه شده توسط حکیم در
ترسیم مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری شهر
سنتی اسلامی (حکیم، ۱۳۸۱: ۳۹)



از سال اول هجری قوانین شریعت به کار بسته شد و در
سال سیصد بعد از هجرت به طور کامل به اجرا درآمد

سوايق پيش از اسلام (عمده‌الگو مدنيتانه اي) كه با
گسترش اسلام در مناطق مختلف جهان اسلام سكوتا گشت

سازه و کارهای اجرایی: بالنسبه ثابت

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

خصوصی، نظم، تعادل و... در کالبدی پیچ در پیچ، سعی در همسازی با این فرهنگ را دارد و بدین ترتیب قالب شهر اسلامی شکل می‌گیرد و تا قرن‌ها به حیات خویش ادامه می‌دهد. (دانش، ۱۳۹۰: ۶۰۴) دین مبین اسلام با یک چهره صدرصد اجتماعی، به پدیده شهر چون آمیزه‌ای از جسم و جان نگریسته و حیات و بالندگی آن را در گرو سلامت هردو عامل می‌داند. مکتب اسلام در حین ترسیم شمایل یک شهر مطلوب، خود را آماده پذیرش بهترین‌های تمدن‌های پیش از خود کرد تا جایی که استفاده از کلیه دستاوردهای فرهنگی، هنری ملل تابعه تا آنجا که با مبانی آن مغایرت نداشت بلامانع بود. با مرور اسلام شهرهای ایرانی، اجزاء و ارکان آن و اجتماعات پدید آمده با فرهنگ اسلامی با عبارتی نظیر عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی و فردی، توجه به اقشار کم درآمد اجتماعی و محرومین، تعاون، روح همسایه داری، صلح و... روبرو می‌شویم که نمود آن در شهر به صورت وحدت فضایی در بافت، برجیده شدن نظام طبقاتی قبل از اسلام، رعایت مرزهای خصوصی و عمومی، مکانیسم‌های عام المنفعه نظیر وقف، نظام سلسله مراتبی خانه، کوی، کوچه، گذر، دیوار دفاعی، بازار، مسجد و... قابل مشاهده است و این همه در یک ترکیبی بی نظیر اسلام شهرهایی را پدید می‌آورد که در بستر زمان پایداری خود را حفظ کرده است. (سلخی خسرقی، ۱۳۹۰: ۷۰۷)

۴- نقش فضاهای مذهبی در شهر اسلامی

در شهرسازی اسلامی، به گونه‌ای روابط بین فضاها و عملکردهای مختلف برای جلوگیری از مزاحمت‌های مذهبی، سلسله مراتب فضاهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی، تفکیک متناسب قلمروهای شهری، تأمین امنیت جانی و مالی، در نظر گرفتن مقیاس انسانی در شهرسازی، در نظر گرفتن وحدت، ایجاد محلات متجانس و جلوگیری از قطب بندی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، در نظر گرفتن فضاهای عمومی برای شهروندان، ایجاد فضایی برای القای احساس امنیت و توسعه عدالت و تابعیت از قوانین بین المللی، بهره‌گیری از زیبایی برای رسیدن به کمال مطلوب، پیوستگی فضایی و وجود فضاهای آشنا و قابل دفاع از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. (کمیلی و خدائی، ۱۳۹۰: ۹۵)

در شهرهای ایرانی اسلامی فضاهای مذهبی به ویژه مساجد همواره نقشی کلیدی در ساختار شهری داشتند. این مراکز علاوه بر ایفای نقش دینی خود در شهرها عاملی برای شکل‌گیری استخوان بندی شهر و برآورده نمودن نیازهای فرهنگی و اجتماعی شهروندان داشتند. مساجد همواره محل برقراری ارتباطات اجتماعی در سطح محلات و شهرها بودند. بسیاری از کنش‌های اجتماعی و اقتصادی مردم مانند آموزش (مسجد مدرسه‌ها و یا برگزاری جلسات درس در مدارس)، حل و فصل دعاوی، رفع مشکلات اجتماعی و حل مسائل اقتصادی در درون مسجد صورت می‌گرفته است. آن‌ها از یک سو محل برگزاری مراسم عبادی بودند و از سوی دیگر، مکانی که زندگی اجتماعی ساکنان محلات را ساماندهی می‌کرده و به حل و فصل امور مردم می‌پرداخته‌اند. در تاریخ شهرهای ایران، به وفور نمونه‌هایی از این نوع عملکرد دوگانه مساجد یافت می‌شود به گونه‌ای که برخی مورخان غیربومی نیز به آن اشاره نموده‌اند. دروازه مسجد در ایران، با دو مناره در طرفین آن یادآور خاطره بهشت بوده که در میان دو مظهر متضاد تنها محور جهان است. (تقوایی و معروفی، ۱۳۸۹: ۲۲) می‌توان تحولات مسجد در شهر اسلامی را به چهار مرحله تقسیم کرد: مرحله اول آغاز دوره اسلامی بوده است که مسجد هنوز صورتی ساده داشت. در مرحله دوم روزگار بنی امیه بود که در آن مسجد و قدرت به هم پیوند یافت. مرحله سوم از روزگار خلافت عباسیان و شکل گرفتن امپراتوری اسلامی

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاد فتاحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

است که در آن رفته‌رفته مسجد و قدرت سیاسی از یکدیگر جدا می‌شوند و سرانجام در مرحله چهارم که از قرن ششم آغاز می‌شود در شکل و پراکندگی مساجد دگرگونی‌های بسیار پدید می‌آید. (بریمانی و شعاع‌برآبادی، به نقل از اشرف، ۱۳۸۸: ۹۵)
در شهرهای اسلامی مسجد در مرکز شهر قرار داشت و در رابطه مستقیم با بازار و مراکز اجتماعی بود. مسجد را باید قلب تپنده شهر دانست که به خوبی وضع اجتماعی شهر را منعکس می‌کرد؛ چنانکه شادی و غم هیجانات اجتماعی را از ضربان آن می‌توان تشخیص داد. در پیرامون مسجد شهر مؤسسات اجتماعی همچون دارالحکومه، کاروانسرا و مهمانخانه‌هایی برای مسافران، محل‌هایی برای فقرا و بینوایان، دارالشفاء، خانقاه، آب‌انبار، حمام و مدارس و پس از صفویه فضای حسینی و تکیه قرار داشت. (شعیدی و شعبانی، ۱۳۸۵: ۴۸۹)

۴-۱- کارکردهای فرهنگی مساجد در شهر اسلامی

مسجد در صدر اسلام به عنوان اولین و با اهمیت‌ترین نهاد اجتماعی دارای وظایف و کارکردهای چندی بود، به گونه‌ای که افزون بر مهم‌ترین کارکرد آن عبادت؛ فعالیت‌های آموزشی، نظامی و سیاسی نیز در آن جریان داشت. مساجد بزرگ بعدی به ویژه در سده‌های میانه، فعالیت‌های گسترده‌تری از فعالیت‌های غیرعبادی یافتند. مسجد نه تنها به عنوان جایگاه اصلی اجتماع مؤمنان برای برگزاری مراسم مورد استفاده بود، بلکه کانون معارف و احکام اسلامی، مرکز جهاد تبلیغاتی و ارشادی، قرارگاه سیاسی و اداره دولت نیز به شمار می‌رفت. می‌توان مهم‌ترین کارکردهای فرهنگی مساجد در شهرها را به صورت زیر بیان کرد:

شرح	کارکرد	
ایجاد فضای مدرس در مساجد، ایجاد مسجد مدرسه‌ها	آموزش در مسجد	۱
ارائه کمک‌های عمومی	ارائه خدمات عمومی	۲
ایجاد کانون‌های حضور و بسیج و فعالیت‌های جهادی	دفاع و بسیج عمومی	۳
کانون حل اختلافات	مشورت و قضاوت	۴
ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد (تعاونی‌ها)، برگزاری جلسات شوراها محلی	کانون‌های فرهنگی و اجتماعی	۵
برگزاری جشن‌های اعیاد مانند اعیاد فطر، قربان و...	جشن‌ها و مناسبت‌های عمومی	۶
تبلور هنر اسلامی در مساجد	فعالیت‌های هنری	۷
اجرای مراسم آیینی چون عزاداری‌ها و...	انجام مراسم آیینی	۸

جدول ۱: کارکردهای فرهنگی مساجد در شهر اسلامی (مهدوی نژاد و مشایخی، ۱۳۸۹: ۶۸-۶۹)

۵- بافت تاریخی

«بافت تاریخی- فرسوده شهری» به عرصه‌هایی از محدوده قانونی شهرها اطلاق می‌شود که به دلیل فرسودگی کالبدی و فیزیکی، عدم برخورداری مناسب از دسترسی سواره، تأسیسات، خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب‌پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردارند. (کیانی به نقل از شورای عالی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۹: ۲۳) بهسازی و نوسازی بافت‌های تاریخی شهری نه تنها با هدف حفاظت از شهرها و بناهای فرهنگی صورت می‌پذیرد، بلکه پاسخی به نیازهای جدید شهری و شهروندان می‌باشد که موجب ترمیم خرابی‌های گذشته و آسیب‌های وارده بر بنا و شکل‌گیری عملکرد متناسب با نیازهای زندگی روز می‌شود. بافت‌های تاریخی شهرها تجسم عینی تمدن و فرهنگ هر جامعه و از بسترهای مناسب برای دستیابی به شاخص‌های مختص خود در فرآیند گفتگو و تعامل بین تمدن‌ها و فرهنگ‌هاست. این بافت سند عینی و ماندگاری هستند که به صورت امانتی ارزشمند از هنر و فرهنگ

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاد فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

گذشتگان برای استفاده آیندگان از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. (طاهرخانی و متوسلی، ۱۳۸۵: ۹۸) بافت تاریخی از مهم‌ترین بخش‌های هویتی هر جامعه محسوب می‌شود و پیدایش آن پیرو اطاعت از ساختارهای اقلیمی و فرهنگی است. مجموعه‌ای منسجم از معماری، فرهنگ، اقتصاد و تبادلات اجتماعی یک ساختار شهری با پیشینه تاریخی باعث می‌شود که بافت‌های تاریخی به مرور زمان پدید آیند. لازمه این پیدایش اهمیت بخشیدن به اقلیم و توجه به فرهنگ‌های بومی منطقه است. بافت تاریخی شهرها دارای مشخصاتی چون قدمت تاریخی، بافت فشرده و در هم تنیده می‌باشد، وجود بافت تاریخی متمایز از سایر بافت‌های شهر بر اهمیت و جذابیت آن شهر می‌افزاید و کل بافت تاریخی شهر را به عنوان یک جاذبه مطرح می‌کند. (کردوانی و مورد غفاری، ۱۳۹۰: ۲۲)

۶- گسست فضاهای معاصر و بافت تاریخی شهرها

امروز فعالیت‌های برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی ما به خوبی نشان می‌دهد که در دوران سرگشتگی قرار داریم. غربی نزدیک آنچه امروزه با عنوان بحران و ناهماهنگی در ساختار شهرهای اسلامی از آن یاد می‌شود نتیجه‌ای است که در پی گسست فرهنگی و تزریق مؤلفه‌های غیربومی به پیکره فرهنگی جوامع در دهه‌های اخیر به وجود آمده است. تداوم سیر تاریخی و اصیل اولیه، راهبردی است که می‌تواند در تبلور مجدد مفاهیمی همانند مفهوم شهر اسلامی راهگشا باشد. طراحان و هنرمندان متعهد این عرصه باید علاوه بر توجه به راهبرد اصلی و مهم یاد شده و تلاش در جهت پیوند مجدد با هویت فرهنگی و حرکت در مسیر آن، به احیاء و تعریف مؤلفه‌ها و قالب‌های قابل ارائه در بنیان نهادن شهرهای جدید اسلامی بپردازند. هر چند طراحان و برنامه‌ریزان شهری در ابتدای امر در رویارویی با برخی مباحث و فرآیندهای مدرن شهری که غالباً غیربومی و وارداتی‌اند باید به حل فوری مسائل مهم و ضروری موجود جوامع شهری اقدام کنند. مسائلی همچون ورود اتومبیل به فضای شهرها و به تبع آن، نیاز به ساختار جدید حمل و نقل و از هم گسیختگی بافت غالب شهرهای قدیمی و یا نحوه شکل‌گیری و مکان‌یابی مراکز تجاری که جایگزین مفهوم سنتی بازار شده از جمله این موارد است. همچنین درنگی در مفاهیمی همچون مقوله بلندمرتبه‌سازی و بازتعریف مفهوم محله و خلعتی مفهوم جدیدی از مجتمع‌های زیستی با توجه به نیازها و اهداف جامعه شهری اسلامی از دیگر مباحث قابل تأمل امروزی است. (دانش، ۱۳۹۰: ۶۰۴)

حفظ هویت و بافت شهرهای سنتی اسلامی به عنوان الگویی برای مطالعه و پژوهش ضروری است. در این راستا، کنترل جمعیت ساکن در آن، نظارت بر ساخت و سازهای غیراصولی و ناهمگون، کاهش عوامل ترافیک‌زا و ناآمنوس با معابر شهری و... از جمله تمهیدات سلبی است که تا حدی از تخریب و انهدام این آثار جلوگیری می‌کند. هر چند این اقدامات به عنوان اقدامات سریع و اولیه لازم است، اما نباید منحصر در آن شود. حفظ، مرمت و احیای اصولی و قاعده‌مند این آثار، قدم دیگری است که در جهت حیات سودمند این آثار، تأثیرگذار خواهد بود. این همه در درجه اول نیازمند فرهنگ‌سازی است تا همگان را متوجه ضرورت امر کنند و نظارت و دقت همگان را موقوف خویش سازد. (همان: ۶۰۵) امروزه در هم تنیدگی و پیوستگی مسجد با بافت‌های شهری بسیار کم‌رنگ شده است. بجز تحولات دوران مدرن و شکل‌گیری دیدگاه‌های عملکردگرا و تفکیک حوزه‌های عملکردی در طراحی مدرن شهر، مشکلات مختلف از جمله ایجاد درب‌های متعدد در مسجد باعث شده طراحان چندان به

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

آن علاقمند نباشند. مشکلات امنیتی، تداخل عملکردهای شهری بافت مجاور با عملکردهای مسجد، تداخل کاربران سایر فعالیت‌ها با مسجد و کم‌رنگ شدن حریم مسجد و عدم رعایت شأن مسجد از مهم‌ترین این مشکلات است.

۷- اهمیت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در طرح‌های مرمت شهری

از دیرباز درباره نسبت و رابطه میان برنامه‌ریزی و فرهنگ دو رویکرد کلان وجود داشته است. برابر رویکرد اول فرهنگ دارای ساختار ویژه‌ای است که دگرگونی‌ها و تغییرات آن کاملاً تابع سازوکارهای درونی و تاریخی‌اش می‌باشد و به هیچ‌رو نمی‌توان از بیرون و مطابق طرح و برنامه‌ای خاص تغییرات پیش‌بینی شده‌ای را در آن پدید آورد؛ اما رویکرد دوم فرهنگ را همان سایر پدیده‌های اجتماعی قلمداد می‌کند و امکان برنامه‌ریزی در این زمینه را میسر و تا حدود زیادی ضروری می‌انگارد. ظاهراً تجارب بشر در زمینه تغییر فرهنگی که طی دهه‌های اخیر صورت پذیرفت تا حدود زیادی صاحب‌نظران را متقاعد کرده است که می‌توان با تکیه بر برنامه‌ریزی‌های معینی به دگرگونی‌های مطلوبی در حوزه امور فرهنگی دست یافت. تجربیات جهانی نشان داده است نگاه صرف کالبدی به شهر و خصوصاً بافت قدیم جوابگوی نیازهای مردم نیست. در اکثر کشورهای اروپایی و آمریکایی علاوه بر دید کالبدی رویکرد فرهنگی را نیز وارد برنامه‌ریزی کرده‌اند شهرهایی مانند پاریس، بروکسل، لندن نمونه‌هایی از ترکیب برنامه‌ریزی کالبدی و فرهنگی هستند. در ایران نیز احساس می‌شود که رویکرد برای مداخله در بافت قدیم باید با چهارچوب فرهنگی یا به عبارتی همراه با برنامه‌ریزی فرهنگی باشد. رکود اقتصادی بافت تاریخی خروج ساکنین از بافت و جایگزینی ساکنانی که هیچ تعلقی به بافت ندارند، آوردن فرهنگ‌های بیگانه و ناهمگون با بافت از بین رفتن زیرساخت‌های اجتماعی و... همه و همه عواملی مؤثر برای برنامه‌ریزی فرهنگی در بافت می‌باشند.

۸- محدوده مطالعه

میدان نقش جهان اصفهان، پس از سپری شدن دوران صفویه، دیگر هیچگاه به شکوه دیرین خود بازنگشت. محلات تاریخی پیرامون میدان نیز علی‌رغم مجاورت با این عنصر ملی، از گزند گذشت زمان و تغییرات همه‌جانبه جامع مدرن در امان نماندند. محله پشت گنبد در حال حاضر از مناطق کور و گره خورده پیرامون میدان نقش جهان به‌شمار می‌آید که با توجه به موقعیت خاص خود، می‌تواند در عین حفظ بافت و زندگی سکونت، نقش ملی، منطقه‌ای نیز ایفا سازد و حیثیتی جدید و خاص بیابد. در واقع ایجاد نوعی آشتی، هماهنگی و همکاری مابین میدان با محلات اطراف آن، همچنین مسجد با محله پشت آن، جهت بسط توانایی‌های این محله ضروری به نظر می‌رسد. (کرباسی و سلطانی، ۱۳۸۳: ۲۸۶) محله پشت گنبد که در پشت مسجد شیخ لطف‌الله قرار دارد و از بخش‌های قدیمی و تاریخی شهر اصفهان به‌شمار می‌آید. پس از گذر زمان و پس از تشکیل و ساخت میدان نقش جهان در دوران صفوی و خیابان‌کشی‌های دوره پهلوی اول حدود و ثغور این بخش از شهر و محلات پیرامونی آن به شکل کنونی درآمده است. محله پشت گنبد از شمال به خیابان حافظ، از شرق به خیابان نشاط، از غرب به میدان نقش جهان و از جنوب به کوچه شهید بحرینی و بازار چهارسوق مسعود محدود شده است. قرارگیری این محله در قسمت مرکزی شهر و نزدیکی آن به مراکز عمده و مهم شهری مانند سایر نقاط مرکزی در سایر شهرهای تاریخی ایران دارای محاسن و معایبی ویژه می‌باشد.

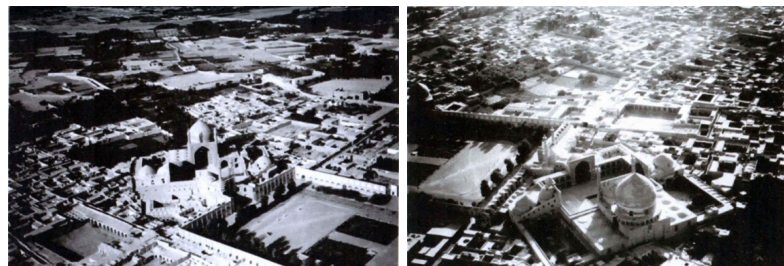
احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی زئوف
صص ۲۹-۴۸



تصویر ۱: محدوده محله پشت گنبد
(نگارندگان)

۹-۱- شناخت بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان

میدان نقش جهان به عنوان هسته مرکزی شهر اصفهان (از عصر صفوی به بعد) مرکز تبادل کالا و افکار در شهر، دارای عملکرد فرا شهری بوده است. گذرهای منتهی به آن به فراخور طول خود و یا امکان ارتباط با دیگر نقاط عمده شهری واجد ارزش‌های متفاوتی بوده‌اند. چنانچه پیش از این آمد محورهای باارزش محدوده شامل محور بازار به عنوان مهم‌ترین محور است که ضرورت تداوم آن به سمت شمال، با توجه به اهمیت تداوم حرکت پیاده در بافت و تأثیر آن در ماندگاری بیشتر گردشگر و استفاده از ویژگی‌های ناشی از مجاورت این محور با ابنیه شاخص و باارزش تاریخی احساس می‌شود. از آنجایی که این محور بخشی از ساختار اصلی شهر و آن هم به عنوان پیوند دهنده در مرکز ساختار، تشکیل می‌دهد، می‌توان گفت که در صورت احیای عناصر مجاور آن و اتصال کالبدی آن با بافت شمالی زمینه استفاده بیشتر از عناصر تاریخی که از محورهای درجه دوم به بازار متصل می‌شوند نیز از منظر گردشگری بیشتر می‌گردد که خود می‌تواند سوای از اثرات فرهنگی و اجتماعی، ارتقاء وضعیت اقتصادی را در داشته باشد.



تصویر ۲ و ۳: عکس هوایی سال ۱۹۳۷ از
محدوده مورد مطالعه (اریک ف، ۱۳۷۶)

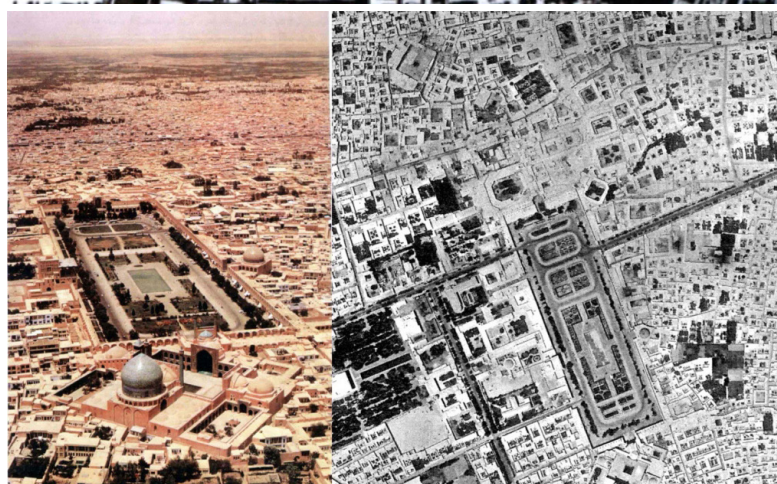
این میدان به شدت در اطراف خود نیازمند فضاهایی است که به آن حیثیت ملی، فرهنگی و حتی اقتصادی بخشد. متذکر بودن آنچه انسان امروز فراموش کرده، از طریق کالبد، فضا و به دنبال آن عملکردهایی که در فضا جاری می‌شود و ایجاد فضایی مطلوب برای پرورش و زیست انسان امروز و ارتقاء او از اهداف اساسی است. این

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاد فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

تقویت و ارتقاء از ابعاد محلی آغاز می‌شود و می‌تواند تا ابعاد جهانی گسترش یابد.
در این میان، به دنبال از میان رفتن سیستم ریش سفیدی در داخل محلات احیای
مسئله مشارکت مردم در مفهوم بخشیدن به فضای زندگی، افزایش ارتباط ساکنان
باهم و دلبستگی‌شان به زمین، طبیعت و فضاهای زیست محله و ایجاد یک زندگی
مرفه (دارای ویژگی‌ها و کیفیت خاص) که در عین ارتقاء رتبه اجتماعی، خاطره‌های
فرهنگی را نیز یادآور می‌سازد از دیگر اهداف عمده در تصمیم‌گیری‌های نهایی است.
(همان)



تصویر ۴: شرق و جنوب مسجد جایی
که بدنه‌ها به بازار متصل می‌شود نیز در
عکس‌های اشمیت مشهود است. (اریک
ف، ۱۳۷۶)



تصویر ۵: عکس هوایی سال ۱۳۵۵ و دید
به محدوده جنوب و شرق میدان سال
۱۳۸۰ (وبسایت شهرداری اصفهان)

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاد فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

دولکه بزرگ تاریخ مسکونی در بافت به چشم می‌خورد که یکی در محدوده غرب و دیگری در شرق میدان نقش جهان قرار دارد. لکه غربی که به نام محله پشت گنبد شناخته می‌شود، انسجام بافت خود را علی‌رغم تغییرات ایجاد شده حفظ نموده و هنوز شکل اولیه و طبیعی خود را از دست نداده است و با اندک تغییرات می‌تواند دوباره زنده و پویا شود. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته این محدوده شامل بناهای صفوی و قاجار است. محلات قدیمی اصفهان و محدوده مورد مطالعه با بررسی‌های صورت گرفته بر روی نقشه‌های تهیه شده در دوره پهلوی اول (۱۳۰۲-۱۲۹۹ ه.ش) عکس هوایی سال ۱۳۵۵، عکس‌های هوایی "اشمیت، اریش فردریش" و نقشه‌های فعلی اصفهان نکاتی در مورد چگونگی بافت محله دریافت می‌شود:

- بافت محله در گذشته نیز به‌طور عمده دارای کاربری مسکونی بوده است.
- عمده تغییرات صورت گرفته در بافت محله در مقایسه با بافت تاریخی شامل ساخت‌وسازهایی است که در محل باغات صورت گرفته به نحوی که تقریباً اثری از آن‌ها باقی نمانده است. این ساخت‌وسازها در سه بخش اصلی اتفاق افتاده است:

الف- بخش شمالی بافت محله: محل باغات ابتدا به پارکینگ و در حال حاضر به حوزه علمیه (در حال ساخت) تغییر کاربری-کالبدی داده است.

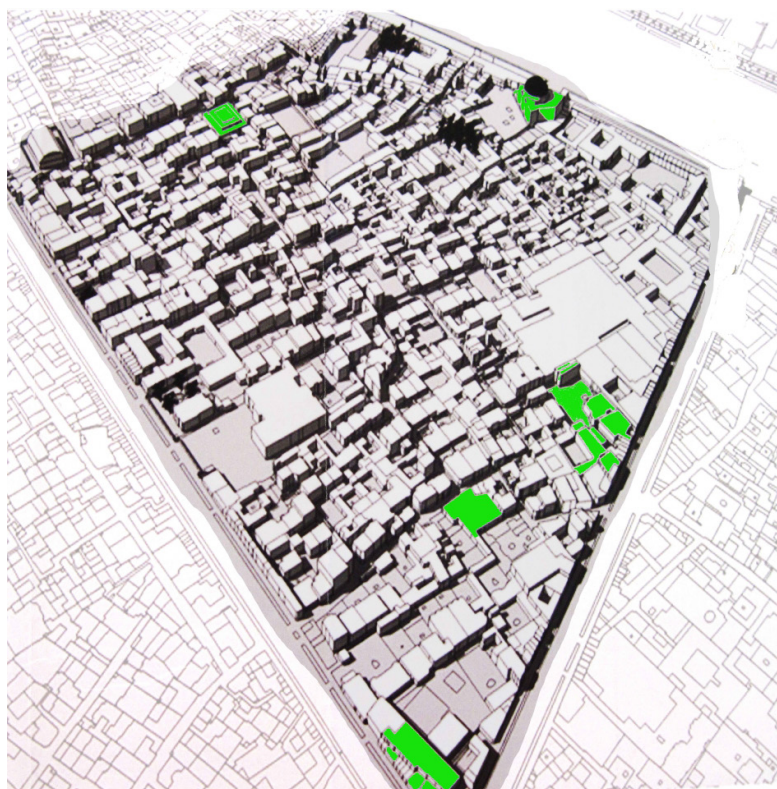
ب- بخش جنوبی محله: ساخت‌وسازهایی با کاربری مسکونی، آموزشی و عمدتاً در دوره پهلوی اول در محل باغات و زمین‌های زراعی شکل گرفته‌اند.

ج- بخش شرقی محله: باغات و فضای سبز تخریب شده و به جای آن اداره پست نشاط و چند منزل مسکونی ساخته شده است.

در مجموع تنها لکه‌های سبز کوچکی از دوره‌های قبلی و در محدوده جنوبی و شرقی باقی مانده است که این نقاط نیز به دلیل عدم توجه و مالکیت مشخص رو به زوال می‌باشد. در بررسی غرب سایت یا به عبارت بهتر شرق میدان نقش جهان در عکس‌های گذشته که در حال حاضر بیشتر شامل زمین‌های متروک، پارکینگ و به‌طور عمده فاقد نظم، طرح و نسق خاصی است. وجود کاروانسرا در شمال و جنوب بازار مقصود از دوره صفویه در عکس‌های اشمیت مشهود است که به ترتیب عبارتند از سرای نخجوانی‌ها و کاروانسراهای مقصود بیک که سرای نخجوانی‌ها در عکس هوایی سال ۳۵ نیز دیده می‌شود. در حال حاضر سرای نخجوانی‌ها به جز دو بدنه خود، به محلی مخروبه تبدیل شده که به عنوان پارکینگ از آن استفاده می‌شود. در محل کاروانسرای مقصود بیک نیز خانه‌هایی از دوران پهلوی و معاصر ساخته شده‌اند.

۸-۲- پیشنهادت و راهکارهای تقویت نقش عناصر مذهبی در محدوده مطالعه

با توجه به موارد مطرح شده، راهبردهای اصلی احیای مراکز مذهبی را در محله پشت گنبد می‌توان در ابعاد: احیا فراگیری و عمومیت عناصر مذهبی در بافت محله،، قرارگیری فعالیت‌های سازگار در داخل و یا اطراف مراکز مذهبی، افزودن فضای باز و نیمه باز، افزایش سرانه‌های مراکز مذهبی، احیای کالبدی مراکز مذهبی به عنوان نشانه‌های شهری، طراحی و ساخت هدفمند این مراکز در محله، بهبود جانمایی و سلسله مراتب دسترسی به مراکز مذهبی و تقویت مشارکت عمومی با رویکرد اسلامی در محله دسته‌بندی نمود که به اختصار به هریک از آن‌ها اشاره شده است:



احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاد فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

نمودار ۲: مراکز مذهبی موجود در بافت
تاریخی محله پشت گنبد (نگارندگان)

۸-۲-۱- فراگیری و عمومیت عناصر مذهبی در بافت محله

همان‌طور که بیان شد در شهر سنتی اسلامی ایرانی بناهای مذهبی به‌ویژه مساجد نقشی چندبعدی در ساختارهای شهری ایفا می‌کردند آن‌ها در بعد اجتماعی علاوه بر برگزاری مراسم‌های مذهبی نقشی مؤثر در برگزاری تجمعات، جلسات و ارتباطات شهروندان را ایفا می‌کردند. این عملکرد چندبعدی نیز با رویکرد افزایش مشارکت و حضور مردم باید در طرح‌های مرمتی دیده شود. مرمت مراکز مذهبی می‌بایست به‌گونه‌ای انجام پذیرد که این مراکز به معنای واقعی کلمه به عنوان بخشی از مجموعه شهری و فضایی عمومی به شمار آیند. برای این منظور می‌بایست امکان حضور و تجمع مستمر و همیشگی گروه‌های مختلف اجتماعی در ساعات مختلف شبانه‌روز فراهم گردد. هرچه حضورپذیری و تجمع‌پذیری این مراکز افزایش یابد این مراکز پرونق‌تر خواهند بود و نقش پررنگ‌تری در محلات و بافت‌های تاریخی ایفا خواهند نمود. این در حالی است که در حال حاضر، حضور در این مراکز فقط در ساعات خاص و آن‌هم جهت برگزاری مراسم ویژه امکان‌پذیر است و که نمی‌توان در چنین شرایطی انتظار برقراری تعاملات اجتماعی حتی در سطوح کم را هم داشت. به‌عنوان مثال قرارگرفتن حیاط مساجد در مسیر عبوری شهروندان، بسترسازی مناسب جهت امکان مکث و دیدارهای مردم و بازو یا نیمه‌باز بودن فضای مساجد چه به لحاظ ادراکی و چه از لحاظ فیزیکی (ورود و خروج) تأثیرمستقیم در توجه به ابنیه مذهبی در بافت‌های تاریخی خواهد بود کما اینکه در گذشته چنین نگرش‌های به صحن و محیط فضاهای عمومی وجود داشته است.

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاد فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

۸-۲-۲- قرارگیری فعالیت‌های سازگار در داخل و یا اطراف مراکز مذهبی.

تأسیس مستقل مراکزی چون کتابخانه‌ها، خانه‌های فرهنگ، شورای محلات و... مواردی هستند که در اثر توجه به ساختارهای شهری خارج از کشور بوده و شکل‌گیری بسیار از آن‌ها به دلیل وجود مراکزی این‌چنین و یا مشابه آن در کشورهای دیگر می‌باشد. آنچه که تحت عنوان شهرسازی دوره جدید همچون موجی فراگیر به شهرهای بزرگ و سپس سراسر کشور رسید، چیزی جز انعکاس تحولات غرب نبود. سال‌ها پس از انقلاب صنعتی در غرب که دگرگونی‌هایی را در شیوه زندگی شهری به دنبال داشت، با نفوذ استعمارگران در ایران، الگوبرداری و برداشت‌هایی از شیوه غربی شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری به عمل آمد. (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵) ایجاد امکان جدید و نام‌گذاری آن‌ها از همین دست اقدامات می‌باشد. این در حالی است که در گذشته‌های نه چندان دور بسیاری از این نیازها در همان مراکز مذهبی برآورده می‌شدند. تدریس علوم و برخی فنون، امکان تعاملات اجتماعی و تجمعات، اعتصاب و برخی اعتراضات، حل برخی دعوی و مشکلات توسط ریش‌سفیدان و علما نمونه‌های از آن موارد می‌باشد. البته با توجه به گستردگی نیازها و مشکلات ساکنین محلات و شهروندان شاید دیگر نتوان تمامی این فعالیت‌ها را در مراکز مذهبی پاسخگو بود، اما بازگرداندن برخی از فعالیت‌ها مانند فعالیت‌های آموزشی گروه‌های مختلف اجتماعی و یا فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی شهروندان در مراکز مذهبی می‌تواند علاوه بر رونق آن‌ها موجب برطرف سازی برخی از نیازها به عنوان مثال کم بودن سرانه آموزشی و فرهنگی در محلات مختلف گردد. از سوی آنجا که شکل‌گیری برخی فعالیت‌ها و کاربری‌ها در کنار یکدیگر به دلیل ایجاد تمرکز و رقابت و صرفه‌جویی در وقت و انرژی موجب تجمع و رونق بیشتر این مراکز کوچک می‌گردد این در حالی است که طراحی مناسب و شکل‌گیری در هم تنیده فعالیت‌های سازگار و همسود داخل مجموعه و یا در کنار این مراکز موجب رونق و احیای هرچه بیشتر آن‌ها خواهد بود. بدیهی است مرتفع نمودن نیازهای فرهنگی و اجتماعی که از رونق این مراکز منتج می‌گردد تأثیر مستقیم در رضایت‌مندی ساکنین محله و ارتقا کیفیت بافت‌های تاریخی خواهد داشت.



تصویر ۶: وجود کاربری‌های غیرمرتبط در کنار ورودی مساجد و آلودگی بصری نماهای مراکز (نگارندگان، ۱۳۹۰)

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

۸-۲-۳- افزودن فضای باز و نیمه‌باز و نیز افزایش سرانه‌های مراکز مذهبی

یکی از مشکلات مراکز مذهبی موجود در بافت تاریخی محله پشت گنبد آن است که این مراکز عمدتاً محصور، مسقف و دارای مقیاس‌های کوچک می‌باشند. وجود زمین‌های بایر، بناهای قدیمی فاقد ارزش، متروکه و مخروبه در کنار مراکز مذهبی و یا بافاصله‌های بسیار کم از آن‌ها از یک سو و کم بودن سرانه‌های فضای سبز، فضاهای فرهنگی و ورزشی محله از سوی دیگر این فرصت را فراهم می‌آورد که با طراحی مناسب و روزآمد این بخش‌ها همراه با پوشش گیاهی مناسب و نورپردازی کافی (هر دو مورد از نیازهای محله می‌باشند) و اتصال آن به مراکز مذهبی و قراردادن مالکیت این فضا در اختیار این مراکز می‌توان علاوه بر ایجاد فضاهایی امن، ایمن جهت حضور و تجمع شهروندان و ساکنین موجب رونق هرچه بیشتر مراکز مذهبی گردید. درواقع علاوه بر استفاده مناسب از این فضاها در راستای رفع نیازهای محله، می‌توان با افزایش فضای این مراکز امکان فعالیت بیشتر و مناسب‌تری را به وجود آورد. فعالیت‌هایی که بروز آن در فضاهای عمومی و باز بر شکوه و تأثیر آن بیافزاید.



تصویر ۷: فضاهای رها شده پشت گنبد
شیخ لطف‌الله و در کنار سایر مراکز مذهبی
دیگر (نگارندگان، ۱۳۹۰)

۸-۲-۴- توجه به ویژگی‌های کالبدی مراکز مذهبی

با فرض آنکه بتوان این مراکز را به صورت مراکز عمومی و در معرض دید ساکنین و شهروندان قرار داد در صورتی که این مراکز فاقد ارزش‌های بصری مناسب و ویژگی‌های

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاد فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

ارزشی کافی باشند نه تنها نقش این عناصر در احیای بافت‌های تاریخی کاهش می‌یابد بلکه باعث فاصله آن از سایر قسمت‌های بافت محله خواهد شد. در مقابل اگر وجوه کالبدی مراکز مذهبی در کنار سادگی و آراستگی دارای نشانه‌ها و نمادهای مفهومی اسلامی و ایرانی باشد علاوه بر شکوه و صلابت می‌تواند تبدیل به نمونه‌ای برجسته و تبدیل به الگویی شاخص برای ساخت بناهای محله گردد. استفاده از نمادها، عناصر، المان‌ها و فرما ارزشمند، تکرار این موارد و بروز ریتم‌های یکسان در محله علاوه بر ایجاد یکپارچگی باعث بروز هویت در محله و در نهایت ایجاد حس تعلق گردد. از سوی دیگر آراستگی همراه با سادگی و زیبایی نماها، بدنه‌ها و ورودی این مراکز می‌تواند خصوصاً در بافت ارگانیک و تاریخی محله پشت گنبد تبدیل به نشانه‌هایی گردد که علاوه بر خوانایی در بروز هویت بی‌تأثیر نخواهد بود.

۸-۲-۵- طراحی و ساخت هدفمند مراکز مذهبی

در حال حاضر با توجه به تراکم و ساختار بافت محله احداث کاربری مذهبی برخلاف گذشته با مشکلات بسیاری مواجه است. دیگر زمین‌های باز و نامحدود و مناسب برای هرگونه ساخت و سازی وجود ندارد در حالی که محل قرارگیری مساجد و مراکز مذهبی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. قرارگیری این مراکز در مسیرهای مناسب و سهولت در دستیابی به آن و نیز امکانات کافی در کنار این مراکز مانند محل پارک خودرو و... همگی عواملی است امکان استفاده از فضا را تسهیل کرده و باعث رونق و تأثیرگذاری این مراکز خواهد شد. فاصله مناسب این مراکز تا منازل مسکونی و تأمین سرانه‌های مناسب (شعاع عملکرد مناسب) از دیگر موارد مهم در انتخاب محل احداث این مراکز می‌باشد. همانطور که پیشتر نیز اشاره شد با کمبود سرانه مراکز فرهنگی، ورزشی و مذهبی و... در محله پشت گنبد مواجه هستیم، احداث مراکز جدید با جانمایی مناسب و ترمیم و مرمت بناهای مراکز موجود و نیز افزایش فضاهای اطراف آن‌ها در جهت افزایش امکانات و تسهیل در دسترسی و استفاده از آن می‌تواند موجب رونق و منشأ تأثیر در احیا و ارتقاء کیفیت محله گردد.



تصویر ۸: قرارگیری در نقاط شاخص از
مسیر جهت خوانایی و وضوح بیشتر
(نگارندگان، ۱۳۹۰)

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمّت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاد فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

۸-۲-۶- بهبود جانمایی و سلسله‌مراتب دسترسی

سلسله‌مراتب یکی از زیرشاخص‌های مهم عالم وجود می‌باشد. وجوه و جنبه‌های گوناگون این اصل را از منظر تمامی علوم و دانش‌های اسلامی و ایرانی می‌توان مورد شناسایی قرار داد. (علیمردانلو و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۸) طراحی شهری ایرانی-اسلامی، به نوعی بازتاب کاربرد کلیه اصول ساختاری موجود در طبیعت می‌باشد. کل‌های موجود در طبیعت از تعاملات کل‌های کوچک‌تر با مقیاس‌های مختلف در سلسله‌مراتبی که تا ساختار ماده پیش می‌رود، شکل گرفته‌اند. در شهرهای گذشته ما سلسله‌مراتب به صورت پیوسته در کلیه مقیاس‌ها از استخوان‌بندی شهر تا ترکیبات معماری مورد توجه بوده است؛ لیکن مرور تجربیات شهری معاصر نشان می‌دهد که لفظ سلسله‌مراتب به صورت صوری و غالباً موردی و موضعی مطرح بوده است نه اینکه مفهوم جامع آن (شامل موارد و مراتب لازمه و توجه به کلیت کالبد فضاهای شهری و معانی آن‌ها) مورد توجه قرار گیرد. در حقیقت چیدمان‌های شطرنجی و شبکه‌ای بسیاری از طرح‌های شهری امروز تنها خیال انسجام شهری را با خود به همراه دارند؛ زیرا که در طرح‌هایی که امروزه با اهداف مختلف برای شهرها ارائه می‌شوند، مقیاس‌های میانی و فضاهای اشتراکی به عنوان دو عنصر ایجادکننده سلسله‌مراتب و متعاقباً انسجام شهری مورد فراموشی قرار گرفته‌اند. (طبیعیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۳) از اینرو اصلاح سلسله‌مراتب دسترسی در محله با تأکید بر تقویت نقش مراکز مذهبی می‌تواند نقش فرهنگی این اجزا را دوچندان نماید.

۸-۲-۷- تقویت مشارکت عمومی

در شهر اسلامی هر فرد دارای حق و تکلیفی است و براین اساس شهروندان باید حق و حقوق یکدیگر را شناخته و رعایت کنند و در این شهر رعایت اصول شهروندی نیز یک ضرورت می‌باشد. مسجد محوری از زمان نبی اکرم (ص) آغاز شد و به مرور زمان تداوم آن مشهود است اما در شهر معاصر نقش فرهنگی اجتماعی مساجد کم‌رنگ شده است. از اینرو در طرح‌های مرمّت، با توجه به ارزش‌های اسلامی و فرهنگ اصیل ایرانی، می‌تواند به بستری جهت حضور و مشارکت عمومی در مراکز مذهبی تبدیل شود. آنچه که در تمامی دوران‌های شهرهای ایران مشترک بوده، حضور مردم و وجود روابط اجتماعی حاکم بر آن‌ها است که مهم‌ترین اصل در پویایی فضاهای شهری به حساب می‌آید. مشارکت شهروندان در فرایند احیاء شهرسازی ایرانی-اسلامی می‌تواند تأثیرات گوناگونی از جمله در افزایش انسجام اجتماعی، کاهش آسیب‌ها و تنش‌های ناشی از زندگی شهری معاصر داشته باشد.

۹- نتیجه‌گیری

شاید در یک نگاه کلی بتوان گفت یکی از راه‌حل‌های اصلی ارتقای نقش مراکز مذهبی و در نهایت مرمّت و احیای بافت‌های تاریخی بازگشت به مفهوم گذشته و اولیه مساجد و تکایا و در کل، مراکز مذهبی است. شکل‌گیری این مراکز در استخوان‌بندی اصلی شهرها و محلات و استفاده زیاد در زمینه‌های مختلف از این مراکز نشان از اهمیت آن در زندگی روزمره مردم شهر و اهمیت در ساخت و چگونگی شکل‌گیری محلات دارد. سادگی و درعین حال سرشار از رموز و راز و مفهوم و معنی بودن این مراکز و خلایق‌های ظرفیت و درخور توجهی که در این امکان مورد توجه قرار گرفته است چه به لحاظ کالبدی و چه از نظر مفهومی و محتوی فضاها نشان از ارزش و اهمیت آن در ساختار

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

شهر و زندگی مردم زمان خویش دارد. البته نمی‌توان کتمان نمود که فعالیت‌ها و معضلات در گذشته بسیار ساده‌تر و قابل حل‌تر از شرایط کنونی بوده و نیاز به مراکز و مراجع محدودتر بوده که در حال حاضر این مهم امکان‌ناپذیر نیست؛ اما الگوگیری کلی از گذشته چه از دیدگاه معمارانه آنکه سرشار از رموز، معانی و اسرار است و چه از دیدگاه شهرسازانه و کلی‌تر جهت رونق بخشی به این مراکز در کنار استفاده از تجربیات و آموخته‌هایی که به مرور زمان حاصل شده است می‌تواند کمک شایانی به احیای نقش مراکز مذهبی و در نهایت ارتقا طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری داشته باشد. توجه به نکته نیز ضروری است که اساس و بنیان پیدایش این مراکز بر اساس سادگی ظاهری و کالبدی آن بوده و توجه اصلی به محتوا و معنی موجود در این مراکز می‌باشد. عدم هماهنگی و توجه بیش از حد و نامعقول به این مراکز و شکوه ظاهری آن منجر به همان اتفاقی می‌شود که حاصل از بی‌توجهی به این مراکز است.

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاد فتحی، محمد مهدی رنوف
صص ۲۹-۴۸

منابع

- ۱- اریک ف. اشمیت (۱۳۷۶)؛ «پرواز برفراز شهرهای باستانی ایران»؛ ترجمه: آرمان شیشه‌گر، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور
- ۲- بریمانی، فرامرز و شعاع‌رآبادی، علی (۱۳۸۸) «بافت قدیم شهرها جلوه فرهنگ مادی و معنوی شهرهای اسلامی، مورد بافت قدیم شهر خواف»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۵، صص ۸۹-۱۱۲
- ۳- پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸)؛ «مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها»، چاپ اول، تهران، انتشارات پیام
- ۴- تقوایی، علی‌اکبر و معروفی، سکینه (۱۳۸۹)؛ «ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط، مطالعه موردی: مسجد امیر تهران»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۵، صص ۲۳۴-۲۱۹
- ۵- حبیبی، کیومرث و همکاران (۱۳۹۰)؛ «ارزیابی اثرات طرح‌های توسعه شهری بر ساختار شکنی و ارتقای کیفی فضای شهر کهن ایرانی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۴، صص ۲۸-۱۵
- ۶- حکیم، بسیم سلیم (۱۳۸۱)؛ «شهرهای عربی-اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمان»، ترجمه محمد حسین ملک‌احمدی، تهران، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۷- دانش، جابر (۱۳۹۰)؛ «مبانی معنوی شکل‌گیری شهر اسلامی»، مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۶۱-۵۸۹
- ۸- سلخی خسرقی، صفا (۱۳۹۰)؛ «تقابل الگوهای اجتماعی پایدار در غرب با اسلام شهرهای تاریخی ایران» مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۷۳۸-۷۰۵
- ۹- شعبی، عباس و شعبانی، نگین (۱۳۸۰) «مسجد به عنوان یک عنصر شهری»، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی معماری مساجد، افق آینده، جلد دوم، چاپ اول، تهران، دانشگاه هنر
- ۱۰- طاهرخانی، حبیب‌الله و توسلی، محمد مهدی (۱۳۸۵)؛ «مدیریت شهری: مدیریت بافت تاریخی شهرهای ایران (چالش‌ها و راهبردها)»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۸، صص ۱۰۷-۹۶
- ۱۱- طیبیان منوچهر و همکاران (۱۳۹۰) «بازتاب اصل سلسله‌مراتب در شهرهای ایرانی- اسلامی»، فصلنامه آرمانشهر، شماره ۷، صص ۷۶-۶۳
- ۱۲- علیزاده، هوشمند و حبیبی، کیومرث (۱۳۹۰)، «عوامل شکل‌دهنده شهرهای اسلامی-تاریخی مسلمانان»، فصلنامه مطالعات شهرهای ایرانی اسلامی، شماره ۳، صص ۷۶-۷۱
- ۱۳- علیمردانلو، سارا و همکاران (۱۳۸۹)؛ «سلسله‌مراتب دسترسی در باغ شاهزاده ماهان»، مجله کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۲، صص ۵۵-۴۶
- ۱۴- قربی، میترا و مدیری، آنوسا (۱۳۸۷)؛ «بهسازی بافت تاریخی با رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی، شهر کرمان»، اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، مشهد، صص ۱۲-۱
- ۱۵- کرباسی، عاطفه و سلطانی، علی (۱۳۸۳)؛ «طراحی معماری پشت گنبد مسجد عباسی اصفهان»، فصلنامه اثر، شماره ۳۶ و ۳۷، صص ۲۹۰-۲۸۵
- ۱۶- کردوانی، پرویز و مورد غفاری، ونوس (۱۳۹۰)؛ «توریسم و رویکرد نوسازی در طراحی بافت‌های تاریخی شهری، مطالعه موردی: شهر اصفهان»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، شماره ۳۰، صص ۳۱-۱۹
- ۱۷- کمیلی، محمد و خدائی، زهرا (۱۳۹۰)؛ «بررسی تطبیقی عناصر هویت بخش به شهر اسلامی؛ نمونه مورد مطالعه: شهر ری» مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۹۶۸-۹۴۳
- ۱۸- کیانی، اکبر و همکاران (۱۳۸۹)؛ «بررسی هویت شهری در بهسازی و نوسازی بافت‌های تاریخی، مطالعه موردی: شهر گور-فیروزآباد»، فصلنامه فضای جغرافیایی، سال دهم، شماره ۳۰، صص ۴۳-۲۱
- ۱۹- مهدوی‌نژاد، محمد جواد و مشایخی، محمد (۱۳۸۹) «بایسته‌های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی- اجتماعی»، فصلنامه آرمانشهر، شماره ۵، صص ۷۸-۶۷
- ۲۰- نوری‌یان، علیرضا (۱۳۹۰)؛ «ساختار معماری و شهرسازی ایرانی» مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۸۳۴-۸۱۵

بازتاب نقش اسلام (مذهب شیعه) در
شکل‌گیری تزئینات مسجد جامع دوره
صفویه در شهر اصفهان (تزئینات مسجد
جامع اصفهان)
میثم خانجان
صص ۴۹-۵۴



بازتاب نقش اسلام (مذهب شیعه) در شکل‌گیری تزئینات مسجد جامع دوره صفویه در شهر اصفهان (تزئینات مسجد جامع اصفهان)

میثم خانجان

پژوهشگر کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی ملایر

چکیده:

نگاه اجمالی به تاریخ معماری ایران و سایر تمدن‌های جهان نشان می‌دهد که همه آثار بزرگ معماری براساس اندیشه مدون و روشن شکل گرفته‌اند. این اندیشه گاهی ریشه در جهان‌بینی دارد، گاه در اسطوره و گاهی هم در سنت و عادت به این ترتیب می‌توان گفت که هر تمدن یا قومی در دوران مختلف براساس جهان‌بینی خاص خود، معماری خاصی را ارائه می‌دهد. پس از ظهور اسلام، معماران مسلمان سعی نموده تا از اصول و اعتقادات اسلامی در آثار خود بهره گرفته و هنری را ارائه دهند که از امور عبادی و اعتقادی آن‌ها شکل گیرد و در حد توان، آثارشان را به درجه‌ای از مقبولیت و شایستگی برسانند. تشکیل دولت صفوی سبب می‌گردد تا حیات عقلی شیعی به اوج خود برسد. هنرهای مختلف تجسمی در هویت بخشی به عناصر معماری ایرانی-اسلامی و تزئینات آن‌ها نقش ویژه‌ای داشته است. پژوهش حاضر، با روش تحلیلی-تفسیری و انجام مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی تزئینات مسجد جامع اصفهان پرداخته است که سعی بر آن دارد با گشایش دریچه‌ای نوبه شناخت تزئینات معماری دوره صفویه این هنر اصیل ایرانی اسلامی، حیات تازه‌ای ببخشد.

کلمات کلیدی: اسلام، تزئینات، مسجد جامع اصفهان، دوره صفوی.

بازتاب نقش اسلام (مذهب شیعه) در
شکل‌گیری تزئینات مسجد جامع دوره
صفویه در شهر اصفهان (تزئینات مسجد
جامع اصفهان)
میثم خانجانی
صص ۴۹-۵۴

مقدمه

تشکیل دولت صفوی در قرن (۷۱ م) دهم هجری سبب می‌گردد تا حیات عقلی شیعی به اوج خود برسد. استقرار دولت صفوی در اصفهان فرصتی است که این دولت آرمان شهر خود را بر مبنای آرای حکمی بنیان گذارد. حکمتی که در سراسر عصر صفوی در عراق، سوریه و هندوستان رواج یافت و از آن به عنوان مکتب اصفهانی نام برده شد. آن چیز که در مکتب اصفهان و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است بیان هماهنگی و هم‌آوای فضای شهری می‌باشد. برنامه‌ریزی و طراحی فضای شهرهای اسلامی و به‌کارگیری معماری اسلامی برای ایجاد ابنیه، میدان و... سبب می‌شود که مکتب اصفهان به تبع جهان‌بینی حاکم به وحدت بیانی دست یابد. این مکتب شهر قدیم را مورد بررسی قرار نمی‌دهد بلکه با ایجاد مجموعه‌های نودیدگاه‌های جدید را ارائه می‌دهد. (فخاری، حقانی: ۱۳۹۴). هنراز دیدگاه اسلامی عبارت است از ساخت و پرداخت اشیاء بروفق طبیعتشان که خود حاوی زیبایی بالقوه است. بر این اساس وظیفه هنرمند مسلمان فقط این است که زیبایی را که جوهر هنراست، بر آفتاب اندازد و شرافت ماده را که از ذات حق بهره می‌گیرد، عیان سازد (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۱۳۴). ویژگی هنر اسلامی این است که پیوسته با روح اسلام سازگاری داشته باشد و این سازگاری دست کم در مظاهر اصلی آن مانند معماری مکان‌های مقدس نمودار است. هنر اسلامی به زیبایی اهتمام دارد، زیرا از میان همه صفات الهی که در این جهان متجلی شده، بیش از همه یادآور هستی مطلق است. بورکهارت در جایی دیگر می‌گوید: "هنر اسلامی خود همان مفهومی است که از نامش برمی‌آید، بی‌هیچ ابهامی" (همان ۱۶). هنر اسلامی یعنی هنری که در تمام مظاهر زندگی انسان ظاهر شده به‌طوری‌که شمول هنراز فلسفه و عرفان نیز در زندگی یک مسلمان بیشتر است (اعوانی، ۱۳۷۵: ۳۴۲). در آغاز کار هنر اسلامی وحدت فلسفی نسبی این هنر وحدت فلسفی هنرهای قبلی را استمرار بخشیده است. با این همه، آنچه بیش از هر امر دیگر، در میان بخش‌های مختلف هنر اسلامی حافظ وحدت آثاری است که مهر و نشان اسلامی دارند، خود اسلام است و عامل مذهبی بیش از هر عامل دیگر مؤثر و دائمی بوده است (مارسه ۱۷۳: ۱۳۷۳). تزئینات در مساجد و به‌ویژه تزئینات محراب در هر دوره تاریخی مدنظر معماران از جمله معماری دوره اسلامی بوده و هست. در این پژوهش، تزئینات مسجد جامع اصفهان بررسی و تحلیل شده است.

سؤال تحقیق:

بازتاب نقش اسلام (مذهب شیعه) در شکل‌گیری تزئینات مسجد جامع اصفهان چگونه بوده است؟

روش تحقیق:

این مقاله که حاصل مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد، به شیوه توصیفی - تطبیقی، سعی در واکاوی و بررسی نقش معنویت و توجه به عالم معنا در مسجد جامع اصفهان و در انتها با نتایج سنجیده سعی در کشف ماهیت و روابط بین متغیرها و اصول و قوانین را خواهد داشت.

پیشینه تحقیق:

در مسجد جامع اصفهان لایه‌ها و سطوح تزئینی همواره از ارکان مهم معماری محسوب می‌گردد. کشیدن نقاشی از تصاویر افراد یا شخصیت‌ها در مساجد اسلامی از ابتدا مجاز نبوده اما به‌کارگیری روش‌های دیگر مانند نقوش هندسی و یا طبیعت انتزاعی

بازتاب نقش اسلام (مذهب شیعه) در
شکل‌گیری تزئینات مسجد جامع دوره
صفویه در شهر اصفهان (تزئینات مسجد
جامع اصفهان)
میثم خانجان
صص ۴۹-۵۴

به صورت تزئینی مورد توجه بوده است. در مسجد جامع اصفهان بسیاری از سطوح و فضاهای مسجد با روش‌های مختلف تزئینی آراسته شده است که متعلق به ادوار مختلف تاریخی است که به اختصار به شرح آن می‌پردازیم. به طور کلی تزئینات اجرا شده در مسجد جامع اصفهان مجموعه‌ای از هنرهای تزئینی را در طول تاریخ شهر و تحولات معماری مسجد معرفی می‌نماید. برخی از این تزئینات بعداً در مساجد دیگر اجرا شده است و برخی دیگر مانند کاشی‌های الوان دوره تیموری به لحاظ طرح منحصر به فرد است، ولی آنچه اهمیت دارد، به کارگیری مجموعه‌ای از هنرهای تزئینی به ویژه ترکیب آجر و کاشی برای نخستین بار است که وحدت و یکپارچگی جذاب و بی‌نظیری را در طول تاریخ برای مسجد جامع اصفهان به ارمغان آورده است.

۱. حکمت هنر اسلامی:

هنر اسلامی در زمینه‌های گوناگون دارای پایگاهی والا و چشمگیر بوده و منشأ فعالیت مسلمانان در جهان و مایه ربط هنرمند اسلامی با هنرش اصولاً توحید است و هنرمند مسلمان تنها از یک منبع گران قدر بهره می‌گیرد که آن قرآن کریم است و ایمان، پیوسته نقش آفرین هنر اسلامی است و این چیزی است که جاودانه و معتبر خواهد بود. در مقام مقایسه میان هنر اسلامی و هنرهای غرب و شرق یک محدودیت دیده می‌شود. و با وجود آن هنر اسلامی دارای ویژگی‌های منحصر به خویش است. مثال سبک معماری اسلامی با نقوش، تصاویر خطوط و تزئینات خود در سراسر اسلام صورت ویژه‌ای دارد (جی دوری ۱۳۶۳، ۳، ۴، ۹). هدف هنر اسلامی به طور کلی ایجاد فضایی است که بشر را در مسیر شناختشان ازلی خویش یاری می‌رساند... هیچ چیز نباید بین انسان و حضور غیبی خداوند فاصله اندازد (بورکهارت ۱۴۶، ۱۳۸۱).

۲. معماری ایران در دوره صفویان:

بعضی سبک‌های معماری که ایرانیان از هنرهای کهن به ارث برده بودند و در فلات ایران و شهرهای جزیره العرب و عراق رواج داشت، مانند ایوان‌هایی با ستون‌های بلند و درگاه‌هایی با طاق‌های بزرگ بر نقشه بناهای ایرانی در اسلام تأثیر نهاد؛ چنان‌که بناها در بعضی مناطق ایران بنابر آداب و رسوم محلی و آب و هوا تفاوت دارد مثلاً در نواحی شمال که هوا سرد است مردم به مساجد سقف دار بسته گرایش دارند. در حالی که مردم نواحی جنوب به ساختن مساجد دارای صحن و ایوان‌های باز روی می‌آورند؛ اما نقشه ساختمان اسلامی ایران در آخرین سالگی بود و معماران این آخرین سالگی را با توجهی که به تزئین و استفاده از رنگ‌های شاد به صورت پوشش سفالی می‌کردند، در واقع تضادی سترگ میان سادگی نمای بیرونی ساختمان‌های ایرانی و جذابیت سحرانگیز و سرشار و ثروت تزئینات عجیب درون آن دیده می‌شود. آنچه بر تزئینات ساختمان‌های ایرانی اسلامی می‌افزاید، شکوه نقاشی‌ها از نظر تعادل، تناسب و ذوق سلیم است و معماران با تقسیم دیوارها به باریکه‌های قائم یا حاشیه‌های بزرگ که باعث تناسب سطح و هلال و درعین حال تکرار در سبک‌های اسلامی به طور کلی می‌شود، کاهش می‌دهد. (فخاری، حقانی: ۱۳۹۴، ۸). به راستی ویژگی و امتیاز معماری اسلامی در ایران، گوناگونی عناصر معماری آن نیست و بیشتر ذوق سلیم، وضوح، دقت، تناسب درست و سنجیده و آمیختن همه آن عناصر و سازگاری میان آن‌ها است (یاوری، ۱۳۹۰، ۱۵۱).

بازتاب نقش اسلام (مذهب شیعه) در
شکل‌گیری تزئینات مسجد جامع دوره
صفویه در شهر اصفهان (تزئینات مسجد
جامع اصفهان)
میثم خانجانی
صص ۴۹-۵۴

۳. تزئین در هنر اسلامی و در معماری صفویه:

در تزئین اسلامی چه بر روی بناها هر نقش مایه جزئی از کل است و یا تأثیر متقابل و روی هم قرار گرفتن انواع طرح‌ها و مواد مختلف حاصل می‌شود و هر کدام از آن‌ها ماهیت خود را در درون کل نشان می‌دهند. تزئینات به ظاهر ساده، اما بعضاً بسیار پیچیده و پرکاربرد هندسی که معمولاً یا به صورت منفرد و بر سطح آثار، روی دیوارها، سقف و کف بناها و یا در ترکیب هماهنگ با دیگر طرح‌های سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. برای قسمت‌های داخلی بناها مانند در، پنجره سقف و یا کف اتاق مواد مصالح به کار رفته برای طراحی، به پیروی از شکل‌های هندسی به کار گرفته شده‌اند. هر کدام از اجزای تزئینی هنر اسلامی، شامل نقوش هندسی، اسلیمی‌ها، کتیبه‌ها، رنگ‌ها همگی به خاطر داشتن معانی و مفاهیمی خاص انتخاب و در کنار یکدیگر قرار داده شده‌اند و علاوه بر ذوق هنری و دید زیبایی‌شناسی هنرمندان سنتی، گویای افکار، عقاید و ارزش‌های حاکم بر زندگی اجتماعی دوره صفویه هستند (فصلنامه هنرهای تجسمی نقش مایه، سال پنجم، شماره ۱۱، سال ۱۳۹۱).

۴. سبک معماری دوره صفویه

بهتر آنست که سبک بناهای صفوی با توجه به کمیت و تنوع آن‌ها با تمرکز در سه ناحیه عمده بررسی و ارزیابی شود:
ابنیه سده هفدهم اصفهان، آرامگاه‌های بزرگ، معماری غیر مذهبی سده هفدهم. بهترین معماری این دوره آنست که مفهومی منسجم از ارزش‌های فضائی دارد. این مفهوم تماشائی ترین وجه خود را در مناظر کلی به نمایش می‌گذارد که در آن هر بنائی بناهای مجاور را تکمیل می‌کنند. این مفهوم در سطح وسیعی از معماری منظرهای چهارباغ بیان شده یعنی جایی که به نظر می‌آیند و به طور سنجیده فرع بر منظره‌پردازی خیابان قرار گرفته‌اند. معماری صفوی محتاط است. این معماری با حجم‌ها و توده‌های عظیم سروکار دارد و سطوح نرم و ساده را بر سطوح پیچیده و بغرنج ترجیح می‌دهد. طاق بندی که اساس و ذات هر نوع معماری خط خمیده است، به جز در چند ساختمان زیارت گاهی نظیر ماهان، یکنواخت و تکرار شونده است. هنگامی که معمار دوره صفوی تردیدی می‌کرده، چند ردیف دیگر از کندوهای مقرنسی دیگر می‌ساخته است. گنبد‌های دوره صفوی از الگوهای دوره تیموری و ایلخانی، نه جلوتر، پیروی کرده‌اند. (آژند، ۴۸۸، ۴۸۶، ۱۳۸۹)

۵. تحلیل تاریخی مسجد جامع اصفهان

اگر تاریخ ایران را به سه دوره پیش از تاریخ، دوره ایران باستان و دوره اسلامی تقسیم بندی کنیم، به ترتیب معبد چغازنبیل، مجموعه مسجد جامع اصفهان خرقة‌ای است هزارگون به ارث رسیده از گذشتگان که در طول ۱۲ قرن هر وارثی نقشی بر اندام آن انداخته است، تخت جمشید و مسجد جامع اصفهان بهترین گزینه‌های معماری این دوران هستند.

۶. تزئینات معماری دوران صفویه

از مهم‌ترین ویژگی‌های عمده تزئینات در دوره صفوی، می‌توان به تبعیت از قاعده‌های تقارن، انعکاس، تکرار و نظم هندسی اشاره کرد که حرکت با زمان و مکان را در وحدتی ادغام می‌کند که تالیتناهی در فضا بسط می‌یابد (مرتضایی، ۱۳۸۱). در اکثر بناهای دوره صفویه، چنین نظم هندسی را در کنار تزئینات دیگر به سادگی می‌توان یافت. نظمی که کثرت و وحدت را در نظام آفرینش و در مجموعه‌ای ساخته دست انسان با الهام از طبیعت به نمایش می‌گذارد. معمار سنتی این دوره از طریق صور هندسی، فضا

بازتاب نقش اسلام (مذهب شیعه) در
شکل‌گیری تزئینات مسجد جامع دوره
صفویه در شهر اصفهان (تزئینات مسجد
جامع اصفهان)
میثم خانجان
صص ۴۹-۵۴

را قبضه می‌کند و با تکرار متقارن نقوش، به صورت مسلسل یا مدور، فضای پرتحرکی را خلق می‌کند که همچون یک قطعه موسیقی پرشکوه، تعبیر می‌شود. به عنوان مثال، نقوش هندسی مسجد حکیم اصفهان را می‌توان مصداق این هماهنگی و ضرب آهنگ یکنواخت صور هندسی قلمداد کرد (ماهرالنقش، ۱۳۷۶).

۷. ارزش‌های تزئینی مسجد جامع:

در مسجد جامع اصفهان لایه‌ها و سطوح تزئینی همواره از ارکان مهم معماری محسوب می‌گردد. کشیدن نقاشی از تصاویر افراد یا شخصیت‌ها در مساجد اسلامی از ابتدا مجاز نبوده اما به کارگیری روش‌های دیگر مانند نقوش هندسی و یا طبیعت انتزاعی به صورت تزئینی مورد توجه بوده است. در مسجد جامع اصفهان بسیاری از سطوح و فضاهای مسجد با روش‌های مختلف تزئینی آراسته شده است که متعلق به ادوار مختلف تاریخی است (سجاد زاده، بیگی ملک‌آباد، ۱۳۹۲).

۸. منشأ قداست و فضای معنوی ایجاد شده توسط کتیبه‌های قرآنی

معماران و هنرمندان مسجد جامع اصفهان با عشق و علاقه‌ای خاص علاوه بر نگارش و نمادپردازی معنا و مفهوم ذات احدی به طراحی اسماء مقدس به شکلی لطیف و زیبا در فضاهای مسجد پرداخته‌اند. تزئینات خطی علاوه بر زیباسازی صوری فضا، در بالا بردن کیفیت روحانی و وحدانی مسجد، نقش مؤثری را ایفا نموده‌اند. اهمیت و کاربرد کتیبه‌های قرآنی در اماکن مذهبی علی‌الخصوص مسجد جامع اصفهان از نقطه نظر ایجاد فضایی معنوی و عرفانی و کمک به توجه و تمرکز مؤمنین در عبادت و نیایش پروردگار برکسی پوشیده نیست. در این بین، گروهی از کتیبه‌ها با مضامین دعایی هستند که در اهمیتی یکسان فضاهای این گونه اماکن را با مضامین درونی خود عطرآگین معنویت و مضامین روحانی کرده‌اند. بر اساس نگرش مذهبی، استفاده از اسماء جلاله خداوند پیامبر (ص) و ائمه (ع) در مسجد و محیط‌های مذهبی بروحدرت معنوی و تقدس آن‌ها می‌افزاید (سجاد زاده، بیگی ملک‌آباد، ۱۳۹۲).

۹. تجسم توحید در قالب شمسه

شمسه در لغت به معنای خورشید است و وجه تسمیه آن به علت آن بوده که طرح یا نمایی از خورشید را تجسم می‌بخشد تجسم نمادین شمسه جایگاه مهمی را در هنر ایران به خود اختصاص داده و در دوران‌های متمادی مورد توجه هنرمندان قرار گرفته است. این نقش دارای مفاهیم نمادین فراوانی است و بیانی بیش از یک نقش تزئینی دارد. در قبل از اسلام خورشید، نماد روزنه‌ای بوده است که نور الوهیت از طریق آن بر زمین جاری می‌شده است. در هنر اسلامی شمسه از نقش خورشید الهام گرفته شده و در اکثر هنرهای تزئینی چه در آثار مذهبی، مثل تذهیب صفحه آغازین قرآن، تزئین داخل و بیرون مساجد، بناهای مذهبی و یا دیگر هنرها به فور مورد استفاده قرار گرفته است (سجاد زاده، بیگی ملک‌آباد، ۱۳۹۲).

شمسه یا خورشید نیز در نزد عرفا و متصوفه اسلامی نماد انوار حاصل از تجلیات الهی و حقیقت نور خدا و ذات احدیت است. همچنین اشاره به وحدت نیز هم هست. بدین لحاظ هنرمندان در مسجد جامع اصفهان و بسیاری از آثار خود مفهوم کثرت در وحدت و وحدت در کثرت را با استفاده از این طرح بیان کرده‌اند. از سوی دیگر استفاده از نقوش مزبور در امر تزئین را می‌توان نوعی تأسی و تبعیت هنرمندان از پروردگار جهانیان نیز محسوب داشت زیرا خداوند می‌فرماید: «انا زینا السماء الدنيا بزینه الكواكب» یعنی از آنجاکه خداوند از ستارگان برای تزئین آسمان استفاده کرده هنرمندان تزئین

بازتاب نقش اسلام (مذهب شیعه) در
شکل‌گیری تزئینات مسجد جامع دوره
صفویه در شهر اصفهان (تزئینات مسجد
جامع اصفهان)
میثم خانجان
صص ۴۹-۵۴

کار نیز به تأسی از این سنت از نقوش ستاره‌ای در تزیین بهره برده‌اند. بعضی از منابع
خورشید را به عنوان نمادی از ذات الهی تجسم نموده‌اند؛ اما در بعضی از منابع دیگر،
خورشید را نمادی از پیامبر اسلام ذکر کرده‌اند و این مطلب از ترجمه آیه ۱۴۷ سوره نساء
به وضوح قابل درک است. (همان)

نتیجه‌گیری:

هنر اسلامی یا هنرهای مسلمانان به بخشی از هنر اطلاق می‌شود که در جامعه
مسلمانان و نه لزوماً توسط مسلمانان رواج داشته است. مسجد جامع اصفهان،
تجربیات معماری هزار ساله مسجد سازی به ویژه خلق طرح مسجد ایرانی را در بردارد
و به همین لحاظ می‌توان بسیاری از سبک‌های تاریخ معماری ایران و کشورهای
همسایه را در آن شناسایی نمود. این الگوبه سرزمین‌های مسلمان‌نشین خارج از ایران
نیز تسری پیدا نمود. نور در مسجد جامع اصفهان عنصر برجسته معماری اسلامی و
ایرانی است. مسجد جامع اصفهان معرف شیوه‌های مختلف معماری و هنرهای
تزیینی ده قرن تاریخ اسلامی ایران است. در مجموعه ساختمان‌های این مسجد
مکتب خاص معماری ایران از اوایل اسلام تا عصر حاضر می‌باشد و جز معماری
جهان اسلام است که با تزئینات بسیار زیبا هر بیننده‌ای را غرق در عظمت و شکوه
این بنای جاودان می‌نماید.

منابع:

- بورکهارت، تیتوس، هنر اسلامی، زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، نشر سروش، ۱۳۶۵
- اعوانی، غلام‌رضا، مجموعه مقالات حکمت و هنر معنوی، تألیف و ترجمه غلامرضا اعوانی، تهران، نشر سروش، ۱۳۷۵
- مارسه، ژرژ، هنر دنیای اسلام یا هنر مسلمانان؛ ترجمه حسن حبیبی؛ انتشارات روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۳
- فخاری، مریم، حقانی، حمیده، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم جغرافیا، برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی سازه‌های مکتب اصفهان در معماری اسلامی در دوره صفویه ۱۳۹۴
- جی دوری، کارل، هنر اسلامی، ترجمه رضا بصیری، تهران انتشارات یساوی - ۱۳۶۳
- بورکهارت، تیتوس، ابراهیم، هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری، تهران، انتشارات سروش ۱۳۸۱
- یاور، حسین، ۱۳۹۰، اصفهان باغ آسمان، تهران: آذر انتشارات سیمای دانش
- فصلنامه هنرهای تجسمی نقش مایه، سال پنجم، شماره ۱۱، تابستان ۹۱
- مرتضایی، سیدرضا، رهیافت‌هایی در طراحی مبلمان شهری، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، ۱۳۸۱
- ماهرالنقش، محمود، معماری مسجد حکیم، تهران، سروش، ۱۳۷۶
- دو فصلنامه تخصصی دانش مرمّت و میراث فرهنگی سال پنجم شماره ۳ و ۴. تابستان و پاییز ۱۳۸۸
- مردانی مهرآبادی، حمیده، فلسفه هنرمالصدا و باغ ایرانی، سایت مرجع معماران، ۱۳۹۲
- آژند، یعقوب، معماری ایران در دوره صفویان، پژوهش از دانشگاه کمبریج. انتشارات جامی، ۱۳۸۹



بررسی نقوش و تزیینات کاشیکاری مسجد کبود گنبد کلات نادری

عطیه کلاتی

کارشناسی ارشد هنر اسلامی، موسسه غیرانتفاعی فردوس مشهد،
atakalati714@gmail.com

چکیده:

مسجد به مثابه اولین تجلی هنر اسلامی، به همراه نقوش و تزیینات به کاررفته در آن - که در مسجد و اماکن مذهبی رکن اصلی را ایفا می کنند - از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این راستا در محدوده خراسان بزرگ از دوره های مختلف، مساجد زیادی ساخته شده که مسجد کبود گنبد از جمله آن هاست. این مسجد که در این مقاله، تزیینات آن مورد بررسی قرار گرفته، خبر از هنر، هنرمندان آن دوران می دهد که سبک و شیوه هنری واحدی داشتند و در تزیین مساجد خود، معانی و مفاهیم الوهیت و بندگی را در نظر گرفته و در سایه رنگ ها و تزیینات جلوه الهی را در نزد بیننده و نمازگزار مسلمان به نمایش می گذاشتند. هنرمند مسلمان با استفاده از انواع آرایه های هندسی و گیاهی در بناهای اسلامی به نوعی این آرایه ها را وسیله ای در جهت بیان عقاید دینی و مذهبی خود قرار داده است. درگیری این آرایه ها با ایمان و عقاید مذهبی نوعی جاودانگی، اصالت و خلوص را در آن ها بازتاب می دهد. با دریافت مفاهیم نمادین نقش و نگارها در معماری تزیینی اسلامی و ریشه یابی آن ها می توان به شناخت ذهن و اندیشه معماران و در نتیجه به فرهنگ و جهان بینی و تالو آرمان ها در آن جامعه دست یافت. مساجد زیادی بعد از حضور اسلام در این سرزمین بنا شده است که در ظاهر تزیینات تمام این مساجد یکسان به نظر می رسد و اگر با نگاهی دقیق به مساجد بنگریم وجود خلاقیت ها و سبک هایی را می بینیم که خاص هنرمند، معمار، کاشیکار مسجد و دوره ساخت بوده است. بر این اساس سؤالات تحقیق به ترتیب شامل موارد ذیل است

- ۱- تزیینات کار شده در این مسجد به چه انواعی تقسیم می شوند؟ ۲- بیشترین بخش تزیینات شامل چه انواعی می باشند؟ ۳- این مسجد دوره های تاریخی مختلف شاهد چه تغییراتی در تزیینات خود بوده است؟ اهداف مقاله: - بررسی و مطالعه نقوش کاشیکاری به لحاظ، رنگ، طرح، نقش در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تاریخی و استفاده از منابع کتابخانه ای، عکاسی از فضای مسجد و بازدید میدانی به بررسی تزیینات و نقوش این مسجد پرداخته شده است. و سعی شده با قرار دادن تصاویری متنوع و زیبا بیننده را در فهم مطلب یاری می رساند.

کلمات کلیدی: تزیینات، کاشیکاری، مسجد کبود گنبد، کلات نادر.

بررسی نقوش و تزیینات کاشیکاری مسجد
کبود گنبد کلات نادری
عطیه کلاتی
صص ۵۵-۶۶

مقدمه

در ادوار اسلامی بناهای بسیاری مانند مساجد، مدارس، مقابر، کاخ‌ها و حمام‌ها و حتی پل‌ها به یکی از انواع کاشی تزیین گردید و تقریباً از اواخر قرن ۴ هجری به بعد کمتر بنایی را می‌توان یافت که با کاشی آرایش نشده باشد. (زمرشیدی ۱۳۸۵، ص: ۱۴).

شاخص‌ترین عنصر تزیینی در معماری اسلامی کاشی است، تقریباً از اوایل دوره ایلخانی کمتر بنایی می‌توان یافت که در آن از تزیینات کاشیکاری استفاده‌ای نشده باشد، بنابراین نقش این عنصر تزیینی از دو جنبه حائز اهمیت است:

الف) استحکام ب) زیبایی

آرا و اقوال گوناگون راجع به دلیل استفاده از کاشی مطرح شده است اما بیشتر نظرها معطوف به مسئله زیبایی شناختی تزیینات است و مسئله استحکام در درجه دوم اهمیت قرار دارد (مکی نژاد، ۱۳۸۱، ص: ۶۸)

استفاده از کاشیکاری در بناها علاوه بر معانی و مفاهیمی که شرایط زندگی اجتماعی، سیاسی، مذهبی آن دوره‌ها را نشان می‌داد، نمایانگر خلاقیت‌های هنرمندان مسلمان نیز هستند. هنرمندانی که در کنار استفاده از سبک‌های و تکنیک‌های هنری مرسوم خلاقیت و ذوق خود را در آثارشان به نمایش می‌گذاشتند، حاکمان نیز تأثیر زیادی در شکل‌گیری بناها و تزیینات آن‌ها داشتند چنانکه سعی می‌کردند، در سایه مذهب و ارزش نهادن به والاترین عنصر معماری اسلامی، محبت خود را در دل مردمان افزایش دهند و هم اقتدار خود را بیشتر نمایند، کماکان نیز مسجد جایگاهی والا است و اکنون این مسجد محل برگزاری بسیاری مراسم مذهبی است، با وجود این تزیینات صحن حیاط مسجد به شدت آسیب دیده است و نشانی از انجام مرمت در آن نیست.

- پیشینه تحقیق

پیش از این از طرف سازمان میراث فرهنگی در مورد مسجد کلات و فضای آن تحقیقاتی صورت گرفته و فضای مسجد به صورت میدانی بررسی شده است. محمد رکنی ۱۳۷۷ در گزارش پی‌گردی مسجد کبود گنبد از معماری بنا صحبت کرده و طی آن به بررسی فضاهای معماری این مسجد پرداخته و اشاره مختصری به تزیینات کاشی‌کاری آن نموده است. نمونه دیگر مقاله مسجد کبود گنبد کلات، سید محسن حسینی ۱۳۷۹ بوده که در مورد معماری مسجد و تاریخ آن صحبت نموده و در آن تاریخچه بنا را مورد بررسی قرار داده و به تزیینات کار شده در مسجد اشاره نموده است. وحدت شاکری حسن امیری ۱۳۸۵ در قسمتی از کتاب دژ خدای آفرین از این مسجد و تاریخچه بنای آن صحبت کرده است. حسین زمرشیدی و زهرا زمرشیدی ۱۳۹۳ در مقاله معماری مساجد ایران و هنرهای قدسی آن مسجد کلات را نیز نام برده و به تزیین ساقه گنبد آن با نام حضرت علی و ارادت نادر به ایشان اشاره کرده است. هانا جهان‌بخش و هانیه شیخی ۱۳۹۴ در پژوهشی پیرامون جایگاه تزیینات و نقوش کاشی‌کاری در مساجد ایران به این مسجد نیز اشاره کرده و به تزیینات کار شده در آنکه شامل تزیینات کاشی هفت‌رنگ، کاشی نره و... اشاره کرده است و تنها از انواع کاشی‌کاری که در مسجد کار شده نام برده است؛ اما تاکنون از نقش‌ها و تزیینات مسجد که با تصاویر گویا تزیینات را شرح دهند تحقیق و پژوهشی انجام نشده است.

- روش تحقیق

در این مقاله با استفاده از روش توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مشاهده و بازدید میدانی به بررسی تزیینات و نقوش این مسجد پرداخته شده است.

- مبانی نظری تحقیق

- ساختار معماری مسجد کبود گنبد

از آثار تاریخی شهرستان کلات مسجد کبود گنبد می باشد. سبک معماری این مسجد اصفهانی^۱ نوع گنبد آن، دو پوشش گسسته با پوشش بیرونی ناراست. مثل بیشتر مساجد یک هشتی ورودی دارد و صحن چهار ایوانی و شبستانی که از صحن آن بزرگ تر می باشد. یکی از بخش های ارزشمند این مسجد گنبدخانه آن می باشد که در بخش خاوری آن قرار دارد. گنبدخانه دارای دو ورودی است که یکی به داخل ایوان خاوری و دیگری به بخش بیرونی مسجد راه می یابد. نکته ای که در این مسجد وجود دارد این است که؛ برخلاف اکثر مساجد چهار ایوانی که گنبد در پشت یکی از ایوان ها و در راستای یکی از محورها قرار می گیرد، در این مسجد گنبد در خارج از محورها و دوگانه بنا قرار گرفته است و این موضوع را سندی دال بر اینکه گنبد پیش از بخش های دیگر ساخته شده دانسته اند. (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۶۹)

اسناد مقبره بودن این مسجد قبل از اضافه شدن الحاقات بعدی در آن بسیار زیاد است و در پژوهش های باستان شناسی قدیمی تر بودن بافت مسجد نسبت به گنبد آن بررسی و شناسایی شده است، شواهد باستان شناسی گویای این مطلب است که گنبدخانه هم زمان با دیگر بخش ها ساخته نشده است. در پی گردی سال ۷۶ مشخص شد که آجرهای پی گنبد با دیگر بخش های ساختمان مسجد همکلاف نیست و این رویداد ساختمانی نشان دهنده ساخته شدن گنبدخانه با فاصله زمانی است.

علاوه بر آن مانند بقیه مساجد چهار ایوانی تناسبات لازم را ندارد، داخل دو تا از ایوان ها پنج ضلعی و دو تا سه ضلعی است. این امر را هم دلیلی مشخص بر اینکه فضاها و تزیینات معماری در دوره های مختلفی شکل گرفته است دانسته اند. ساخت وسازها و تزیینات معماری که در این مسجد صورت گرفته و دوره های بعد از آن، بیشتر مربوط به افشاریه و قاجاریه است.

نادرشاه که در شهر کلات مردم را از ادیان مختلفی دور هم جمع کرده بود و شاید این مسجد و گنبد زیبای آنکه از آثار خوب دوره افشاریه است، هنری از مردمانی باشد که نادر به این مکان کوچانده است.

- بررسی گنبد

گنبد کبود، گنبدی است که در دوره نادر قسمت اصلی کاشی کاری آن انجام شده است و با وجود کشمکش های نادر و اینکه در دوران حکومت خود دائم درگیر جنگ بود اما کاشی کاری گنبد و معقلی های آن از آثار خوب و خاص دوره اوست.

این گنبد شکلی استوانه ای دارد با ۲۵ متر ارتفاع و ۱ متر قطر. مسجد را به خاطر کاشی نره لاجوردی که در قسمت بالایی آن کار شده کبود نامیده اند. پوشش بیرونی گنبد به وسیله کاشی نره، کاشی زیرنگی در رنگ های فیروزه ای، لیمویی زرد و لاجوردی، سفید تزیین گردیده است. (گزارش پی گردی مسجد کبود گنبد، ۱۳۷۷: ۱۰).

شاید در برهه ای از زمان این مطلب باعث خنده می شد چون تمامی این تزیینات دچار صدمه شده بود و در آن قسمت حتی خار و خاشاک سبز شده بر روی آن چیزی دیده نمی شد.

استفاده از کاشی هفت رنگ، مهم ترین عامل تزئین در بنای مسجد کبود گنبد شهرستان کلات نادر بوده که با استفاده از نقوش اسلیمی و گل و بوته در لچکی های بالای ایوان و رواق ها به کار رفته است، ترمیم و مرمت هایی که از سال ۶۲ به بعد انجام شده است، شامل تهیه و نصب کاشی نره^۲ لاجوردی پوشش گنبد می باشد که بسیار

بررسی نقوش و تزیینات کاشیکاری مسجد

کبود گنبد کلات نادری

عطیه کلاتی

صص ۵۵-۶۶

۱- شیوه اصفهانی نام آخرین نوع شیوه معماری سنتی ایرانی است.

۲- برای پوشش گنبدها بندرت کاشی معرق یا هفت رنگ بکار می برند، در پوشش گنبدها اغلب از نوعی کاشی بنام کاشی نره ای استفاده می شود، تفاوت کاشی معمولی با کاشی نره ای در ضخامت گل پشت لعاب کاشی است. ضخامت کاشی معمولی بین ۱/۵ تا ۲ سانتی متر است در حالی که ضخامت کاشی نره ای به ۴ تا ۵ سانتی متر می رسد.

تخریب شده بود، از اشکالاتی که بر مرمت بنا گرفته‌اند، تشخیص ندادن قسمت‌های
مرمت شده از بخش‌های اصلی است.
تزیینات گنبد و صحن مسجد را به ۳ نوع می‌توان تقسیم نمود:

- بررسی تزیینات مسجد کبود گنبد کلات

«به‌طور کلی انواع نقوش تزیینی را می‌توان به چند گروه اصلی، نقوش حیوانی، نقوش
نباتی یا گیاهی، کتیبه‌های حاوی خطوط تزیینی و نقوش هندسی یا گره‌گروه‌بندی
نمود، از آنجاکه در هنر اسلامی خلق تصاویر انسانی و حیوانی ممنوع گردیده است، این
نقوش را بندرت در تزیین‌های اسلامی می‌بینیم. هنرمند مسلمان به ایجاد تزیین‌هایی
پرداخت که عنصر اصلی آن اشکال هندسی و نقوش انتزاعی بود.» (حیاتی، آقا
محمدی، ۱۳۹۵: ۱۲).

در این بنا با ۳ دسته از این تزیینات مواجهیم:

- تزیینات هندسی - نقوش گیاهی - نقوش کتیبه‌ای

- تزیینات هندسی

از نقوش اصلی که در این مسجد بکار رفته، نقوش تزیینی هندسی می‌باشد، نقش
هندسی در واقع بافت‌های گوناگونی از اشکال منظمی هندسی است که به‌طور
هماهنگ و بانظمی خاص در زمینه‌ای مشخص شده کنار هم در بنا قرار می‌گیرند و با
ساختار منظم خود معانی و مفاهیم الوهیت را در نظر بیننده روشن می‌سازند. می‌توان
گفت:

«استفاده از نقوش هندسی در مفهوم نمادین و فلسفی آن به منظور تأثیرگذاری روانی بر
نیایش‌گرو تقویت حس وحدانیت در مسجد است، شکل‌های پیچاپیچ هندسی با
تکرار تناسب و وابسته به یک نقش، نوعی احساس نظم و هماهنگی آفریده و در اکثر
موارد کمک زیادی به ایستایی بنا می‌کنند» (بورکهارت^۲، ۱۳۷۶: ۲۱).

- نقوش هندسی کار شده در بنا که همه در گنبد آن هستند از بالای گنبد به پایین:

- این نقش دورتادور قسمت بالایی گنبد به صورت پیوسته در قاب لوزی و نیم لوزی،
در رنگ زرد برای زمینه و مشکی برای خطوط دورتادور و قابگیری طرح تکرار گردیده
است. در این قسمت گنبد تنها این تزیین بکار رفته و قسمت بالایی همان سادگی را
دارا می‌باشد. همین قسمت بخشی بوده که بیشترین صدمه را متحمل شده بود و ترمیم
آن مربوط به سالیان اخیر است.

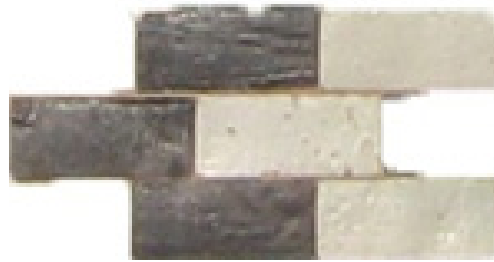


تصویر ۱: نقش بالای گنبد مرمت شده
(مأخذ: نگارنده)

۳- Titus Burekhardt

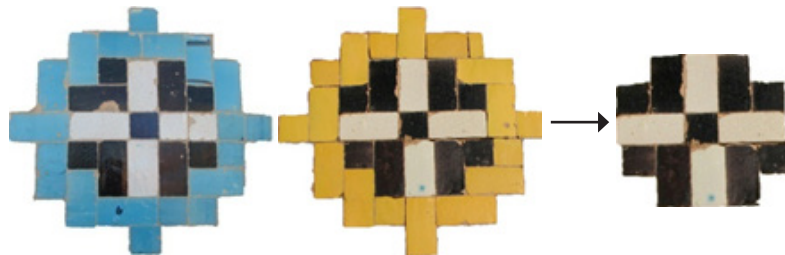
بررسی نقش و تزیینات کاشیکاری مسجد
کبود گنبد کلات نادری
عطیه کلاتی
صص ۵۵-۶۶

- این نقش مایه آلاقورد نام دارد که ظاهراً پس از اسلام به معماری راه یافته و به صورت حاشیه در بالای چندین مسجد از جمله مسجد کلات کار شده است و به صورت پیوسته در دو رنگ مشکی و سفید، داخل نواری فیروزه‌ای و در قسمت پایین نقش لوزی و نیم لوزی قسمت انتهایی طرح گلچین‌های معقلی تکرار شده است؛ و به عنوان نوار مرزی در قسمت بالایی و پایینی کتیبه خط ثلث بکار رفته است. مشابه این گره در بنای امام زاده محروق و مسجد گوهرشاد کار شده است.



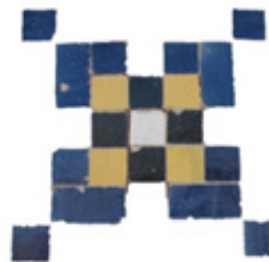
تصویر ۲: نواری از این گره در قسمت بالا
و پایین گریو گنبد کار شده است. (مأخذ:
نگارنده)

فضای اصلی گنبد که بخش اصلی تزیینات را کامل کرده نوعی گلچین معقلی^۴ است که این تزیینات را از آثار خوب دوره افشاریه بر شمرده‌اند. این گلچین معقلی در رنگ‌های قالب زرد و ابی و داخل نقش رنگ سفید و سیاه کار شده است، با تکرار این گلچین‌ها فضای بصری گنبد مسجد پر شده، دو تزیین گلچین و هندسه آن شبیه هم فقط رنگ آن متفاوت می‌باشد؛ و نقش هندسی داخل هر دو گلچین معقلی یکسان است.



تصویر ۳: گلچین‌های معقلی (مأخذ:
نگارنده)

- به غیر از این گلچین‌های معقلی تنها نقش هندسی دیگر که مابین فضای این گلچین‌ها با ابتکار هنرمند بیرون آمده است این نقش می‌باشد، رنگ‌های آن به ترتیب لاجورد، زرد، سیاه و مرکز سفید می‌باشد.



تصویر ۴: نقش مابین گلچین‌ها در فضای
گریو گنبد (مأخذ: نگارنده)

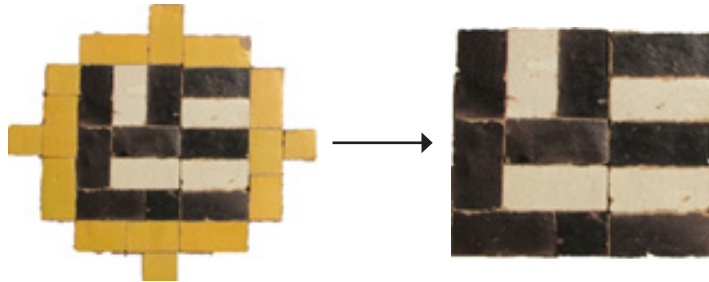
۴- نوعی کاشی‌کاری است که با ساخت و تهیه کاشی با ابعاد بسیار کوچک و پهلوی هم قرار گرفتن این کاشی‌های کوچک کار معقلی صورت می‌گیرد.

۵- خط بنایی یا مُعْقِلِی یکی از انواع خوشنویسی اسلامی است که نوعی خط کوفی زاویه‌دار به‌شمار می‌رود و از ترسیم اشکال هندسی مانند مربع، لوزی، مستطیل و خطوط موازی و متقاطع حاصل می‌شود. خط بنایی نوع تزیین نشده و هندسی خط کوفی است که بر اساس خانه‌های شطرنجی طراحی می‌شود.

- خط بنایی یا خط معقلی^۵: در دوره نادری نوعی نقش «گلچین معقلی» همراه با «خط معقلی منفرد» در گردونه این گنبد به چشم می‌خورد که می‌توان آن را از آثار این دوره یاد کرد. (زمشیدی، ۱۳۹۳: ۲۱)

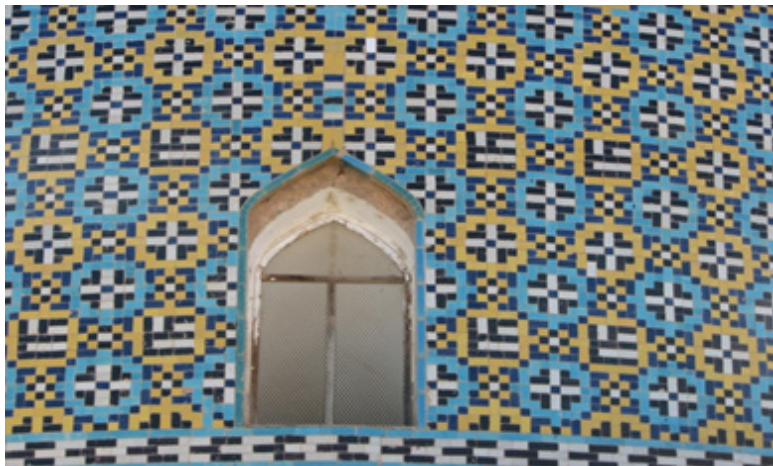
نادر به مولای متقیان ارادت خاصی داشت و این موضوع را در این بنا و رسیدگی او به سایر بناها مربوط به حضرت علی مشاهده می‌کنیم. - بازسازی بارگاه امام علی به

بهترین شکل-ایوان و گلدسته نادری و سقاخانه اسماعیل طلایی در حرم.
نام مبارک حضرت علی در هر ستون ۳ بار به کار رفته است. این گلچین و خط معقلی فضای تزیینی زیبایی را در کاشیکاری گنبد ایجاد کرده است. در قسمت خط بنایی نام حضرت علی با رنگ مشکی در قاب گلچین معقلی با رنگ زرد و زمینه سفید ما بین خطوط، کار شده است. در ستونی که نام حضرت علی به کار رفته به صورت یک درمیان با گلچین معقلی زرد ترکیب شده و در هر ستون نام حضرت علی سه بار تکرار گردیده است.



تصویر ۵: نام حضرت علی به خط بنایی در
گلچین معقلی زرد (مأخذ: نگارنده)

این تکرار ادامه دارد تا به قسمت نورگیرها برسیم در قسمت نورگیرها این روند اجرا نشده است و ما دوردیف ستون معقلی زرد را کنار هم می بینیم؛ و این به این دلیل بوده که نام مبارک حضرت علی در این قسمت به صورت نا کامل بیان نگردد.



تصویر ۶: درهم تنیده شدن گلچین معقلی
در قسمت نورگیر (مأخذ: نگارنده)

-این نقش هندسی که قسمت انتهایی گریوگنبد ۶ قرار دارد و جاهای خالی با قرینه اش پر شده است. در رنگ سفید برای زمینه و لاجورد، زرد، آبی فیروزه آبی برای خطوط دورتادور کار شده و قسمت انتهایی گریوگنبد و دورتادور آن را پوشانیده و زینت داده است.



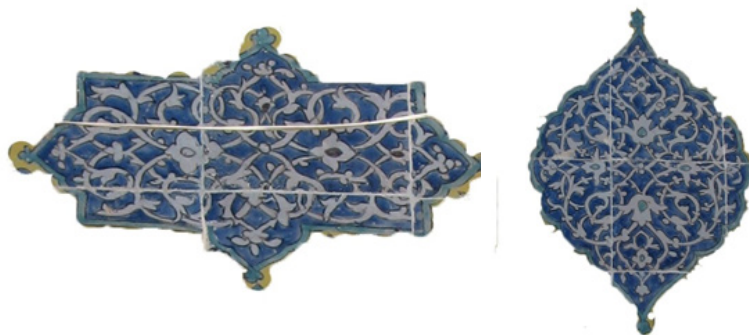
تصویر ۷: نقش هندسی قسمت انتهایی
ساقه گنبد کبود کلات (مأخذ: نگارنده)

۲-تزیینات گیاهی

نگاره های گیاهی در طول تاریخ تغییر و تطور می یابند و در دو گروه اسلیمی و ختایی

بررسی نقوش و تزیینات کاشیکاری مسجد
کبود گنبد کلات نادری
عطیه کلاتی
صص ۵۵-۶۶

گسترده‌ترین هنر ایران اسلامی را تشکیل می‌دهند. پایه و اساس نقوش هندسی و گیاهی بردوایر است، دایره کامل‌ترین شکل هندسی است که در هنر اسلامی تصویری است از کمال، بنابراین نقوش هندسی و گیاهی تمرکز مداوم در زمان و مکان دارد و همواره تداعی‌کننده «وحدت در کثرت» و «کثرت در وحدت» می‌باشند. (مکی نژاد، ۱۳۸۱: ۶۸) اسلیمی از نگاره‌های اصلی هنر ایران است نگاره‌ای که به واسطه تقسیم منظم و مدام، مجموعه‌ای متعادل و پیچیده به وجود می‌آورد. هر شاخه به نوبه خود به شاخه‌های دیگر تقسیم می‌شود و تکرار متقابل خطوط منحنی حرکتی متناوب، ریتم دار و نامحدود و طرحی متعادل و آزاد ایجاد می‌کند این نگاره به صورت ابتدایی در آثار دوره‌های پیش از اسلام دیده شده و در دوره اسلامی کمال یافته است.



تصویر ۸: نقش اسلیمی بیرون کشیده
شده از ایوان‌ها (مأخذ: نگارنده)

ختایی: ختایی ساقه گلی است که به صورت موزون سراسر طرح را می‌پیماید و به ابتکار هنرمند انواع گل، برگ غنچه تجریدی را بر آن می‌گستراند. (ریاضی، ۱۳۷۵: ۶۰).



تصویر ۹: حاشیه‌های کناری ایوان مسجد
(مأخذ: نگارنده)

کاشی‌کاری ایوان‌های بنا بیشتر از نوع کاشی هفت رنگ است که بسیار تخریب شده است و مربوط به روزگار قاجاریه هست کاشی هفت رنگ از لحاظ دوام و کیفیت از دیگر انواع کاشی‌کاری پایین تر است، اما ما بعد از دوران صفویه به دلیل تعداد زیاد مساجد و برپاداشتن آن‌ها از این کاشی بیشتر استفاده می‌کردند، چون سرعت کار در این نوع کاشی بالاست. در بعضی قسمت‌های باقیمانده می‌توان بقایای کاشی‌ها را مشاهده

نمود که شامل نقوش اسلیمی و ختایی به هم پیچان است.
تزیینات ایوان شمال و جنوبی از لحاظ طرح و رنگ کاملاً شبیه هم و ایوان شرقی و غربی قرینه و همانند هم هستند.
البته طرح در چهار ایوان یکسان فقط در دو ایوان قرینه جابجایی رنگ بین قاب بندی دوم و چهارم را داریم.



تصویر ۱۰: تصویر دو ایوان همجوار هم
تخریب زیاد یکی از ایوان ها (مأخذ:
نگارنده)

- در لچکی یکی از ایوان ها که سالم مانده و مقداری تخریب شده است (کاشیکاری این قسمت در بقیه ایوان ها کاملاً فرو ریخته است) شاهد نقوش اسلیمی به انواع دهن اژدری، اسلیمی برگدار به رنگ زرد و نقوش ختایی و تزیینی بسیار ریزتر که در زمینه لاجوردی کار شده است، هستیم. هنرمند با مهارت طراحی خود طرح اسلیمی را به رنگ زرد در ساقه های پیچان ختایی تنیده و با ترکیب این دو کاشیکاری را کامل نموده است.



تصویر ۱۱: کاشیکاری لچکی ایوان شمالی
مسجد (مأخذ: نگارنده)

از بالا به پایین کاشیکاری دیواره ها مورد بررسی قرار می گیرد:
- ما در کاشیکاری اصیل ایران شاهد رویش و گسترش شاخ و برگ های اسلیمی و مزین به شکوفه های ساده و گل های تجربیدی نقش پردازی شده هستیم، نمونه این نقش را در مساجد و اماکن مذهبی ایران بسیار می بینیم، گل هایی که از جهات مختلف و

بررسی نقوش و تزیینات کاشیکاری مسجد
کبود گنبد کلات نادری
عطیه کلاتی
صص ۵۵-۶۶

پراکنده رویش داشته‌اند، نقوش اسلیمی و درهم پیچان ختایی؛ و اما نمونه‌ای از نقش گلدانی که در اینجا بکار رفته عنصری ضروری در همه تزیینات گلداری است، معمار ایرانی این عنصر را در انواع کاشیکاری و تزیینات بکار برده و از تنوع بسیاری برخوردار است.



تصویر ۱۲: اولین تصویر کاشیکاری کناری
ایوان از نمای بالا به پایین (مأخذ: نگارنده)

این نقش در چهار ایوان یکسان است و در رنگ آن نیز تغییری مشاهده نمی‌نماییم. -نقش قرار گرفته زیرین شامل چند نمونه ترنج در اشکال گوناگون است که از دل این ترنج‌ها تزیینات اسلیمی پیچان بیرون آمده است، طرح ترنج در زمینه میانی با داشتن نقوشی از گل و گیاه، حرکات اسلیمی و ختایی، گل و برگ‌های گل افشان و موارد دیگری همراه است، نقش ترنج در کارهای گوناگون در بین دیگر نقوش: اسلیمی، ختایی و گل و برگ استفاده فراوان دارد.

در ادامه طرح برای خطوط ساقه‌های ختایی قهوه‌ای و رنگ گل‌ها لاجورد، قرمز و ... کار شده است این ستون در قسمت پایین با رنگ زمینه آبی تکرار گردیده است. منظور از جایجایی رنگ در این قاب بندی است که رنگ زرد و لاجورد در ترنج و زمینه با هم جایجا شده‌اند.



تصویر ۱۳: دومین نمای کاشیکاری از بالا
به پایین (مأخذ: نگارنده)

بررسی نقوش و تزیینات کاشیکاری مسجد
کبود گنبد کلات نادری
عطیه کلاتی
صص ۵۵-۶۶

نقش بعدی که در کادر مربع به ابعاد ۱۰۰×۱۰۰ سانتی متر در وسط جرز کار شده است، تکرار چهار نقش یکسان در زمینه دوزنقه‌ای شکل و حرکت نقش به صورت دوار، در زمینه سفید کار شده است. در تمام چهار ایوان این نقش با همین رنگ، تکرار گردیده است و در ردیف سوم قرار دارد.



تصویر ۱۴: سومین قاب کاشیکاری شده
ایوان (مأخذ: نگارنده)

تزیینات در قسمت‌های دیگر صحن مسجد شاهد این نقوش بر رواق‌ها هستیم که در رنگ زمینه لاجورد و زرد تکرار شده است؛ و نقش در تمامی دیواره‌ها یکسان می‌باشد. در قسمت صحن کنار ایوان‌ها در رواق‌ها نقوش کاشیکاری‌ها را در رنگ زمینه لاجورد و زرد کنار هم مشاهده می‌کنیم.



تصویر ۱۵: کتیبه خط ثلث مسجد (مأخذ:
نگارنده)

۲- کتیبه‌ای به خط نستعلیق: «در دورتادور مدخل مسجد کتیبه‌ای به خط نستعلیق، بنابر شیوه مرسوم مرمت‌های دوره قاجاری نصب شده که حکایت از تعمیر مسجد در این دوره دارد، تعمیرکننده مسجد یلنگ توش خان فتحعلی حاکم کلات به سال ۱۲۵۰ هجری است.» (امیری، شاکری ۱۳۸۵: ۱۱۰).

نتیجه‌گیری

- تنها بخش مسجد که شامل تزیینات هندسی می‌باشد گنبد آن است و از تزیینات گیاهی چیزی در آن به چشم نمی‌خورد.
- بیشترین تزیینات گیاهی از نوع اسلیمی و ختایی با استفاده از کاشی هفت رنگ بود که در بناهای اسلامی بعد از دوره صفویه کاربرد زیادی داشت و ما غیر از تزیینات گیاهی (اسلیمی و ختایی) نوع دیگری را در صحن حیاط مشاهده نمی‌کنیم.
- تزیینات ایوان‌ها مربوط به مرمت دوره معاصر است چون این قسمت‌ها کاملاً دچار تخریب شده بودند.
- نوع خاصی گلچین معقلی در گریو گنبد ذکر شده و نام مبارک حضرت علی به خط بنایی که نشان از ارادت نادر به مولای متقیان و از آثار افشاریه است.
- دوره‌های مختلف حکومتی از افشاریه، قاجاریه و معاصر در این مسجد کارکرده بازسازی انجام داده‌اند.

منابع

- ۱- اسکندر پور خرمی، پرویز (۱۳۸۳). اسلیمی و نشان‌ها، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- بورکهارت، تیتوس و دیگران (۱۳۷۰). جاودانگی هنر. چاپ اول. ترجمه سید محمد آوینی، تهران: برگ.
- ۳- جمالی، شادی؛ مراثی، محسن (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی تزیینات کاشیکاری در معماری مساجد دوره‌های صفویه و قاجاریه با تکیه بر چهار مصداق تصویری. دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه هنر. شماره ۱۰. صص ۸۱ تا ۹۴.
- ۴- جهان بخش، هانا (۱۳۹۴). جایگاه تزیینات و نقوش کاشی‌کاری در مساجد ایران. چیدمان. شماره ۱۱.
- ۵- حسینی، سید محسن (۱۳۷۹). مسجد کبود گنبد کلات نادری، مشکوه، شماره ۶۶. صص ۱۶۳ تا ۱۸۰.
- ۶- حیاتی، حامد، آفا محمدی، حسین (۱۳۹۵). بررسی ویژگی‌های هندسی در گره اسلامی. مطالعات علوم کاربردی مهندسی. دوره ۲ شماره ۱.
- ۷- رکنی، محمد (۱۳۷۷). گزارش پی‌گردی مسجد کبود گنبد، میراث فرهنگی.
- ۸- ریاضی، محمدرضا (۱۳۷۵). فرهنگ مصور اصطلاحات ایران، دانشگاه الزهراء، تهران.
- ۹- زمرشیدی، حسن (۱۳۸۴). کاشیکاری (گره معقلی)، جلد دوم. تهران: پیک.
- ۱۰- سامانیان، صمد (۱۳۸۷). هندسه نقوش اسلامی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی، موسسه فرهنگی هنری شقایق، روستا، چاپ ۱، تهران.
- ۱۱- شاکری، وحدت؛ امیری، حسن (۱۳۸۵). دژ خدای آفرین، چاپ اول، مشهد: انتشارات سحری.
- ۱۲- مریم فراست (۱۳۸۵). مریم به‌کارگیری شاخصه‌های معماری در معماری مسجد محله. مطالعات هنر اسلامی. بهار تابستان شماره ۴، صص ۶۱ تا ۸۴.
- ۱۳- مکی نژاد، مهدی (۱۳۸۱). نقش تزیینات در معماری اسلامی کاشی ایران. کتاب ماه هنر، خرداد و تیر. شماره ۴۵ و ۴۶. صص ۶۸ تا ۷۱.
- ۱۴- نوایی، کامبیز (۱۳۸۳). نکاتی پیرامون نقوش اسلامی. جلد دوم. کنگره تاریخ معماری و شهرسازی.
- ۱۵- بازدید میدانی



در خصوص محراب ایلخانی مسجد جامع ساوه

بقایای محراب در شرق گنبدخانه و در انتهای رواق رو به قبله دیده می‌شود. نوع گچبری و رنگ آمیزی‌های قهوه‌ای و سبز محراب، نوع خط و ترکیب قاب‌ها و قوس‌های تزئینی محراب و سرانجام تاریخی که شدیداً آسیب دیده است، همگی شواهدی بر تاریخ ساخت آن است. محراب‌های ایلخانی همیشه در محل دقیق در وسط دیوار و یا جایی که بتوان دلیل خاصی برای محراب‌سازی در آن جا پیدا کرد ساخته نمی‌شدند.

در توصیف این محراب باید گفت: در خارجی‌ترین بخش آن، یک حاشیه زنجیره‌ای تزئینی قرار دارد که با لایه‌های گچ دوره‌های بعد پوشیده شده است. در لایه‌های داخلی به ترتیب کتیبه کوفی بنایی زیبا با متن سوره یاسین با زمینه سبز و هم عرض آن کتیبه کوفی ساده و سپس یک کتیبه خط نسخ در بردارنده آیات ۱۲۵ و ۱۲۶ سوره بقره دیده می‌شوند. کتیبه سوم، پهن‌ترین و داخلی‌ترین قاب محراب، به خط کوفی ساده‌ای در زمینه اسلیمی‌های دهان‌اژدری و تزئینات مرسوم ایلخانی گچبری شده است، به گونه‌ای که سطح صاف خط در تضاد با زمینه شلوغ تزئینی آن به خوبی قابل قرائت است. این سه کتیبه با حاشیه تزئینی ساده پیچان در کنار هم قرار گرفته‌اند. در کنار دو کمان قوس طاق‌ها دوقبه گچی تخریب شده وجود دارد که در زیر هر قبه یک آجر دیده می‌شود و به صورت گرد برش خورده است. دو مثلث (لچکی) در دو طرف قبه‌ها وجود دارد که با ترکیبی از اسلیمی‌ها و برگ‌ها و بندهای اسلیمی پوشیده شده‌اند.

بیش از دو سوم محراب، بجز بخشی از آن که در دسترس نبوده، به شدت تخریب شده است، به گونه‌ای که آجرهای داخل طاق‌نمای محراب و سمت چپ آن بیرون زده‌اند و تزئینات سمت راست محراب هم شدیداً سائیده شده است. تنها در نزدیک نوک طاق اندکی از تزئینات متقارن از اسلیمی‌های دهان‌اژدری و برگ‌های اسلیمی به جای مانده است. تمام این سطوح آجیده‌کاری‌های هندسی قهوه‌ای رنگی نیز داشته است که بقایایی از آن‌ها دیده می‌شود. داخل جوف محراب ۵ ضلعی است. محراب دو ستون داشته است که بیرون زدگی ستون‌ها به وسیله آجرهایی که به صورت نیمه و به شکل تیزه ایجاد می‌شده است. روی ستون‌ها دو سرستون وجود داشته است و قوس محراب نیز احتمالاً دارای کتیبه‌ای بوده است. در داخل فرورفتگی و در سمت چپ آثاری از تزئینات داخلی محراب و نیز کتیبه‌هایی که به شدت سائیده شده، به جای مانده است. حاشیه‌های قهوه‌ای رنگ هنوز به چشم می‌خورند. بقایای یک کتیبه بزرگ کوفی بنایی با ترکیبات گره‌ها و پیچ‌های زاویه‌دار نیز وجود دارد که بیشتر آن از بین رفته است.

در بخش میانی نیم‌گنبد محراب و بخش پائینی آن هم کمربندی از کتیبه‌ای به خط نسخ وجود داشته است. به موازات ستون سمت چپ محراب در داخل، بخشی از یک نوشته در زمینه‌ای لانه‌زنبوری برجای مانده است که به سختی عبارات آن خوانده می‌شود. نکته جالب توجه آنکه برخلاف عمده کتیبه‌های داخلی محراب که از سمت راست نوشته شده‌اند، این کتیبه از سمت چپ شروع شده است، به گونه‌ای که به طرف خارج محراب نگارش یافته است. آثاری از گچبری‌های روی ستون‌های محراب هم روی آجرهایی که به صورت پخ یا تیزه کار شده‌اند، دیده می‌شود.





بازاندیشی معماری مدرسه شمسیه یزد

داوود امامی میبدی

چکیده:

در زمان آل مظفر (ایلخانی) چون این ناحیه از ایران (یزد) که قسمت قابل ملاحظه‌ای از کشور محسوب می‌شد از انهدام تعمیدی مغول مصون ماند، می‌توان انتظار داشت که در این منطقه، از زمان سلجوقیان فعالیت‌های مداوم ساختمانی وجود داشته باشد؛ و بخصوص با توجه به حوزه سیاسی خاص، تحت نفوذ حکمرانان آل مظفر می‌توان سبک محلی خاصی تحت عنوان سبک مظفری و یا به اعتقاد دونالد ویلبر مکتب یزد را، در این حوزه شناسایی و معرفی کرد. در این میان آثار شاخص معماری، مساجد، خانقاه‌ها، خانه‌ها، قنوات، باغات و محله‌های تاریخی یزد و میبد متعلق به همین دوره جهت تعریف، تبیین و تفسیر موضوع و جایگاه آن در تاریخ معماری و شهرسازی ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. هیلن براند معتقد است که تنوع اشکال مختلف در تعداد کم مدرسه‌های برجای مانده از دوران ایلخانی نشان می‌دهد که هیچ سبک مخصوصی در این دوران غالب نبوده است. دونالد ویلبر در کتاب معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، به معرفی دو مکتب محلی آذربایجان و یزد در دوره ایلخانی می‌پردازد. در این مقاله به معرفی مدرسه شمسیه (سید شمس‌الدین) در شهر یزد و تأثیراتی که در نقشه از بناهای دیگر پذیرفته پرداخته می‌شود.

در این مقاله پس از مطالعات کتابخانه‌ای که شامل شناخت بناها و معماری مدارس گردآوری شده، سپس به مطالعات میدانی پرداخته شده است. این پژوهش سعی بر آن دارد تا با ترکیبی از روش‌های تفسیری-تاریخی و پژوهش نمونه‌ها و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی، به شناخت معماری آموزشی در این بنای دوره آل مظفر پرداخته و چگونگی معماری مدرسه این بنا را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مدارس آل مظفر به عنوان مهم‌ترین مراکز آموزشی در همین جهت مورد توجه قرار گرفتند و در پرتو نیازهای فرهنگی این عصر کارکرد فعالی از خود نشان دادند. طبعاً معنای استفاده از یک قاعده کلی در مدارس این بوده که هر نوع بنا یک وظیفه را از بنای دیگر مانند مساجد یا خانقاه‌ها اخذ می‌کرده است. سلسله مراتب بیان شده در یک بستر مذهبی، تأیید رسمی حکومتی دریافت می‌کرده در حالی که همان سلسله مراتب در کارکردهای دیگر توسط پیوستگی‌های مذهبی اش تقدیس می‌گردد. ابعاد کوچک این مدارس آل مظفر به این بناها مقیاسی کاملاً انسانی می‌دهند که به خوبی بیانگر غیرتشریفاتی تعلیم و تعلم در قرون میانی در این منطقه ایران است.

کلمات کلیدی: مدرسه شمسیه، آل مظفر، ایوان، مدرس، حیاط.

پیشینه نظری تحقیق:

عقبه مطالعات مدرسه در این منطقه تاریخی به خاطر دور افتاده بودن و مکشوف نبودن آثار به اواسط قرن بیستم برمی گردد. از جمله اولین پژوهش‌هایی که می توان اشاره کرد "معماری تیموری ایران و توران" نوشته دونالد ویلبرو لیزا گلمبگ می باشد که این مقاله هم به صورت تفصیلی به آن پرداخته است. یکی دیگر از منابع معتبر معماری در حوزه یزد کتاب "یادگارهای یزد" نوشته ایرج افشار می باشد که با نگاهی تاریخی به معماری بناهای این خطه پرداخته است. همچنین کتاب آثار ایران، نوشته اندره گدار و مقاله های مذکور در کتاب آثار ایران، قابل بررسی و ارجاع است. در بخش نقش و عملکرد مدارس و مرفولوژی (شکل شناسی) آن ها، از بخش مدارس کتاب معماری اسلامی، نوشته رابرت هیلن براند، استفاده شده است.

از جمله منابعی که به مبحث معماری ایران در دوره ایلخانی می پردازد کتاب معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان است که به بررسی ویژگی های معماری این دوره پرداخته است. در این نوشتار، علاوه بر اینکه سبک یزد به عنوان یکی از سبک های معماری رایج در این دوره معرفی شده، به صورت خلاصه به تزیینات موجود در برخی از بناهای هم دوره مانند مدرسه سید شمس الدین پرداخته است. (ویلبر ۱۳۶۵). کتاب معماری دوره آل مظفر یزد علاوه بر اینکه به بررسی معماری این دوره و بناهای مرتبط با آن در شهر یزد می پردازد، برخی از خانه های آل مظفر شناسایی شده در شهر یزد را معرفی کرده و ویژگی های معماری آن ها را تجزیه و تحلیل کرده است. پروژه مستندنگاری بناهای آل مظفر در مبداء از جمله بهترین منابع جهت شناخت معماری مسکن در این ناحیه می باشد که توسط دکتر عیسی اسفنجاری تهیه گردیده است. سمیع آذر به تحولات مدارس در ایران در طول تاریخ پرداخته است و به الگوی عملکردی حیات در مدارس توجه نموده است. سلطانزاده با نگاهی تاریخی به بررسی مدارس ایران از عهد باستان تا دارالفنون پرداخته و بعضی ویژگی های مدارس را در نوشته های تاریخی بیان نموده است. بررسی فنون و مواد دیوارنگاری مدرسه شمسیه توسط شیشه بری در قالب پایان نامه کنکاش شده است. همچنین خاکباز در مقاله و سخنرانی هایی به معرفی و بررسی هنرهای تزیینی مدرسه پرداخته است. اصفهانی پور ابتدا در مقاله ای به تحولات آرایه های داخل گنبد در بناهای آل مظفر و تأثیرات آن بر سایر بناهای ایران اشاره نموده و در نهایت در کتابی به صورت مفصل به تزیینات این بنا پرداخته است. بررسی محتوایی مدارس از دوران سنتی تا نوین توسط علاقه مند انجام شده است. گونه شناسی مسجد- مدرسه قاجار و بررسی فضایی مدارس از جمله تحقیق هایی است که توسط مهدوی نژاد انجام شده است. در حوزه مطالعات تاریخی توجه به نقش مدارس در حیات فرهنگی عصر ایلخانی توسط رضوی بررسی شده است. در این راستا باید به مقاله ترکمنی آذر که به نقش مراکز علمی پرداخته، اشاره نمود. میرحسینی با سابقه مطالعاتی درباره آل مظفر نیز در مقالاتی به اوضاع فرهنگی در این دوران پرداخته است.

روش شناسی تحقیق:

تحقیقی که این مقاله بخشی از نتایج آن است بر مبنای اسناد و مدارک تاریخی و همچنین مطالعات میدانی صورت گرفته است. پژوهش حاضر با رویکرد تاریخی-توصیفی - تحلیلی، به تبیین ویژگی های معماری مدرسه شمسیه پرداخته است. این پژوهش در دو بخش انجام گرفته است: در مرحله اول به گردآوری اطلاعات تاریخی لازم از متون تاریخی و به جمع آوری داده ها و مستندسازی آن ها از طریق بررسی های میدانی پرداخته شده و در مرحله دوم، با داده های گردآوری شده، تجزیه و تحلیل نهایی صورت گرفته است.

پرسش‌های تحقیق:

- ۱- مدرسه شمسیه یزد دارای چه فضاهایی و با چه کارکردی بوده است؟
- ۲- ویژگی‌های کالبدی و کارکردی متمایز مدرسه شمسیه نسبت به سایر مدارس چه بوده هست؟
- ۳- ریشه الگوی مدرسه شمسیه کجاست و این الگو برگرفته شده از چه مدرسی هست و نقطه تمایز و تفاوت آن با الگوی اصلی چه ویژگی‌هایی هست؟

مقدمه:

یزد در اواخر عهد سلجوقیان در تصرف اتابکانی درآمد که از جانب سلاطین این سلسله منصوب می‌شدند ولی سرانجام خاندانی از همین اتابکان برای سال‌ها یزد را در تصرف خود گرفت و حکومتی موروثی به وجود آورد. اتابکان یزد در موقع حمله مغول با قبول برتری آن‌ها توانستند حکومت خود را حفظ کنند. زمانی که آل مظفر با سابقه خوش خدمتی به ایلخانان ظاهر شدند، ایلخانان آن‌ها را بر حکومت اتابکان ترجیح دادند و سرانجام آل مظفر جای اتابکان را گرفتند. (کتبی، ۱۳۳۵) آل مظفر که آغاز آن مصادف با اواخر دوره ایلخانان بود را باید از قدرتمندترین، بهترین و شکوفاترین حکومت‌های تاریخ میانه ایران به شمار آورد. چرا که در زمان آن‌ها هیچ کجای ایران به اندازه قلمرو آن‌ها از رشد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برخوردار نبود اهمیت امور فرهنگی و توجه به علم و مدرسه تا آن اندازه بود که مهم‌ترین ثروت ناحیه کویری یعنی قنات‌های آب و باغ‌ها را وقف مدارس می‌کردند و این جدای از بازارها و کاروانسراهای وقف شده بود. (محمدزاده، ص ۱۸)

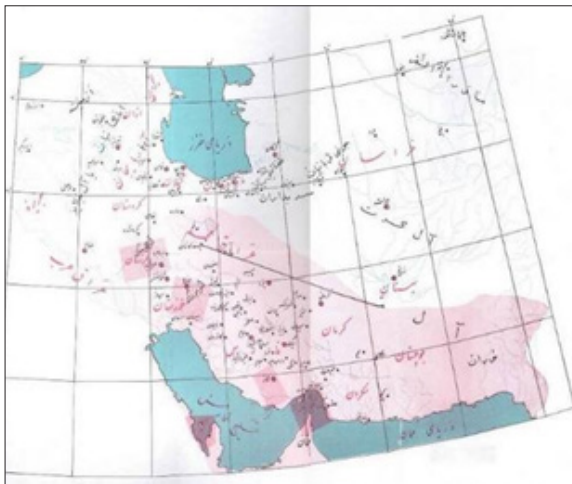
بیشتر علمای مذهبی در مراکز علمی که عبارت بود از مدارس و مساجد و خانقاه‌ها به تدریس اشتغال داشته و به علمی، چون قرائت و تفسیر قرآن، علم حدیث، فقه و اصول و کلام اسلامی می‌پرداختند. علما و دانشمندان در قلمرو امیر مبارزالدین و جانشینانش برای رواج قواعد و قوانین معتقدات خود به تألیفات چندی پرداخته یا بر کتاب‌های قدیمی‌تر، شرح و حاشیه می‌نوشتند تا فهم مطالب آن را آسان‌تر کنند. از تعداد مدارس متعددی که در یزد، شیراز و کرمان در این دوره بنا شد می‌توان میزان توجه مردم به تحصیل علوم مذهبی را دریافت. در کنار رشد علوم دینی، مخالفت علما و فقها با علوم عقلی، به ویژه فلسفه و حکمت، کاملاً نمایان بود و در کنار این وضع، امیر مبارزالدین هم به حمایت علما پرداخت. او به تحریک علمای آن عصر، دستور داد که کتاب‌های فلسفی را که به اعتقاد او کتاب‌هایی ضاله یا گمراه‌کننده بود، از میان ببرند. (ابوالفضل نبئی، ص ۹۳). با اینکه در یزد و شیراز مقارن دوران حکومت مظفری سادات بسیاری زندگی می‌کردند، اما جو کلی مذهبی مردم ایران سنت و جماعت بود و سلاطین آل مظفر نیز به آن اعتقاد داشته و پیروان مذهب خود را تقویت می‌کردند، از جمله اینکه شاه شجاع منصب قضاوت شیراز و توابع را در اختیار مولانا بهاءالدین عثمان کوه‌گیلویی که از علما و فقهای مشهور شیراز و مورد احترام امیر مبارزالدین و شاهزادگان مظفری بود، قرار داد و با این عمل دست قاضیان شافعی را در اجرای قوانین این مذهب باز گذاشت. (حسینقلی ستوده، ص ۲۶۸).

سلاطین مظفری و همچنین بزرگان این عصر توجه خاصی به بناهای مذهبی، مانند مساجد و مدارس و دارالسیاده‌ها داشتند. درواقع، نهضتی که در دوران خواجه رشیدالدین و دیگر مدارس و اماکن «گنبد سلطانی» و سپس «ربع رشیدی» با ساختن بناهایی، از جمله مذهبی شروع و سنت وقف در آن‌ها رایج شد، در این دوران‌ها رشد و گسترش قابل توجهی پیدا کرد، به طوری که هر جا سخن از ساخت مسجدی می‌آید

در کنار آن دستور ساخت مدرسه‌ای هم داده شده و موقوفه‌هایی هم به آن تعلق گرفته است. (رئیس السادات، ص ۹۶). «مبارزالدین محمد در محله سرمیدان، نزدیک قصر خودش دارالسیاده ای ایجاد کرد که محل آثار نبوی و منزل اشراف و سادات بود. وی سید صدرالدین آوجی و فرزندان او را که به تقوا شهرت داشتند، از یزد به کرمان دعوت کرده، نزدیک دارالسیاده به آنان جای داد. همچنین او مولانا معین‌الدین یزدی را به تدریس در دارالسیاده منصوب کرد. امیر مبارزالدین هزینه‌های این دو مکان را از املاک موروثی در میبد تأمین می‌کرد». (تاریخ یزد، ص ۵۳)



موقعیت محله چهارمنار در بافت تاریخی
یزد. مأخذ: توسلی



جایگاه شهر یزد در نقشه محدوده دوره آل
مظفر. مأخذ: ستوده

معماری آل مظفر

معماری شاهانه‌ای که در غرب ایران در دوران ایلخانان به سبکی فرمایشی ایجاد گردید (با همه عظمت و پیشرفتگی خود) مانند معماری منطقه کویر مرکزی (با همه سادگی) دارای ریشه‌ای اصیل و بومی ایرانی بود. بنابراین به حق می‌توان گفت، اگر این دوره در تاریخ معماری ایران به وجود نمی‌آمد، شاید روند این هنر-صنعت سمت و سوی دیگری می‌یافت تکامل این سبک به حدی است که از اوایل قرن ۸ تا آغاز قرن ۱۱ تنها با اندکی تغییر و تحول در کلیه بناها و عناصر معماری تسری یافت. با وجود اینکه

بناهای عمومی و شاخص این سبک در منطقه شناسایی و معرفی شده‌اند، اما تاکنون معماری مدارس ساخته شده در این دوره ناشناخته باقی مانده است. ایجاد محلات و عناصری در بیرون شهر یزد، انضمام محلاتی به شهر یزد و کشیدن دیوار و خندقی گرد یزد، از جمله اقداماتی محمد بن مظفر بود و این‌گونه کارهای عمرانی در زمان حاکمین دیگر آل مظفر نیز ادامه یافت که موجب تغییرات اساسی در شکل شهر یزد شد. باروری شهر یزد در دوران آل مظفر برای دومین بار در سال ۷۸۹ ق توسط شاه یحیی دچار تغییر شد. (تاریخ یزد، ص)

همچنین در این دوران علاوه بر توسعه شهر به ساخت عمارت‌ها و آبادی‌هایی در اطراف یزد اشاره شده است. در حکومت ۷۷ ساله آل مظفر (۷۸۵-۷۱۸ ق) علاوه بر اقدامات انجام گرفته در زمینه توسعه شهر و افزایش محدوده برج و بارو، اقدامات اساسی در زمینه ساخت مدارس علمیه و خانقاه‌ها صورت گرفت به طوری که می‌توان گفت این سرزمین به اوج شکوفایی فرهنگی در درون خود رسید. به عنوان نمونه اقدامات گسترده سید رکن‌الدین یکی از بزرگان آن دوره در داخل و خارج شهر نشان‌دهنده ابعاد وسیع این اقدامات است.

علاوه بر مدارس، مساجد و خانقاه‌ها، بازارهایی که در این دوره ساخته شد نقطه عطفی برای اقتصاد یزد به شمار می‌آید به طوری که بازارهای این دوران تا حدودی هنوز هم حیات خود را حفظ کرده‌اند و می‌توان گفت منشأ بازار امروزی یزد مربوط به همین دوران است

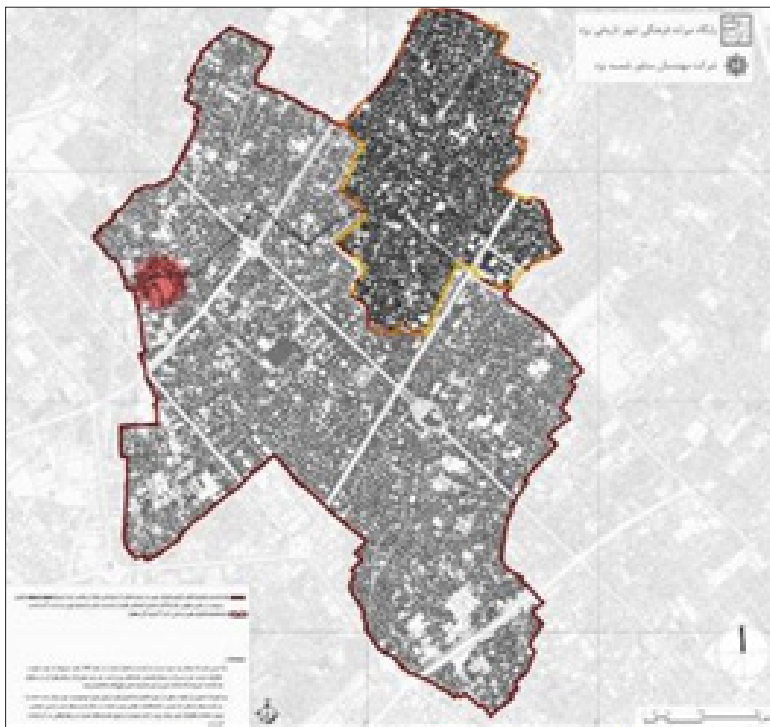
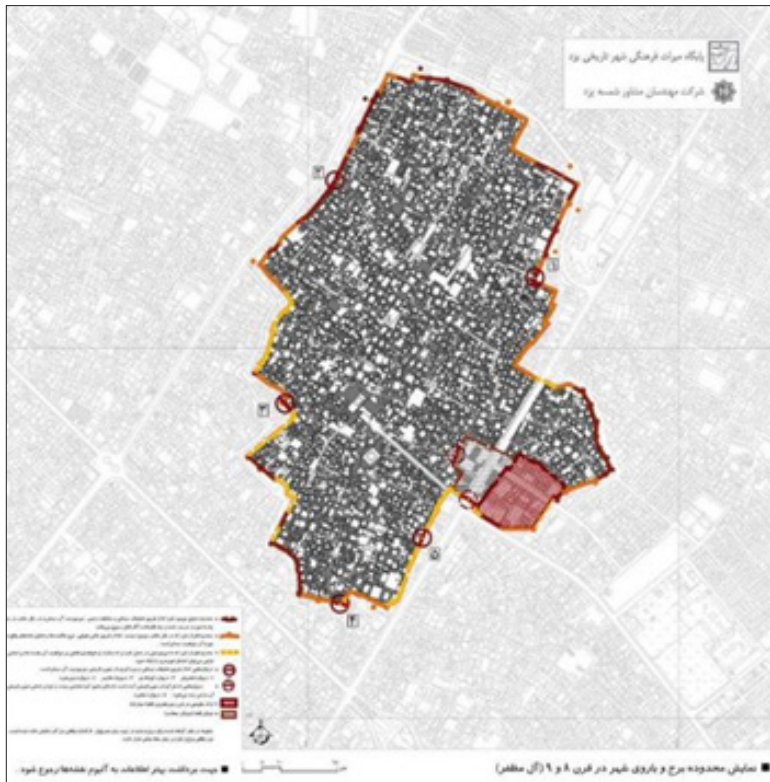
در قرن هشتم کمتر شهری به اندازه یزد کاروانسرا، بازار و حانوت (مغازه بزرگ) داشت در جامع‌الخیرات و ربع رشیدی می‌توان بیش از صد کاروانسرا را که در این قرن بنا شده‌اند، یافت.

اهمیت دیگر حکومت آل مظفر به جهت فراتر رفتن گستره قلمرو حکومتی در این دوره بوده است. به طوری که دامنه تصرفات آن‌ها در این دوره تا بغداد کشیده شد و در این میان یزد برای نخستین بار مرکز حکومتی وسیع با قلمروی گسترده شد اما برای مدتی اندک حکومت ناپایدار مظفری، این شرایط را برای شهر یزد به وجود آورد.

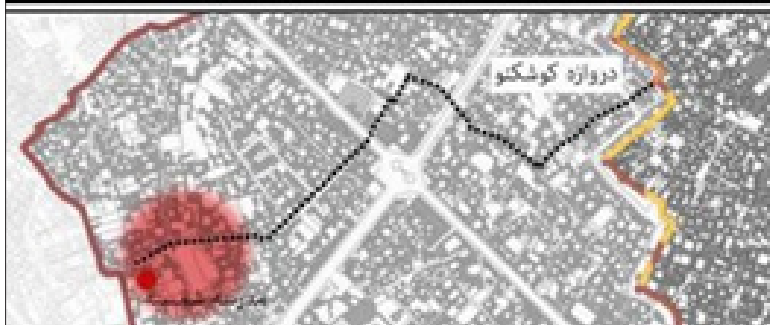
معماری یزد نسبت به شهرهای اطراف آن مانند بزرگی پایتخت یک کشور به شهرهای دیگر آن است. هر چند که می‌توان تشابهاتی در به‌کارگیری بعضی عناصر معماری یزد و شهرهای اطراف آن مشاهده کرد، اما در یزد به وسیله معماران زبردست، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در طول زمان کار شده و در مجموع هر عنصر به درجه‌ای بالا از تکامل و گسترش خود رسیده است؛ و آنچه که ما به عنوان یک فضای کامل شده در معماری شهرمان می‌بینیم نتیجه چند صدسال فکر و تلاش است.

بازاندیشی معماری مدرسه شمسیه یزد
داوود امامی میبدی
صص ۶۷-۹۴

محدوده برج و باروی دوره آل مظفر شهر
یزد. مأخذ: مشاور شمسه



محدوده بارو دوره قاجار و موقعیت و
دسترس‌ی مدرسه شمسیه نسبت به حصار
آل مظفر و قاجار. مأخذ: مشاور شمسه



مدارس در دوره آل مظفر

در دوران آل مظفر، مدرسه پس از مسجد از مراکز حساس جامعه محسوب می‌شد. در مدرسه اصول فقهی فرقه‌های مختلف اسلام و علوم زمان را تدریس می‌کردند و این امر نقش مهمی در تأمین مدارج ترقی یک فرقه و تضعیف فرقه‌ای دیگر بر عهده داشت. مدرسه همچنین محل تجمع علما، مدرسان و صاحب‌فکران بود و از این نظر در رونق بخشیدن به دانشی که با سیاست روز تطبیق داشت و به دست فراموشی سپردن دانش دیگری که در تعارض با آن بود، واجد اهمیت بسیار بود. از این رو در مورد بحث علوم نجوم، پزشکی، ریاضیات، و شیمی مورد توجه مغولان بود، جایگاهی برتر از دیگر رشته‌های علمی یافت و روحانیون برای پیشبرد اهداف اسلام به فقه و حدیث بیش از فلسفه توجه کردند. در حالی که اندیشه‌ورزان بیشتر سعی در ترویج فلسفه و حکمت و آشتی دادن آن با فقه داشتند و به تدریج آنرا در ضمن برنامه دروس می‌گنجانیدند. همچنین تصوف که بازاری گرم داشت، وارد مدرسه شد و اصول و مبانی آن جزو دروس قرار گرفت. اصولاً به اساتید در مدارس «شیخ» گفته می‌شد، اما عناوین افتخاری و عبارات دیگر نیز از طرف طلاب یا حاکم وقت به آنان داده می‌شد. تا پیش از تأسیس نظامیه‌ها «هرکس که خود را شایسته درس دادن می‌دانست، بخت تدریس داشت. برای این کار به هیچ‌گونه مدرک و گواهی و جوازی نیاز نبود. هیچ‌کس ناچار نبود که از دیگری اجازه بگیرد». (منیرالدین احمد، ۱۳۶۴، ۱۸۳). با تأسیس مدارس نظامیه برای تدریس ضوابط و مقرراتی در نظر گرفته شد که قبل از آن وجود ایلخانان، نداشت و از این تاریخ تدریس برای هرکس و در هر جا جایز نبود. (غنیمه، ۱۳۷۷، ۳۲۰)

ایلخانان مدرسان را مورد تکریم و احترام قرار می‌دادند و در نامه‌هایی که از سوی سلاطین به مدرسان نوشته می‌شد آنان را این‌گونه خطاب می‌کردند: «مولانا اعظم، افضل الامم، مقتدای اهل ایمان، جامع فنون الفضایل و المفاخر، اکمل المبرزین، افضل جهان» (بیانی، ۱۳۷۱، ۵۳۵). محصلی که نزد، استادی درس می‌خواند و موفق به دریافت اجازه‌نامه‌ای می‌شد، می‌توانست به واسطه آن اجازه‌نامه همان درس را تدریس کند. لذا در مدارس تفاوت چندانی بین مدرس و طلبه وجود نداشت.

طلبه در عین طلبه بودن ممکن بود مدرس هم باشد و خود از استادی دیگر درس بیاموزد. (محمد زاده، ۱۳۹۰، ۲۰)

مقامات و کارکنان گرداننده تشکیلات مدرسه عبارت بودند از «رئیس مدرسه» که از روحانیون دانشمند آشنا به مسائل سیاسی روز و از طرفداران دستگاه حاکمه انتخاب می‌شد؛ «مدرسین» که از بین علما، حکما، فقها، محدثین، مفسرین، نحویان، پزشکان و سایر دانشمندان انتخاب می‌شدند و تحت نظر رئیس به کار اشتغال داشتند و از مقام و موقعیت بالایی در جامعه برخوردار بودند؛ «معید کسی که در کنار مدرس می‌نشست و درس‌های او را برای شاگردهایی که درست نفهمیده بودند یا احتیاج به تکرار داشتند بازگو می‌کرد؛ «امام مدرسه»، «حفظه قرآن»، «واعظ»، «مشف دارالکتاب»، نیز از دیگر اعضای علمی بودند. علاوه بر کارکنان علمی، مدرسه دارای کارکنان اداری نیز بود؛ «ناظر» که بر مخارج نظارت می‌کرد، «باورچی» که مأمور ترتیب غذای مدرسین و محصلین بود؛ «دربان»، «فرش»، «طباخ»، «مقسم».

از نظر عناصر فضایی و کاربردی، بخش‌های مختلف مدرسه عبارت بود از: «جعه»، «مدرس»، «کتابخانه»، «مسجد»، «اتاق خادم» و آبکش. در مدارس بزرگی چون مستنصریه، حمام نیز تعبیه شده بود. برای هریک از کارکردهای مزبور فضایی ویژه با ویژگی‌های کالبدی مناسب در نظر گرفته می‌شده، اما در مدرسه‌های کوچک، به نسبت کمتری

به این موضوع توجه می‌شده است. با گذشت زمان و با تغییر و دگرگونی‌هایی که در نگرش، وضع سیاسی و دینی جامعه شرایط و اوضاع و احوال پیش می‌آمد، مهم‌ترین مواد درسی که در مدارس این عهد تدریس می‌شدند صرف و نحو، منطق، کلام، ریاضی و حکمت بود. در صرف و نحو عربی کتاب‌هایی مانند، صرف و نحو سیبویه، نصاب ابونصر فراهی، شرح امثله شریف جرجانی، الفیه ابن مالک، مطول تفتازانی تدریس می‌شد. در منطق کتاب‌های حاشیه مولا عبدالله بر تهذیب المنطق تفتازانی، کبری شریف جرجانی، شمسیه و شرح شمسیه و مطالع قاضی ارموی کار می‌شد؛ در کلام تجرید العقاید (تجرید الکلام) به عربی از خواجه نصیرالدین و شرح‌های گوناگونی که بر آن نوشته‌اند و همچنین مواقف از قاضی عبدالدین ایجی و شرح‌های نوشته شده بر آن (ضمیری، ۱۳۸۲، ۱۱۷) و در ریاضی تحریر اقلیدس، از خواجه نصیر طوسی، تفهیم ابوریحان بیرونی، شرح تذکره خواجه نصیر در هیأت، مجسطی خواجه نصیر تدریس می‌شد. در حکمت هم کتاب‌های شفا از ابن سینا، هدایه اثیرالدین ابهری، شرح هدایه میبدی و شرح اشارات از خواجه نصیرالدین طوسی مورد توجه بود. (ضمیری، ۱۳۸۲، ۱۱۷)



موقعیت مدرسه شمسیه در عکس ۱۳۳۵ نسبت به میدان شاه طهماسب صفوی. مأخذ: مرکز اسناد میراث فرهنگی



دسترسی اصلی به مدرسه شمسیه در عکس ۱۳۸۶. مأخذ: مرکز اسناد میراث فرهنگی

مدرسه شمسیه

بازاندیشی معماری مدرسه شمسیه یزد

داوود امامی میبدی
صص ۶۷-۹۴

بانی مدرسه موردنظر سید شمس الدین محمد فرزند سید رکن الدین می باشد. سید شمس الدین محمد فرزند سید رکن الدین و داماد رشید الدین فضل الله یکی از افراد بسیار منتقد و ثروتمند عصر ایلخانی بود که در تبریز نزد ابوسعید و وزیرش خواجه غیاث الدین جاه و جلال ویژه ای داشت. او و پدرش موقوفات وسیع و فراوانی داشتند که در کتاب جامع الخیرات و وقف نامه رشیدی ذکر آن ها مندرج است. یکی از آثار مهم سید شمس الدین مدرسه ای است که در محله چهار منار بنا کرده است. مؤلف تاریخ یزد می نویسد؛ «و در تبریز طرح مدرسه چهار منار و دارسیاده و خانقاه و بازار و حمام بینداخت و به یزد فرستاد و بنایان عمارت بنیان کردند و دو مدرسه در مقابل یکدیگر بساخت، و چهار منار بر اطراف هر دو مدرسه بنهادند و بازاری دو رویه و آب نفت در میان بازار جاری گردانید و خانقاه و در جنب آن مدرسه سابط عالی ساخته و با کاشی تزئین داده و حمام و دکان ها و کاروانسرای نیکوساز داده در سال ثلث و ثلاثین و سبعمائه (۷۳۳) تمام عمارت شد...». (تاریخ یزد، ص ۸۹ و ۸۸). بعد از وفات امیر شمس الدین در تبریز، جنازه او به یزد منتقل شد و در مدرسه خودش مدفون گردید و همسر او که دختر خواجه رشید الدین فضل... بود صندوق تربیتی که از عاج و آبنوس ساخته شده بود از تبریز به یزد فرستاد همچنین سنگ مرمری که در جنوب مرقد او نهاده اند از تبریز منتقل شده بود. (تاریخ یزد، ص ۸۹ و ۸۸)



مدرسه شمسیه قبل از مرمت دهه پنجاه شمسی. مأخذ: مرکز اسناد میراث فرهنگی یزد

همان گونه که عنوان شد این بنا مجموعه ای با شکوه از مدرسه، آب انبار، بقعه، حمام و بازار بوده که امروزه بخش عظیمی از آن تخریب و ویران گشته است. آنچه که باقی مانده عبارت است از مدرسه ای است که بعد از مرگ بانی جنبه تقدس یافته و به بقعه مبدل گردیده است.

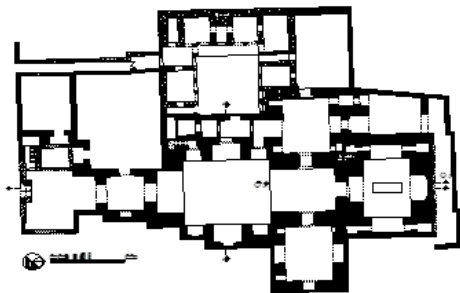
ورودی اصلی بنا در ضلع غربی و دارای سردری است از نیم گنبد که آراسته به رسمی بندی و فیلیوش و خطوط کوفی بنایی ولوز و رگچین آجری می باشد که این نیم گنبد در قبل از انقلاب توسط استاد علی اکبر خرمی ساخته شده است. سردر ورودی بنا مارا به هشتی که با شمس کاشی و آجر در سقف و کاشی نره در آزاره و چهار سکوی گوشه هشتی زمین شده است، هدایت می کند. هشتی دارای ابعادی برابر با ۶/۵* ۶/۵ متر می باشد که کف آن با آجرهای شش ضلعی فرش شده است.

در دو طرف حیاط طاق نماهایی در دو طبقه با قوس تیزه دار دیده می شود که طاق نمای وسطی بدون کمربوش بوده ولی دو طاق نمای کنار به صورت دو طبقه معجزا یا به عبارتی

با کمرپوش می باشد. بدنه طاق نماهای روبه حیاط با کاشی معرق پوشیده شده است. همچنین مقرنس هایی در دو غرفه ضلع غربی و شرقی به چشم می خورد که بر اساس شباهت های موجود بین نقوش و حتی نوع رنگ های لاجورد به کار رفته داخل خانه های مقرنس با تزئینات زیر گنبد، می توان اصلیل بودن مقرنس غربی را تأیید نمود. حیاط دارای ابعاد $12 \times 14/6$ متر می باشد که کشیدگی آن در راستای شمالی- جنوبی است.

در ایوان با طاق آهنگ رفیع، شاهد یکی از پرکارترین تزئینات این عصر می باشیم. دو طرف ایوان دو اتاق چهار ضلعی به شکل قرینه اجرا شده است. امروزه اتاق ضلع جنوبی کاربری کتابخانه میراث فرهنگی یافته است. بعد از عبور از اتاق ضلع شمالی خانه ای به سبک خانه های یزد با گودال باغچه و اتاق های پیرامونی به چشم می خورد که به احتمال زیاد بخشی از مجموعه بوده که در دوره های بعد تخریب و بازسازی شده است. راه یابی به طبقه دوم غرفه های داخل حیاط و پشت بام از پلکان های ضلع شمالی میسر است.

فضای زیر گنبد مستطیل شکل و به ابعاد $6/58 \times 9/10$ و کلفتی دیوارها $1/60$ متر است. در هر ضلع فرورفتگی هایی که در سطحی بلندتر از کف بقعه قرار دارند تعبیه شده است. قابل ذکر است که در دو طرف فرورفتگی های اضلاع شمالی و جنوبی راهروهای باریک دیده می شود که در یکی از آن ها (ضلع جنوبی، سمت چپ) قبری وجود دارد. این بخش از بنا به حق موزه ای از تزئینات ایلخانی می باشد که در آن انواع نقاشی و گچ بری اجرا شده است. وجود کاشی های متنوع زرین فام، معرق، پیش ساخته و... در فضای مخروبه پشت بنا به احتمال زیاد حکایت از مزین بودن ازاره های داخلی و میانسرا و بخش های دیگر با آن ها بوده است. آثار نصب این نوع از کاشی ها در ازاره ایوان موجود می باشد.



راست: سردر مدرسه شمسیه
چپ: پلان همکف مدرسه شمسیه

تبیین فضایی مدرسه

ورودی

معمار هیچ گاه انسان را مستقیماً و بدون مقدمه به درون وارد نمی سازد. بلکه با عبور از یک رشته پیش فضاها، فرد را هدایت می کند. ورودی مدرسه شمسیه در مرکز محور اصلی (شمال - جنوب) واقع شده و فرد پس از عبور از سردر و سپس هشتی، از مرکز حیاط و در امتداد محور اصلی وارد شده و ایوان پس از عبور از هشتی در راستای دید قرار می گیرد این سلسله مراتب فضایی را می توان در مساجد آل مظفر با سادگی بیشتر مشاهده نمود. بدین صورت که ورودی های اصلی بر محور شمالی جنوبی استقرار یافته است در حالی که ورود به فضای درونی خانه های آل مظفر با پیچیدگی بیشتری صورت می پذیرد. ترکیب ورودی با ساباط به عنوان جلوخان مدرسه ترکیبی مقبول در

تاریخ یزد بوده و برای مدارس دیگری همانند کمالیه و سلطان شیخداد بکار گرفته شده است. سردر که با پس نشستگی نسبت به بدنه ساباط مشخص می‌یابد برخلاف طاق نماهای ساباط به صورت یک طبقه بلند می‌باشد و تعریف کنندگی خود را با تزئینات نیم گنبد پوشش خود تکمیل می‌نماید. استقرار سردر و دستگاه ورودی در کف پایین تر نسبت به کف بازار که براساس مورفولوژی زمین در این محله پدید آمده بر غنای طراحی آن افزوده است. به خاطر ریخت زمین محله که دارای شیب می‌باشد و قرارگیری بنا در نزدیکی مسیل یزد، معمار بنا را در چند تراز قرار داده است، بطوریکه باغ پایین تر از مدرسه و مدرسه پایین تر از جلوخان می‌باشد. ورودی مدرسه شمسیه مانند اکثر مدارس این دوره ساختاری خطی دارد. ترکیب سردر، هشتی، ایوان (ایوانچه) در مدارس دیگر یزد نیز دیده می‌شود. هشتی نیز همانند سردر بسیار بلند می‌باشد و برخلاف هشتی‌های متعارف مدارس مانند مدرسه طراز به صورت کشیده است. این کشیدگی دلیلی ساختاری دارد و پشتیبان جرزهای قطور و سنگین سردر می‌باشد. تزئینات هشتی محدود به کاشی معقلی و کاشی نره بوده است. البته شواهد گچ و رنگ روی آن نیز دیده می‌شود. این هشتی برخلاف هشتی مدرسه طراز نیز تنوع کاشیکاری ندارد بلکه معمار با تقسیم بندی سطوح به سه بخش پوشش، بدنه و ازاره سعی در ایجاد توازن بصری با تزئینات نموده است. نکته جالب توجه در هشتی این مدرسه، دسترسی‌هایی است که طراح به صورت قرینه در هشتی ایجاد نموده است که مشابه آن را در مدرسه طراز نیز دیده می‌شود. امکان دارد این درگاه ای ورودی به فضاهای خدماتی در دو طرف هشتی بوده که امروزه از بین رفته است. رایج بودن هشتی در حرکت برای رسیدن به حیاط با فضای نیمه روشن و مربع شکل هشتی، بیانگر این امر است که دستیابی به استفاده از هندسه مربع و هشت ضلعی برای فضای ورودی در عصر خود عنصر پایداری محسوب می‌شده است؛ بنابراین یکی از اصولی که در مورد ورودی مدرسه شمسیه مصداق دارد ورود غیرمستقیم و با واسطه از بیرون به اندرون است بطوریکه تا وقتی از دهانه دالان یا هشتی قدم در حیاط گذاشته نشود شکل و هیات داخلی مدرسه در پرده ابهام است. اصل ثابت در مدرسه شمسیه وارد شدن به حیاط مرکزی از مرکز و آکس جبهه شمالی است؛ بنابراین به محض ورود، ایوان بلند و باشکوه جبهه جنوبی به بیننده رخنمایی می‌کند.



تصویری از ساباط و سردر مدرسه شمسیه.
مأخذ: مرکز اسناد میراث فرهنگی یزد

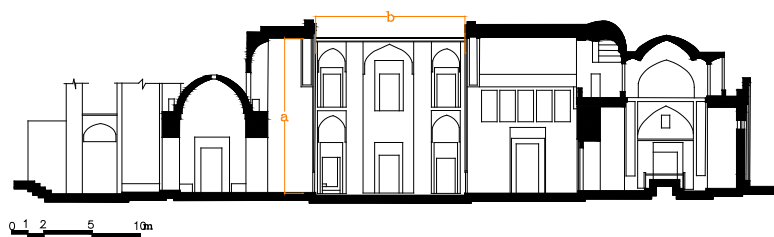
حیاط

کوچک بودن ابعاد حیاط نه تنها در مدرسه شمسیه بلکه این فشردگی رادرحسن و حیاط در مساجد و خانه‌های مظفری مشهود می‌باشد. در مدرسه شمسیه این فشردگی به خاطر هم تراز بودن بدنه‌های کشیده تشدید می‌گردد خصلتی که در مدارس بومی دیده نمی‌شود.

ضلع بزرگ حیاط مستطیل شکل مدرسه در امتداد جهت شمال - جنوب بوده و دو ایوان یکی ایوان اصلی اغلب در جبهه جنوبی و دیگری ایوان فرعی در جبهه شمالی در انتهای طول حیاط قرار گرفته‌اند. مجموع این فضاهای معماری به دنبال یکدیگر،

محوری در راستای شمال و جنوب به وجود آورده است. این محور غالباً و تنها تحت تأثیر کشیدگی زمین و عوامل ذکر شده به بنا تحمیل نشده بلکه به لحاظ سازنده‌های اقلیمی منطقه است. شمال، جنوب مناسب‌ترین جهت برای ساخت و ساز است؛ زیرا اولاً زاویه تابش خورشید در این روش طراحی به صورتی است که در اغلب ساعات روز به پشت جبهه جنوبی تابیده و خنکای این جبهه همراه بادگیر تنها فضایی است که امکان زندگی را در تابستان فراهم می‌سازد.

نسبت طول به عرض حیاط در مدرسه شمسیه برابر $1/2$ می‌باشد. ابعاد کوچک حیاط در کنار ارتفاع بلند نماها، حیاط را به صورت حفره‌ای کوچک تعریف می‌کند که حجم آن از میان حجم کل بنا استخراج شده است. همین عامل باعث می‌شود که در آن واحد دو نمای پیرامون حیاط در زاویه دید انسان واقع شوند.



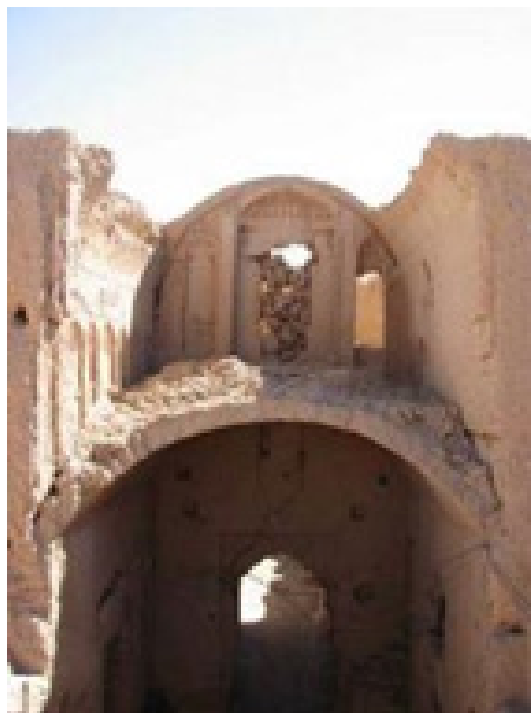
نسبت اندازه کل ارتفاع ایوان قبلی به طول
حیاط در مدرسه شمسیه
 $a = 0,97b$

ایوان

ایوان فضایی است نیمه‌باز یا حیاطی است مسقف که تقریباً تمام عرض حیاط را به خود اختصاص داده است، این فضا از جانب شمال با حیاط آمیخته، در واقع مکمل فضای حیاط می‌باشد. از سوی جنوب نیز با بدنه شمالی گنبد خانه مرز مشترک داشته و به آن می‌پیوندد به این لحاظ ایوان به عنوان پیش فضا و مقدمه ورودی به هسته مدرسه محسوب می‌شود. ایوان در مدرسه شمسیه از جانب شرق و غرب نیز به تالارهای جانبی راه می‌یابد؛ بنابراین ساختار و بدنه اصلی فضای ایوان را جرزهای قوی جبهه شرقی و غربی آن تشکیل داده که خود دارای ساختاری دوطبقه و زیبا بوده است. ایوان قبلی مدرسه شمسیه دارای ابعاد $8/9 \times 10/3$ متر می‌باشد. در جبهه جنوبی مدرسه این ایوان بلند و زیبا خودنمایی می‌کند که به محض ورود به حیاط چشم هریب‌ننده را به خود جلب می‌نماید. سقف ایوان به صورت طاق آهنگ بوده. اندود دیوارها گچ می‌باشد و در نمای ایوان نیز قاب‌هایی برای تزئین اجرا گردیده است. ایوان شمالی بنا که پس از هشتی قرار گرفته تمامی ویژگی‌های ساختاری ایوان مقابل خود را دارا می‌باشد ولی از حیث تزئینات و عمق با ایوان اصلی بنا متفاوت می‌باشد. ایوان‌ها کمی بلندتر از نماهای شرقی-غربی می‌باشند و بخاطر بلندای خود دارای کمرپوش می‌باشند. خصوصیت بارز ایوان‌های مدرسه شمسیه بلندی آن است که ویژگی این عنصر ساختمانی را در تمام کارکردها اعم از مساجد، خانه‌ها، مدارس و... متعلق به دوره آل مظفر می‌توان مشاهده نمود. ایوان در مدرسه شمسیه تقریباً تمام عرض حیاط را اشغال نموده و بعنوان چهره‌ای مسلط بر صحن خودنمایی می‌کند. ایوان بزرگ مدرسه شمسیه در جبهه جنوبی و روبه شمال (قبلی) قرار گرفته است. این عنصر نه تنها در خانه‌های آل مظفر بلکه در مساجد هم دوره نیز در راستای طولی و در امتداد محور غالب شمال-جنوبی (رون راسته) مستقر است.

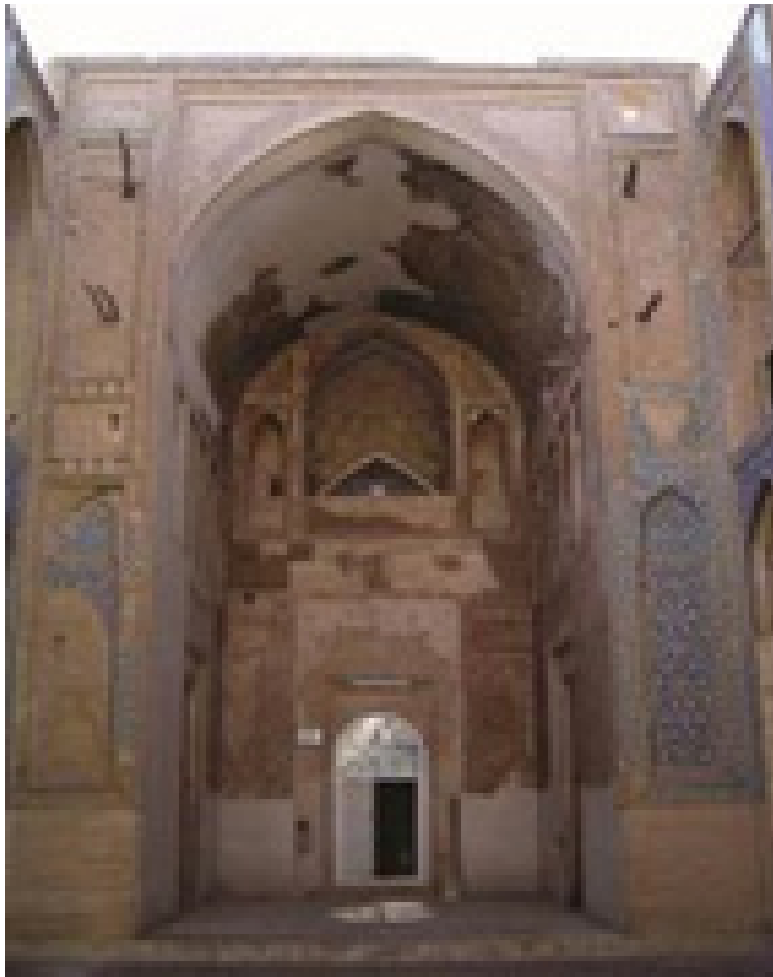
در مدرسه شمسیه برخلاف خانه‌ها، مساجد، مدارس محلی این دوره ایوان شمالی ارتفاعی برابر با ایوان جنوبی دارد در حالی که در دیگر بناهای مذکور و حتی در مدارس

بومی (مانند مدرسه طراز)، ایوان شمالی همسطح جبهه‌های شرقی و غربی بوده و تنها حجم برجسته بنا ایوان قبلی (شمالی) بوده است. رعایت مقیاس انسانی در مدارس آل مظفر در ایوان جنوبی و مدرسه نادیده گرفته می‌شود ولی در این مدرسه در اجزای دیگری نیز بکار نمی‌رود. تقابل منابع شکل‌گیری مدرسه شمسیه با مدارس بومی دیگر از جمله دلایلی است که ما شاهد تفاوت‌هایی در مدرسه شمسیه باشیم. ایوان جنوبی به عنوان عنصر برجسته معماری آل مظفر در مدرسه شمسیه با به‌کارگیری تزئینات متنوع و منحصر به فرد خود را از دیگر مدارس یزد جدا می‌نماید. این ایوان که طول بیشتری دارد همانند ایوان خانه‌های مظفری هویت مستقل ارتباطی ندارد و به عنوان فضای دسترسی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. ایوان در انتهای اسپر خود مانند خانه‌های آل مظفر دارای طاقچه‌های سه‌گانه می‌باشد که با تزئینات نقاشی پوشیده شده است. بدنه‌های شرقی و غربی نیز مانند خانه‌های آل مظفر دارای نگول کاری و طاقچه‌های برجسته با عمق کم می‌باشد که با روکشی از گچ و نقاشی تزئین شده است. تکنیک‌های تزئینی ایوان به صورت ترکیبی از هنر سفارشی رسمی و هنر محلی می‌باشد که به نحوه بسیار ظریف باهم تلفیق یافته است. گچ‌بری‌های ایوان به همراه تکنیک‌های نقاشی از جمله هنرهایی است که در مدارس دیگر یزد همانند مدرسه رکنیه، کمالیه، حسینیان دیده می‌شود. در نمای روبه حیاط ایوان شاهد طاقچه کشیده جناغی به همراه قباب مستطیلی هستیم که در ارتفاع بدنه یک بار تکرار شده است. داخل این طاق نماها با کاشیکاری معرق با طرح‌های هندسی و اسلیمی پر شده است. بدنه مدارس دیگر یزد براساس شواهد باقی مانده هیچکدام در سمت نمای روبه حیاط دارای تزئینات کاشی نبوده‌اند و فقط در مدرسه طراز در ازاره‌های مدرسه کاشی مثنی کار شده است

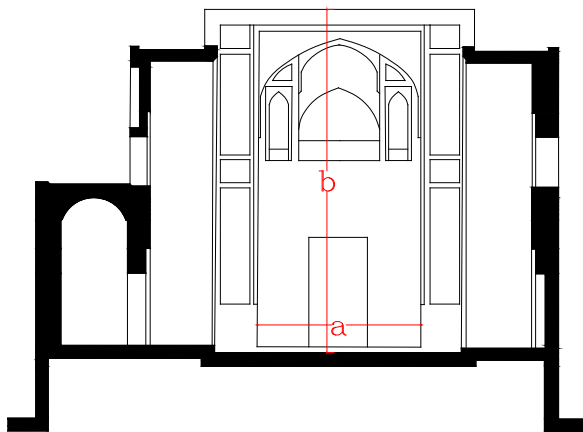


ایوان جنوبی کشیده خانه مظفری واقع در روستای بندرآباد. مأخذ: نگارنده

بازاندیشی معماری مدرسه شمسیه یزد
داوود امامی میبدی
صص ۶۷-۹۴



ایوان جنوبی مدرسه شمسیه.
مأخذ: پایگاه میراث فرهنگی یزد

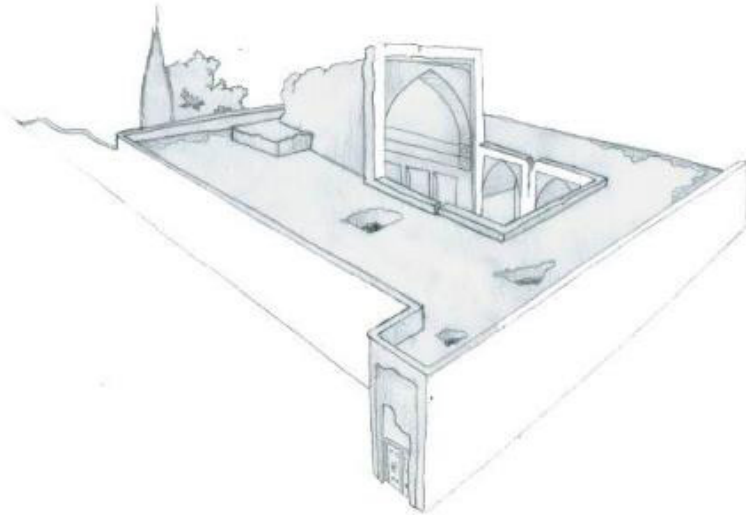


نسبت بلندای دهانه ایوان در مدرسه
شمسیه
 $b=2,1a$

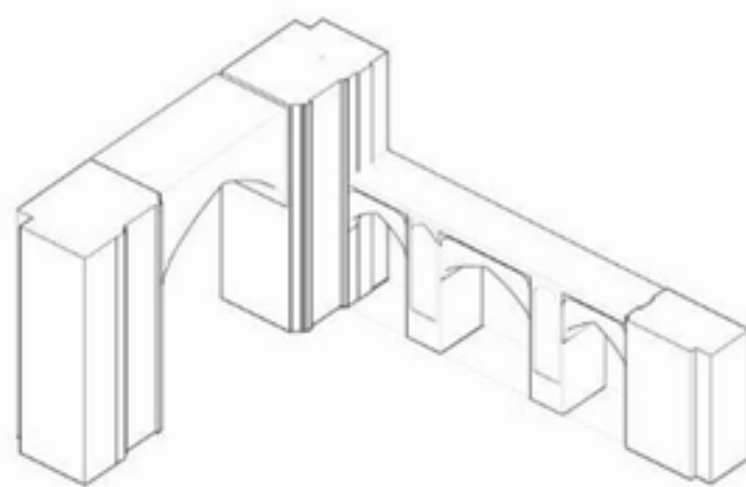
جبهه‌های شرقی و غربی

نماهای شرقی و غربی در مدرسه شمسیه کاملاً شبیه به هم و قرینه بوده و ارزش یک نما دارند و ارتفاع نمای دو سوی دیگر هم اندازه هستند. نمای حیاط در مدرسه شمسیه دارای تقسیمات سه قسمتی است این تقسیمات را می‌توان در نمای صحن در مساجد آل مظفر (مساجد جامع ابرند آباد، بندرآباد، فیروزآباد میبد، بفرویه میبد) نیز مشاهده نمود. ولی در خانه‌های مظفری دارای تقسیمات دو قسمتی می‌باشد. ضلع بزرگ حیاط

مستطیل شکل مدرسه شمسیه در امتداد جهت شمال - جنوب بوده و دو ایوان یکی ایوان عمیق در جبهه جنوبی و دیگری ایوان کم عمق تر در جبهه شمالی در انتهای طول حیاط قرار گرفته اند. غرفه های روبه حیاط همانند غرفه های مساجد این دوره دارای میانوار عریض ترو دو پروار کوچک تربوده است. به کارگیری مقرنس های گلی که باروکش از گچ اندود شده از جمله مشابیهت های این بنا با مدرسه طراز می باشد. این مقرنس ها در نهایت با تزئینات نقاشی پرداخت شده اند و تداوم هنر گل بری بومی را نیز در این مدرسه می توان دید.



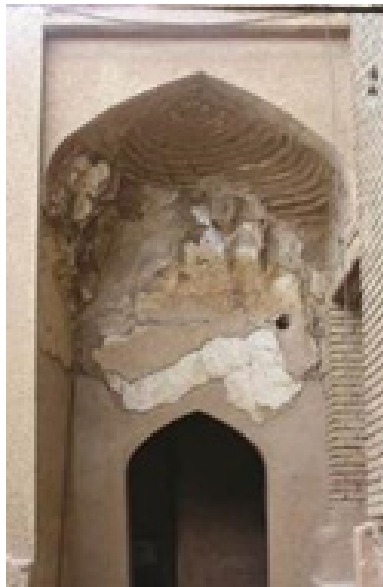
ترکیب حیاط و ایوان رفیع از خانه ممتاز
متعلق به دوره آل مظفر
مأخذ: گروه مرمت بنا پایگاه پژوهشی یزد



نحوه ترکیب حجمی ایوان با صحن در
مساجد آل مظفر
مأخذ: نگارنده

شکل هندسی کلی دو نمای شرقی و غربی در مدرسه شمسیه مربع است با ابعاد بسیار نزدیک به هم به طوری که ضلع بزرگ آن حدود ۱/۱۱ برابر اندازه ضلع کوچک است. بدین ترتیب تفکر گرایش به اشکال رفیع و تناسبات کشیده معمار عصر مظفری در کوچک ترین تقسیم بندی نمای مدرسه نیز اعمال شده است. سه دهانه بزرگ و کوچک جبهه های جانبی حیاط در کنار یکدیگر از نظم واحدی پیروی می کند. بدین سیاق که دهانه های جبهه کناری با ایوان کوچک و دهانه میانی آن با ایوان بزرگ هستند. نسبت یک به پنج تا یک به سه در ایوانچه ها بکار گرفته شده است تا بر ظرافت و کشیدگی طاق نماها تأکید شود.

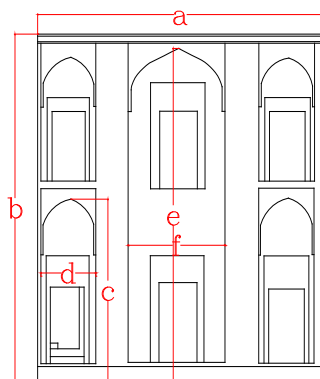
بازاندیشی معماری مدرسه شمسیه یزد
داوود امامی میبدی
صص ۶۷-۹۴



آثار مقرنس گلی در غرفه های صحن
مدرسه طراز
مأخذ: پایگاه میراث فرهنگی یزد



مقرنس ایوانچه در مدرسه شمسیه
مأخذ: پایگاه میراث فرهنگی یزد



$$\begin{aligned} b &= [1,11]a \\ c, d &= [0,32]e \\ f &= [0,31]e \\ d &= [0,19]a \end{aligned}$$

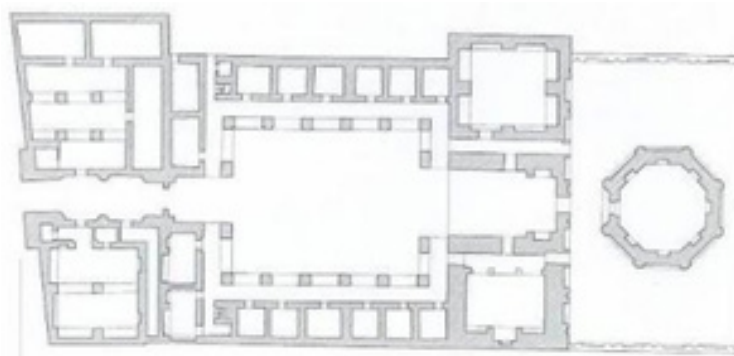
تالار بزرگ

در دو طرف ایوان جنوبی مدرسه شمسیه دو تالار مشاهده می گردد که ابعادی برابر ۵ در ۶ متر دارد، این دو اتاق در هیچ یک از مدارس یزد مشاهده نمی شود. این دو فضا با

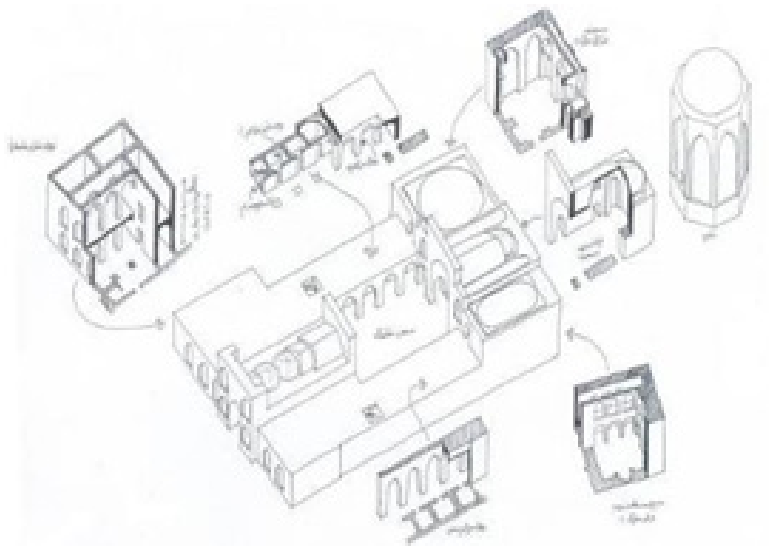
شیوه طاق و تویزه پوشش یافته است و دارای گسترده‌گی فضایی می‌باشد. این دو فضای قرینه در معماری مدرسه شمسیه از نکات برجسته معماری مدرسه می‌باشد که کمتر به آن توجه شده است. با توجه به اینکه در دیگر مدارس یزد شواهدی از وجود تالارهای قرینه در سمت ایوان قبلی وجود ندارد، پس باید ریشه‌های آن را در خارج از معماری محلی جستجو کرد. با در نظر گرفتن این موضوع که این مدرسه به صورت طراحی شده ساخته شده و نقشه آن از تبریز به یزد فرستاده شده، پس می‌توان ریشه‌های آن را در مدارس یا خانقاه‌های ترکی جستجو نمود. همان‌طور که مشاهده می‌گردد اصول کلی در طراحی مدارس و خانقاه‌ها ترکی وجود دارد این اصول در همه آن‌ها ثابت مانده است این اصول عبارتند از: سلسله مراتب ورودی، تقارن پلان در آکس اصلی (شمالی - جنوبی یا در جهت قبله)، دارا بودن ایوان اصلی در منتهی الیه حیاط و در آکس ورودی بنا.

خانقاه‌ها و مدارس به‌طور کلی دارای طرحی یکسان هستند و فضاهای اصلی و عمده آن‌ها عبارتند از: یک حیاط مرکزی که در کنار آن حجره‌های منفرد خاص سالکان و پیر وجود داشت، تالار بزرگی در سمت قبله برای اجتماعات و ادای مراسم عبادت و اوراد و اذکار دسته جمعی و برگزاری نماز جماعت، سماع و یا نشستن شیخ با اصحاب خود در آنجا و یا حتی گرد آمدن برای صرف طعام که این قسمت را معمولاً «جماعت خانه» می‌نامیدند، زوایا و حجره‌ها و اتاق‌های مخصوص خادمان و بیتوته دراویش میهمان و فقرا و همچنین بناهای فرعی دیگر همانند مسجد، مطبخ، حمام و انبارها که اختیاری بوده‌اند.

تالارهای مدرسه شمسیه به مانند جماعت خانه‌های مدارس ترکی به صورت دو فضای مستطیل شکل در دوسوی ایوان طراحی شده است. تالار شرقی علاوه بر دسترسی از طریق ایوان، ورودی دیگری از داخل ایوانچه حیاط داشته است که برپویایی آن می‌افزوده است. به نظر نگارنده تالار غربی نقش دارالکتب داشته و تالار غربی نقش نیایشی و یا جمع خانه داشته است. پس از فوت سید شمس الدین و تبدیل شدن گنبد خانه (مدرس) به بقعه (زیارتگاه) تغییری در نقش تالار نیز به وجود آمده است. سادگی و پرهیز از تزئینات زیاد همچنین نورگیری مناسب تالارها بر روی عملکرد آن تأکید می‌نماید. این فضاهای مدرسه با توجه به رکود نقش آغازین خود دچار تحولات کالبدی گشته بطوریکه تشخیص عملکرد فضاها دچار مشکل شده است. معمار با به کارگیری دو تالار بزرگ در دو طرف ایوان بر تقویت نقش آموزشی مدارس محلی تأکید نموده است. این برجسته سازی هماهنگ با تغییرات دیگری بوده که در این بنا مشاهده می‌گردد و در مدارس بومی به عنوان نقصان دیده می‌شود. تنوع فضاهای آموزشی و افزایش کیفیت فضایی از جمله نکاتی است که معمار به آن توجه نموده است.



خانقاه چلبی اوغلو الگوی مدارس ترکی با
ساختار خطی ارائه می‌دهد.
مأخذ: نیکبخت



چیدمان فضاهای اصلی خانقاه چلبی اوغلو.
مأخذ: نیکبخت

حجره طلاب

حجره‌ها در پشت غرفه‌ها که مربوط به بنای اصلی مدرسه می‌باشد، عملکرد فضای زندگی طلاب را داشته و محلی برای سکونت و استراحت طلاب بوده است و به واسطه کوچکی فضا، کلاس‌های درس در این غرفه‌ها برگزار نمی‌شده است. با توجه به اینکه تعداد غرفه‌های میانسرا مدارس محلی در زمان ایلخانیان همان‌طور که قبلاً ذکر شده کم و فقط شش عدد بوده است، نشان دهنده این موضوع است که در آن زمان همچون مدارس آناتولیایی در دوره سلجوقی، در بسیاری از این بناها به مقصود اصلی مدرسه یعنی پذیرایی از طلابی که در جستجوی فراگیری معارف دینی برای پیوستن به جمع علماء بوده‌اند زیاد توجه نکرده‌اند. ولی در این بنا برخلاف مدارس بومی شاهد حجره‌های بیشتری هستیم. در مدرسه شمسیه معمار با دواشکوبه نمودن جبهه‌های شرقی و غربی سعی در برطرف نمودن تعداد حجره‌های طلاب نموده است نکته‌ای که در مدارس دیگر یزد به چشم نمی‌خورد.

در پشت هشتی و غرفه‌ها موجود در شرق میانسرا، فضاهای مستطیل شکلی وجود دارد که یکی از آن‌ها کشیده و باریک است. تاکنون کاربری این فضاها به‌طور واضح مشخص نشده در مدارس دوره سلجوقی (با توجه به اینکه معماری ایلخانی شباهت بسیار زیادی به معماری دوره سلجوقی داشته است) بعضی از مدارس آن دارای مطبخ بودند تا امکان تغذیه طلاب و کارکنان مدرسه را فراهم آورند. تعبیر دیگری که برای این فضاها می‌توان کرد (با توجه به مدارس حیاط دار ترکی) این است که: این اتاق‌های جانبی به احتمال زیاد محل سکونت مدرسین بوده است. دسترسی از طریق ساباط بیرونی و هشتی مدرسه از ویژگی‌هایی است که می‌توان برای این فضا قائل شد.



دید و منظر از مرکز محله چهارمنار به سمت مدرسه شمسیه. مأخذ: مرکز اسناد میراث فرهنگی یزد

گنبدخانه

گنبدخانه مدرسه شمسیه در ابتدا مدرس اصلی مدرسه بوده در پشت ایوان جنوبی قرار گرفته است. پلان گنبدخانه به صورت چلیپایی بوده که پوشش آن در مرور زمان تخریب شده است و دوباره مرمت گردیده است. سقف بنا شامل کاربرندی زیبایی می باشد که برخی از خانه های آن توسط رنگ هایی از طیف اخرا پوشانده شده است. نکته قابل توجه آن است که تزئینات سقف با تزئینات دیگر بخش های گنبدخانه هم خوانی ندارد. این شواهد به نظریه الحاقی بودن سقف، کمک می نماید. پلان گنبدخانه این مدرسه با بقیه مدارس تفاوت فاحش دارد. در مدرسه شمسیه معمار برخلاف الگوی رایج محلی که گنبدخانه ها به صورت مربعی می باشد پرهیز نموده. در الگوی بومی مدارس یزد گنبدخانه ها براساس به کار بردن چهار دیوار باربر و یک منطقه فیلیپوش هشت گوشه سنتی پایدار به وجود آمده اند. به نظر نگارنده ساختار پوشش مدرس در ابتدا به صورت چهار ترک خشتی بوده که در منطقه یزد کمتر بکار گرفته می شود (رگه هایی از آن را در بعضی فضاهای دوره ایلخانی دیده می شود) ولی به خاطر آسیب پذیری آن در دوره بعد بازسازی شده است. وجود پلان چلیپایی که در گوشه های خود اتاقک هایی کوچک و باریک دارد از تمایزات این مدرسه می باشد. اتاقک های چهار گوشه گنبدخانه در نگاه اول همانند چله خانه های خانقاه می باشد که بادر نظرگیری کاربری مدرسه برای این بنا این نظر مطرود است. مدرس اولیه مدرسه بسیار پرتزئین بوده است بطوریکه از حیث تزئینات این مدرسه را در رده فاخرترین مدارس ایران قرار می دهد. طراح بنا سعی نموده در طراحی این مدرس برخلاف مدارس رایج یزد، مقیاس انسانی را رعایت نموده و با فاصله گرفتن از گنبدخانه های کشیده خشتی، فضایی مردم واریا ایجاد نماید. این مدرس به واسطه ارتباط با فضاهای شمالی و جنوبی خود فضایی با کیفیت تراز مدرس های محلی داشته است. به نظر نگارنده پرهیز از گنبدخانه های عظیم خشتی شاید به واسطه ژئومورفولوژی بوده که معمار سعی کرده از ایجاد آن صرف نظر نماید و قانع به ساخت گنبدخانه ای سبک و کم هیبت تر شود. با این وجود نیاز به پشت بندی قوسی از جمله تمهیداتی است که برای مقابله با رانش مدرسه بکار گرفته اند.



بخشی از تزئینات سقف گنبدخانه مدرسه شمسیه
مأخذ: پایگاه میراث فرهنگی یزد

بازاندیشی معماری مدرسه شمسیه یزد

داوود امامی میبدی
صص ۶۷-۹۴



تصویری از کاربندی الحاقی گنبدخانه
مدرسه شمسیه
مأخذ: پایگاه میراث فرهنگی یزد

باغ مدرسه

به کارگیری باغ در پشت بناهای آل مظفر به صورت امری رایج و متداول بوده است بطوریکه در متون تاریخی یزد به کرات از این فضا نام برده است. الگوی «خلف باغ» به صورت باغی مشجر در پشت ایوان و یا طنبی بناهای ایلخانی بوده که در خانه ها و مدارس و خانقاه ها بکار گرفته می شده است. این الگو که در تداوم حرکت رویه جلو معماری به وجود آمده محدود به یک نوع گونه نبوده است و ما شاهد تنوع فضایی این الگو در کارکردهای مختلف می باشیم. الگو باغ پشتی (خلف باغ) که در بناهای آموزشی منطقه کویری بکار گرفته می شود در دوره های بعدی (دوره صفوی) به متن اصلی منتقل می گردد و فضاهای آموزشی با هم پیوندی باغ - مدرسه (مدرسه چهارباغ) شکل می یابد. در مدرسه شمسیه نیز با توجه به شواهد معماری دارای باغ بوده و از فضای باغ بهره می گرفته است. الحاقی بودن دیوار پشت محراب مرمری حاکی از آنست که این دیوار قبلاً وجود نداشته و ارتباط بصری بین گنبدخانه و باغ وجود داشته است.

به واسطه ریخت شناسی زمین در بستر استقرار مدرسه معمار، باغ را در تراز پایین تر قرار داده است و با قرار دادن بنا بر روی بلندی از آسیب های رطوبتی باغ جلوگیری نموده است و این خود ضامن بقای مدرسه در طول هفت قرن شده است. الگوی باغ مدرسه که در این بنا بکار گرفته شده است در دیگر مدارس یزد کمتر به چشم می خورد. شاید طرح اندازی جامع مدرسه که در تبریز انجام شده و مطابق با آخرین الگوهای آموزشی (جامع ربع رشیدی) بوده در انتخاب محل طرح اندازی که محله خوش آب و هوای بیرون حصار بوده است، مدنظر قرار گرفته است. الگوی خلف باغ هرچند در مدارس کمتر دیده می شود ولی در بناهای خانقاه های اثراتی از آن مشهود می باشد (مانند خانقاه بندرآباد)



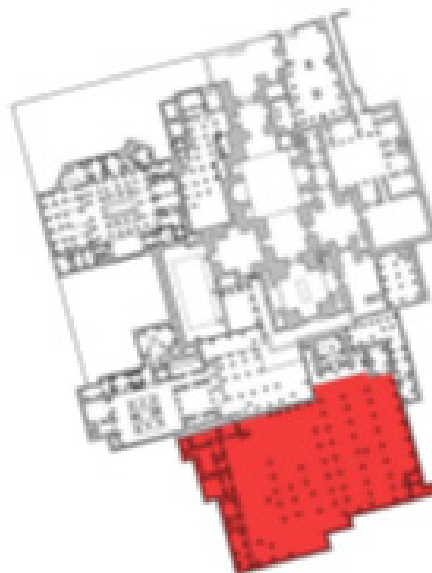
منظری از خانه باغ های پیرامون مدرسه
شمسیه. مأخذ: مرکز اسناد میراث فرهنگی
یزد

بازاندیشی معماری مدرسه شمسیه یزد
داوود امامی میبدی
صص ۶۷-۹۴

الحاقی بودن دیوار سمت باغ گنبدخانه
مأخذ: مرکز اسناد میراث فرهنگی یزد



چشم‌اندازی از فضای باغ نسبت به مدرسه
شمسیه
مأخذ: مرکز اسناد میراث فرهنگی یزد



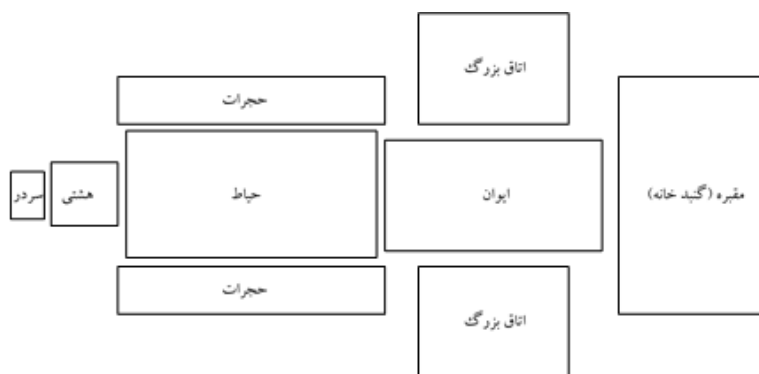
چشم‌اندازی از باغ پشت مدرسه شمسیه
که اکنون خشک شده است.
مأخذ: مرکز اسناد میراث فرهنگی یزد



بحث و تحلیل

مدرسه شمسیه دارای محوریت خطی هستند که از ورودی شروع شده و به طور پیوسته ادامه می‌یابد تا اینکه به گنبد خانه و در نهایت به باغ منتهی می‌شود. ورودی مدرسه شمسیه همانند بعضی مجموعه‌های تاریخی با جلوخان تعریف می‌گردد. وجود ساباط به عنوان پیش فضا، مقدمه ورودی از بازار به داخل مدرسه است. دعوت‌کنندگی مدرسه با به کارگیری جلوخان پایین‌تر، تشدید می‌گردد. مدرسه شمسیه جزو مدارس دو مناره می‌باشد. هرچند بنا نسبت به کف معبر در تراز پایین‌تر قرار گرفته اما اعلان حضور خود را با وجود مناره‌ها بر روی بام مدرسه تقویت می‌نموده است. به همین دلیل معمار مناره را در جلوی بنا (همانند مدرسه دو منار طبس) قرار داده بوده علاوه بر اینکه دلایل سازه‌ای از قبیل مجاورت در کنار باغ از استقرار آن بر روی لبه احتراز نموده است. در مدرسه شمسیه نسبت محصوریت فضایی افزایش یافته و حفره بودن حیاط نسبت به مدارس بومی یزد بیشتر حس می‌گردد. در الگوی مدارس بومی همانند مساجد این دوره که به صورت یک ایوانه می‌باشند، ایوان جنوبی برجسته‌تر از دیگر جبهه‌ها می‌باشند و ایوان چهره مسلط بر حیاط می‌باشد. در حالی که در مدرسه شمسیه به واسطه هم‌ترازی بدنه‌ها از سلطه ایوان کاسته شده است. هشتی مدرسه شمسیه برخلاف نمونه‌های بعد خود بسیار کشیده و بلند می‌باشد. در مدرسه شمسیه برخلاف مدارس بومی که کمتر فضایی را برای زندگی طلاب در داخل مدرسه در نظر می‌گرفتند در داخل این مدرسه به صورت موازی در پشت طاق نماها حجراتی طراحی شده است.

تقسیمات سه قسمتی مدارس بومی یزد در این مدرسه تکرار می‌شود ولی تناسبات افزایش می‌یابد. ایوان شمالی هنوز فضای ارتباطی است و حتی نقش فضای زمستان نشین آن نیز در این مدرسه کم‌رنگ‌تر می‌گردد. ایوان جنوبی مدرسه همانند مدارس دیگر (مانند مدرسه رکنیه) جایگاه تزیینات و مقدمه ورود به فضای مدرس و تالار است. الگوی ایوان جنوبی مدرسه شمسیه فارغ از رنگ و لعاب روی آن الگویی آشنا برای این منطقه بوده و در دیگر مدارس و خانه‌ها دیده می‌شود.



سلسله‌مراتب فضایی در مدرسه شمسیه
یزد. مأخذ: نگارنده

فضای تالار دو طرف ایوان برای مدارس یزد الگویی ناآشنا بوده در حالی که جماعت خانه مساجد (جمع خانه) یکی از پرکاربردترین فضاها در کتب تاریخی یزد بوده است. هرچند به کارگیری جمع خانه برای مدارس، طرحی غریب برای معماری بومی مدارس یزد بوده ولی در گوشه دیگر ایران این فضا امری رایج و مقبول بوده است. معماری مدارس یزد که اکثراً از مدرس (گنبد خانه) و ایوان بلند تشکیل شده بود با

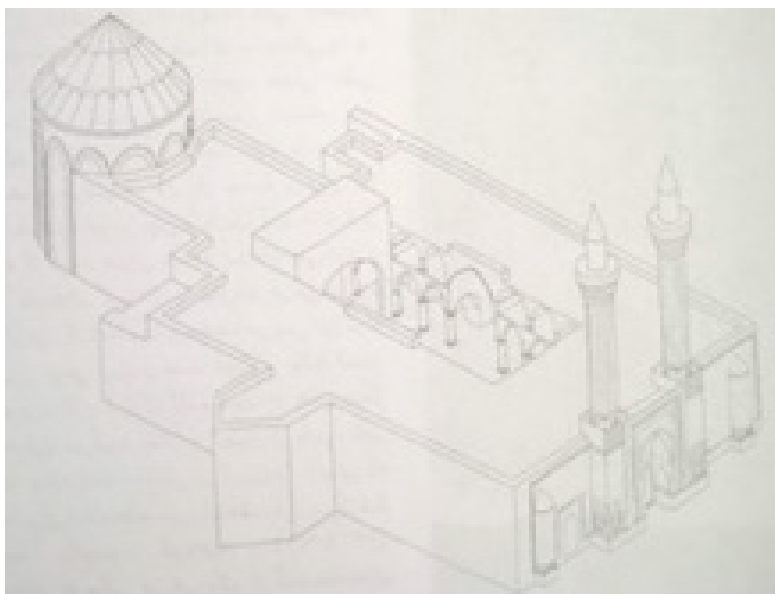
معماری مدرسه شمسیه که فضاهای جدید داشت کاملاً متفاوت بود. گنبد خانه مدرسه شمسیه پلانی صلیبی با پوششی غیرگنبدی داشت و ارتفاعش کاهش یافته بود و تالارهای دو طرف ایوان به عنوان پشت بند به معماری مدرسه اضافه گردیده است. باغ به فضای مصنوع مدرسه اضافه می گردد و شفافیت بنا با ایجاد روزن به سوی باغ افزایش می یابد درحالی که در بقیه مدارس اثری از خلف باغ مشاهده نمی گردد. در مقایسه با مدارس محلی یزد در دوره آل مظفر، مدرسه شمسیه دارای تالارهای بزرگ (جمع خانه) و حجرات می باشد که در آن ها دیده نمی شود. علاوه بر آن نماهای صحن نیز دو طبقه شده و تزئینات دوچندان گردیده است. همچنین الگوی خلف باغ را از معماری محلی عاریت گرفته است.

برای فهم بهتر معماری مدرسه شمسیه مقایسه پلانی با مدارس ترکی صورت گرفته که در انتهای مقاله به صورت دیاگرام کلی فضایی ارائه شده است. در مدرسه شمسیه برخلاف مدارس آناتولی، تأکید بر روی رواق های ممتد اطراف حیاط کاهش یافته ولی همچنان تأکید بر محور طولی به صورت بارزی نمایان می باشد. با توجه به همین طرح گسترده طولی است که زمینه را برای اجرای تزئینات فاخر مهیا نموده است. حجره های طلاب در مدرسه سید شمس همانند مدارس حیاط دار آناتولی در دو ضلع طویل بنا متمرکز شده اند. خانقاه چلبی اوغلو در سلطانیه همچون دیگر خانقاه های ترکی، شامل صحن مرکزی بوده و در اضلاع غربی و شرقی آن حجرات واقع شده اند و پلان معماری این مجموعه با الهام از عقاید و مراتب صوفیه طراحی گردیده است. حجرات در مدرسه شمسیه، در دو طرف حیاط در دو طبقه و با چفدهای جناغی رویت می گردد. شاید این نمای حجرات معطوف به حیاط که با کاشی معرق تزئین یافته است، طفولیت اندیشه ای دانست که در مدرسه غیاثیه خرگرد به باروری و شکوفایی رسیده است.

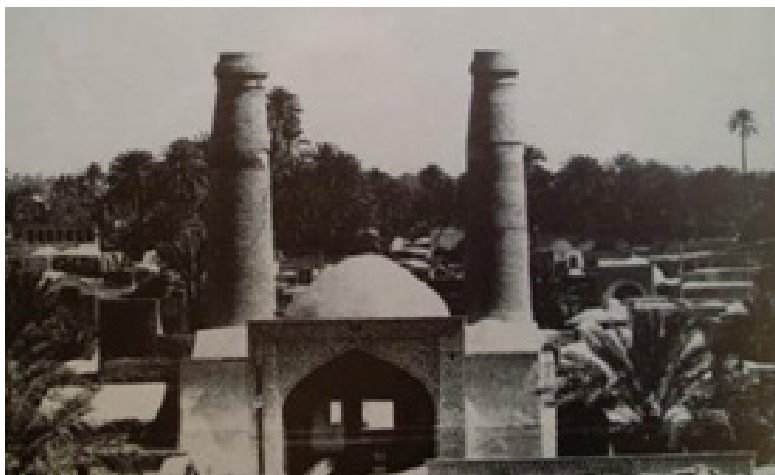
در دو طرف ایوان جنوبی مدرسه شمسیه، دو تالار بزرگ وجود دارد. الگوی جمع خانه در دو طرف ایوان در مدارس ترکی به عنوان اصل ثابت تکرار می شود. اتاق های جانبی ایوان مدرسه شمسیه را در مدارس آناتولی (سیرچاله، یاقوتیه، ارتوکوش، چلبی اوغلو) نیز مشاهده می گردد. کاربری این فضاها در مدارس به عنوان فضای مدرس و کتابخانه و در خانقاه ها به عنوان جماعت خانه (جمع خانه) و سماع خانه ذکر شده است. در منتهی الیه محور طولی ساختمان، ایوانی بزرگ و در پشت آن گنبد خانه استقرار یافته که امروزه به عنوان بقعه از آن استفاده می شود. این اتصال و پیوستگی مقبره با ایوان را در مدارس آناتولی (جفته، ارتوکوش، یاقوتیه) نیز رویت می گردد. گشادی و فراخی حیاطی که در مدارس ترکی وجود دارد در این مدرسه به چشم نمی خورد و حیاط مدرسه شمسیه در مقایسه با مدارس آناتولی بسیار کوچک تر می باشد.

با توجه به این فشردگی می توان نتیجه گرفت که معمار طراح مدرسه شمسیه این نکته را که کالبد تابع اقلیم است در نظر داشته است. مناره های مدرسه شمسیه در طول زمان تخریب شده است ولی با توجه به تأثیراتی که در بقیه فضاها از مدارس ترکی داشته می توان جایگاه مناره ها را مشخص نمود. موقعیت مناره ها در مدارس آناتولی در دو طرف سردر ورودی که با بیرون زدگی از بدنه مشخص می شود، استقرار یافته است. به نظر نگارنده جایگاه مناره ها در دو طرف طاق سردر بوده است. همچنین ابعاد عظیم پایه های دو طرف سردر ورودی و رواج الگوی مدارس دو منار (مانند مدرسه طبس) در جهت تثبیت این نظریه کمک می کند.

بازاندیشی معماری مدرسه شمسیه یزد
داوود امامی میبدی
صص ۶۷-۹۴



مدرسه جفتیه ترکیه. مأخذ: هیلن برند

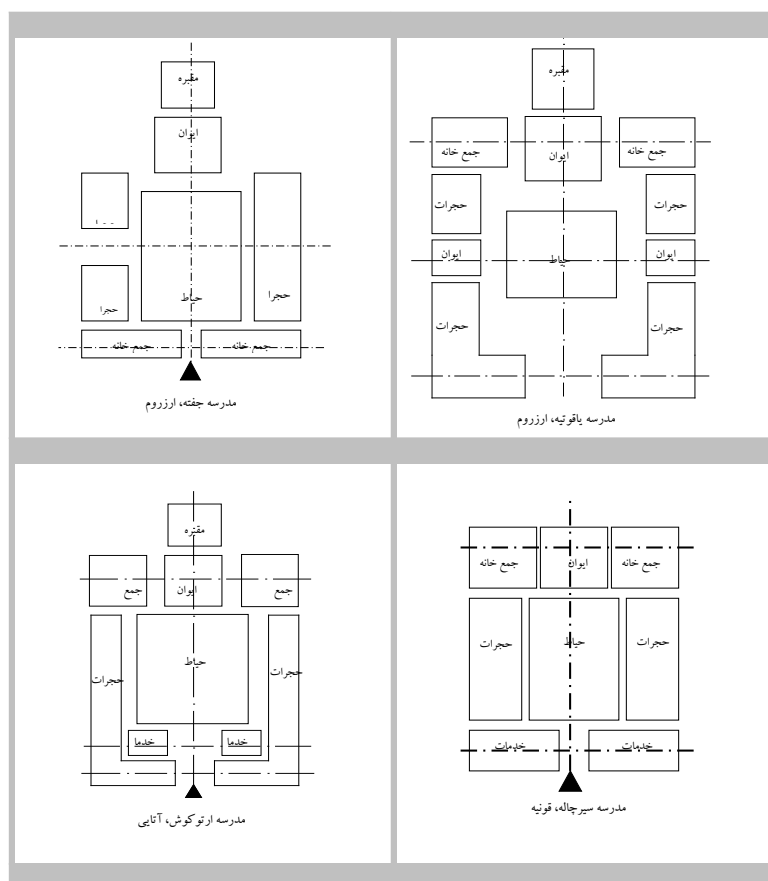


مدرسه دومنار طبس. مأخذ: دانشدوست

نتیجه‌گیری

درمجموع سنت مدرسه‌سازی در یزد، بدین صورت که در خلال حدود پنج قرن توسعه و پایدار (از دوره آل کاکوئیه تا انتهای دوره تیموری) ماند، صرف گوناگونی انواع آن‌ها، نمی‌تواند تأثیرپذیر نباشد؛ بنابراین تأثیر مدارس حیاط داراناتولی بر مدرسه شمسیه، همان‌طور که در متون تاریخی نیز آمده انکارناپذیر است. ولی این تأثیر، اقتباس صرف نبوده است بلکه معمار بنا اقلیم یزد و عملکرد بنا را مدنظر داشته است و به واسطه همین ترکیب یافتگی است که طرحی بی‌نظیر و پخته را به وجود آورده است. مدرسه شمسیه دارای خصلت‌های مشترک با مدارس بومی و از سوی دیگر با مدارس ترکی دارد. می‌توان این نتیجه‌گیری کرد که این تفاوت‌ها، اتفاقی نیستند و بستگی به اقلیم و مورفولوژی و توپوگرافی محلی دارند. مدرسه شمسیه هرچند با پشتوانه دولتی ساخته می‌شود ولی بداعت و نوآوری در معماری آن نسبت به بستر دیده می‌شود. نسبت به مدارس آل مظفر پیچیده‌تر و مفصل‌تر می‌باشد و دارای تنوع فضایی می‌باشد درحالی‌که در یک نگاه کلی، شاید با بقیه مدارس تفاوتی نداشته باشد. اگرچه در مدرسه شمسیه توجه به برخی نکات از قبیل تأکید به ارتفاع، اهمیت به فضای درونی، روشن‌تر شدن

فضای معماری و مدرس با افزایش روزنه‌ها، سبک‌تر شدن ساختمان‌ها با کاهش ضخامت جرزها، استفاده از ترکیب‌های باریک برای باریک‌تر جلوه دادن ساختمان‌ها و تمایل به ایجاد وقفه در یکنواختی دیوار با ساخت نغول و طاقنما دیده می‌شود، اما وجود برخی تفاوت‌ها با سبک محلی، معماری جدیدی را به وجود آورده است. مدرسه شمسیه با ایجاد تالارهای بزرگ (جمع‌خانه) در دو طرف ایوان و تغییر کیفیت فضایی گنبدخانه (تبدیل پلانی مربع و فضایی گنبددار به پلانی چلیپایی و پوششی طاق‌دار) به سمت مدارس رسمی پیش رفته است. این حرکت روبه‌جلو با وفاداری نسبت به سنت‌های محلی بوده بصوریکه مقرنس‌های گلی روکش شده و برجسته‌سازی‌های بدنه ایوان و شمشه‌های پرتاووسی همگی نمایانگر این پایبندی هستند. طبعاً معنای استفاده از قاعده خلف باغ در مدرسه شمسیه این بوده که این نوع بنا یک وظیفه را از بنای دیگر (خانقاه و خانه‌ها) اخذ کرده است و برپویایی معماری آن افزوده شده است.



اصول اولیه شکل‌گیری فضا‌های مختلف
درکنار یکدیگر در مدارس آناتولی

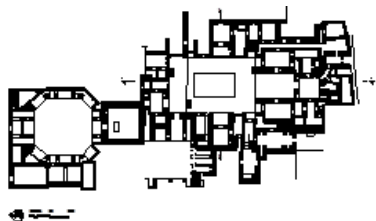
بازاندیشی معماری مدرسه شمسیه یزد
داوود امامی میبدی
صص ۶۷-۹۴

عنوان: مدارس حیاط دار ترکی

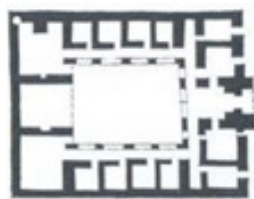


خانقاه چلبی اوغلو

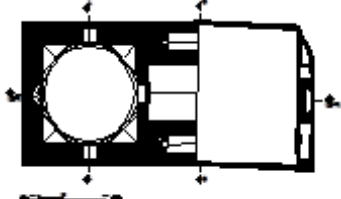
عنوان: مدارس آل مظفر یزد



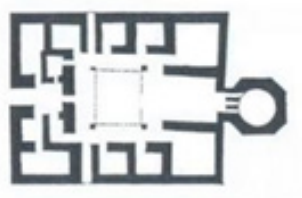
مدرسه حسینیان



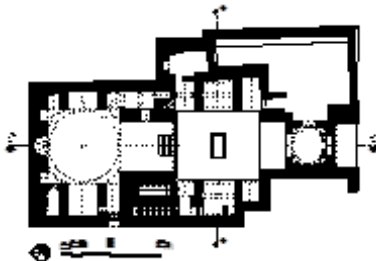
مدرسه قونیه، سیرچاله



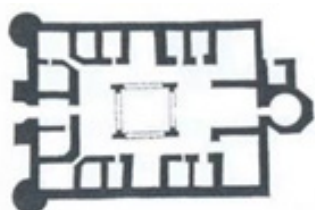
مدرسه رکنیه



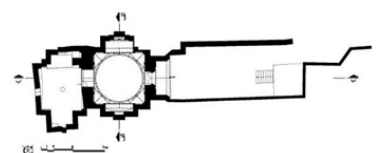
مدرسه جفته، ارزروم



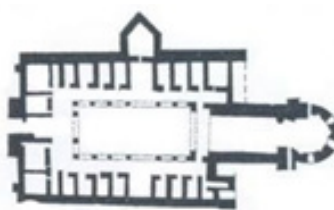
مدرسه طراز



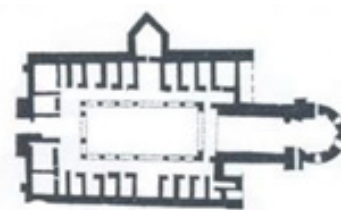
مدرسه یاقوتیه، ارزروم



مدرسه کمالیه



مدرسه ارتوکوش، آتایی



مدرسه ضیاییه

فهرست منابع و مأخذ:

- آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد.
- ابوبی، رضا، فرهنگ مظفر و لیلا ذاکر عاملی. ۱۳۹۱. پیدایش بادگیر در خانه‌های دشت یزد اردکان. مرمت و معماری ایران مرمت آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی دوره (۲) شماره: (۳۸-۲۸) ۱۵-۱۳۸۵
- اسفنجاری، عیسی، مید شهری که هست، انتشارات میراث فرهنگی، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۵
- اسفنجاری، عیسی؛ پژوهش مسجد جامع ده نومید؛ مجله اثر، شماره ۳۸-۳۹، انتشارات میراث فرهنگی، ۱۳۸۴
- افشار، ایرج؛ یادگارهای یزد، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی؛ ۱۳۵۴
- اصفهان‌پور، فایزه، واکاوی تحولات آرایه‌های داخلی گنبد در شیوه یزد و تأثیرات آن بر سایر بناها در ایران، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۷، دوره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳
- الوندیان، الهه. ۱۳۸۵. فن شناسی تزئینات گچی منحصربه‌فرد بقعه سید رکن‌الدین در یزد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- دانشکده حفاظت و مرمت. دانشگاه هنر اصفهان.
- الوندیان، الهه، مدارس خاموش امروز، هویتی آشکار از دوره آل مظفر، فصلنامه فرهنگ یزد، سال دهم، شماره ۳۸-۳۹، زمستان ۱۳۸۸
- الوندیان، الهه، آرایه‌های تزئینی بقعه سید رکن‌الدین (مدرسه رکنیه) یزد، شاهکار هنر و معماری مذهبی دوره آل مظفر، مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۱
- پیرنیا، محمد کریم؛ آشنایی با معماری اسلامی ایران؛ تدوین غلامحسین معماریان، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ پنجم، ۱۳۸۰
- حسینی یزدی، سید رکن‌الدین. ۱۳۴۱. جامع‌الخیرات، به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران زمین
- خادم‌زاده، محمد حسن. ۱۳۸۷. معماری دوره آل مظفر یزد. تهران: نشر همپا، با مشارکت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد
- حاتمی، حسین، جنبش مدرسه‌سازی در ایران عصر ایلخانی، فصلنامه سخن تاریخ، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۹
- خبیری، محمد رضا، جلوه‌ای از هنر تزیینی اسلامی بقعه سید شمس‌الدین یزد، کتاب ماه هنر، شماره ۱۷۳، بهمن ۱۳۹۱
- جعفری، جعفر بن حسن جعفری؛ تاریخ یزد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳
- سلطان‌زاده، حسین؛ فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران؛ تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ نخست، ۱۳۷۲
- سلطان‌زاده، حسین؛ تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون. تهران: سروش دانش، ۱۳۶۴
- شیشه‌پری، طاهره، شناخت مواد و فنون دیوارنگاری پنج بنای ایلخانی شهر یزد، نشریه مرمت آثار و بافت‌های تاریخی، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱
- کاتب، احمد بن حسین بن علی؛ تاریخ جدید یزد؛ تهران، انتشارات فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۵
- کیانی، محمد یوسف؛ تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی؛ تهران، سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاه‌ها، چاپ چهارم، ۱۳۸۱
- کریمی، امیرحسین. ۱۳۸۶. نقش برجسته‌های گلی گونه‌ای خاص از تزیینات معماری میبد. در میبد شهری که هست. به
- ۲۳۸. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، اداره کل امور فرهنگی، سازمان - کوشش عیسی اسفنجاری کناری، ۲۰۹
- مستوفی، محمد؛ جامع مفیدی؛ تهران، انتشارات اسدی، چاپ دوم، ۱۳۴۲
- ویلبر، دونالد؛ معماری تیموری ایران و توران؛ ترجمه کرامت‌الله افسرو محمد یوسف کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، ۱۳۷۴
- ویلبر، دونالد. معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی. ت: عبدالله فریار. تهران: نشر علمی و فرهنگی. ۱۳۹۳
- هیلن براند، رابرت؛ معماری اسلامی: فرم، عملکرد، معنا؛ ترجمه باقرآیت‌الله زاده شیرازی؛ تهران، انتشارات روزنه، چاپ دوم، ۱۳۸۳
- کیانی، محسن، تاریخ خانقاه در ایران، انتشارات طهوری، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۰
- ستوده، منوچهر، تاریخ آل مظفر؛ چاپ دوم؛ ۱۳۸۴
- اوکین؛ برنارد؛ معماری تیموری در خراسان؛ ترجمه علی آخشینی؛ بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی؛ چاپ اول؛ ۱۳۸۶
- دانشدوست، یعقوب؛ طبس شهری که بود؛ تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، ۱۳۷۶
- میرحسینی، محمد حسن - یزد از ظهور تا سقوط آل مظفر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، ۱۳۷۲
- غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسای، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
- علاقمند، سبیده، مطالعه تطبیقی معماری و محتوای مدارس ایران از دوره سنتی تا نوین، مجله باغ نظر، سال ۱۴، ش ۴۹، تیر ۱۳۹۶
- سلطان‌زاده، حسین، تاریخ مدارس ایران، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۴
- کتبی، محمود، تاریخ آل مظفر، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۳۵

بازاندیشی معماری مدرسه شمسیه یزد

داوود امامی میبدی

صص ۶۷-۹۴

بازاندیشی معماری مدرسه شمسیه یزد

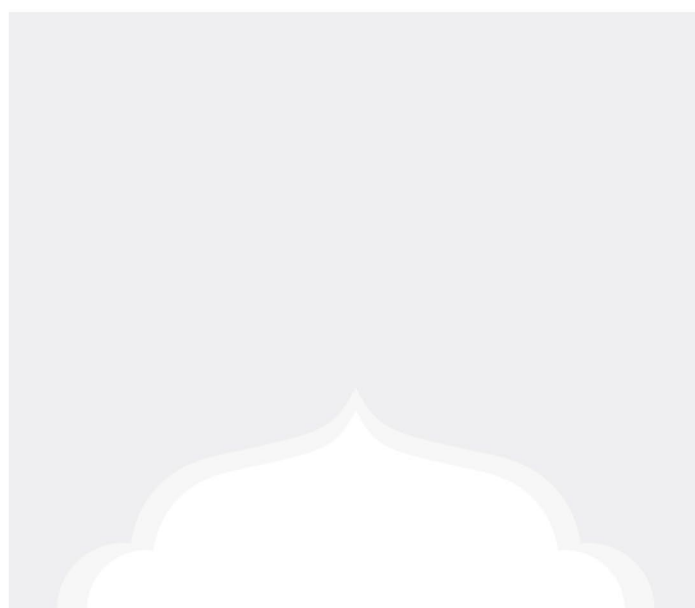
داوود امامی میبدی

صص ۶۷-۹۴

- منیرالدین احمد، نهاد آموزش اسلامی، ترجمه محمد ساکت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴
- معین الدین یزدی، ابن جلال الدین محمد معلم، مواهب الهی، به کوشش سعید نفیسی، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۲۶
- مرتضوی، منوچهر، مسائل عصرایلیخانان، چاپ دوم، تبریز، انتشارات آگاه، ۱۳۷۰
- محمد زاده، مریم، حیات فرهنگی عصرایلیخانی با تکیه بر مدارس، نیمسال نامه تاریخ نو، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۰
- قدردان قراملکی، رضا، مفهوم آموزش و تأثیر آن در معماری مدارس اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره دوازدهم، پاییز ۱۳۹۵
- جعفری، عاطفه، ایمان طلب، حامد، بررسی و تحلیل عناصر و الگوهای تاریخی معماری مدارس سنتی ایران، مطالعات جغرافیا، عمران و مدیریت شهری، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵
- سعیدی کیا، ندا، سیر تحول معماری مدارس ایران در گذر زمان، معماری شناسی، شماره ۱، مهر ۱۳۹۷
- سرآبادانی تفرشی، اکرم، نظری بردستاوردهای فرهنگی و تمدنی آل مظفر، نامه تاریخ پژوهان، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۸۹
- رئیس السادات، تهمنه، نقش آل مظفر در تمدن اسلامی، تاریخ در آینه پژوهش، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰

پروژه‌های تحقیقاتی

- واحد مرمت و احیاء بناهای تاریخی؛ هزار و یک خشت، بررسی خانه‌های دوران آل مظفر یزد؛ پایگاه پژوهشی شهر تاریخی یزد، پائیز ۱۳۸۵
- واحد مرمت و احیاء آثار تاریخی؛ بررسی بناهای تیموری یزد؛ پایگاه پژوهشی شهر تاریخی یزد، واحد مرمت و احیاء آثار تاریخی؛ بررسی بقاع شهر یزد؛ پایگاه پژوهشی شهر تاریخی یزد،



روشن‌فک‌های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی

فصلنامه پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی
Journal of Iranian and Islamic Architecture and Restoration Research

maremat-mag.ir

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری، کوچه شهید سبحانی، پلاک ۴۸، واحد ۴
تلفن: ۰۲۱۳۳۲۰۲۴۸۷
فکس: ۰۲۱۴۳۸۵۷۱۲۴